



وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ
وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

تبیان

شماره ۸۴

مجله علمی - تحقیقی تبیان

سال ۱۴۰۳ هـ.ش

۴

په دې ګڼه کې:

- رمضان سرچشمه خیر و برکت.
- په هېواد کې د اسلامي فرهنگ ساتنه او رغونه.
- د قرآن کریم او نبوي سنتو په رڼا کې د شوری مقام او ارزښت.
- مشروعیت و پیشینه ی تاریخی سفارت.
- د حنفي مذهب مزایاوې.
- دوره سوم
- ربع: چهارم
- شماره مسلسل: ۸۴
- سال ۱۴۰۳ هـ.ش.
- سال تاسیس: ۱۳۷۹ هـ.ش.
- کابل - افغانستان



TEBYAN

Quarterly Journal

Establishment : 2024

Research and Scientific Publication of
Afghanistan Science Academy

Serial No: 84

Address:

Afghanistan Science Academy
Torabaz Khan, Shahbobo Jan Str.
Shahr-e-Now, Kabul, Afghanistan.
Tel: 0202201279



د افغانستان اسلامي امارت
د علومو اکاډمي
معاونیت بخش علوم اسلامی

تبیان

مجله علمی - تحقیقی
عقیده، تفسیر و علوم القرآن، حدیث و علوم حدیث، سیرت، فقه،
اصول فقه، تاریخ اسلام و ثقافت اسلامی

سال تاسیس ۱۳۷۹ هـ.ش
شماره مسلسل ۸۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ
وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ.

یادداشت:

- مقاله رسماً از آدرس مشخص با ذکر نام، تخلص، رتبه علمی، نمبر تیلیفون، و ایمیل آدرس نویسنده به اداره اکادمی علوم فرستاده شود.
- مقاله ارسالی باید علمی - تحقیقی، بکر و مطابق معیارهای پذیرفته شده علمی باشد.
- مقاله باید قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- عنوان مقاله مختصر و با محتوا مطابقت داشته باشد.
- مقاله باید دارای خلاصه حد اقل حاوی ۸۰ الی ۲۰۰ کلمه بوده، و گویای پرسشی اصلی باشد که مقاله در پی پاسخ دهی به آن است. همچنان خلاصه باید به یکی از زبان‌های یونسکو ترجمه شده باشد.
- مقاله باید دارای مقدمه، مبرمیت، هدف، سؤال تحقیق، روش تحقیق، نتایج به دست آمده و فهرست منابع بوده و در متن به منبع اشاره شده باشد.
- مقاله باید بدون اغلاط تایپی با رعایت تمام نکات دستور زبان، تسلسل منطقی موضوعات در صفحه یک روبه کاغذ A۴ در برنامه word تنظیم شده باشد.
- حجم مقاله حد اقل ۷ و حد اکثر ۱۵ صفحه معیاری بوده، با فونت ۱۳ تایپ شود، فاصله بین سطرها واحد (Single) باشد و به شکل هارد و سافت کاپی فرستاده شود.
- هیأت تحریر مجله صلاحیت رد، قبول و اصلاح مقالات را با در نظر داشت لایحه نشراتی اکادمی علوم دارد.
- تحلیل‌ها و اندیشه‌های ارائه شده بیانگر نظریات محقق و نویسنده بوده، الزاماً ربطی به موقف اداره ندارد.
- حق کاپی مقالات و مضامین منتشره محفوظ بوده، فقط در صورت ذکر مأخذ از آن استفاده نشراتی شده می‌تواند.
- مقاله وارده دوباره مسترد نمی‌گردد.

ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباطات عامه اکادمی علوم افغانستان

مدیر مسؤول: سرمحقق عبدالروف هجرت

مهتمم: خپرنیار عصمت الله رحمتزی

هیأت تحریر:

سرمحقق عبدالولی بصیرت

سرمحقق سید حبیب شاکر

سرمحقق عبدالرحمن حکیمزاد

احمدالله صابری

مفتی محمد نبی الميدانی

دیزاین: عبدالروف هجرت

محل چاپ: مطبعه ستاره همت

تیراژ: ۱۵۰ جلد

آدرس: اکادمی علوم افغانستان، طره باز خان واټ،

کوچه شاه بوبوگان، شهرنو، کابل

شماره تماس ریاست اطلاعات و ارتباطات عامه: ۰۲۰۲۲۰۱۲۷۹ (۰۰۹۳)

ایمیل ریاست اطلاعات و ارتباطات عامه: info@asa.gav.af

ایمیل مدیریت مجله: tabiyan.af@gmail.com

اشتراک سالانه:

کابل: ۳۲۰ افغانی

ولایات: ۴۸۰ افغانی

کشورهای خارجی: ۲۰ دلر امریکایی

قیمت یک شماره در کابل:

برای استادان و دانشمندان اکادمی علوم: ۷۰ افغانی

ارشاد الهی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ
عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ البقره: ۱۸۳
(ای کسانی که ایمان آورده اید! بر شما روزه فرض شده
است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بوده اند فرض
بوده است، تا باشد که پرهیز گار شوید).

فهرست موضوعات

شماره	عنوان	نویسنده	صفحه
۱.	حقوق و مکلفیت های اهل ذمه در جامعه اسلامی	معاون سرمحقق یارمحمد صمدی	۱
۲.	په هېواد کې د اسلامي فرهنگ ساتنه او رغونه.	معاون سرمحقق عبدالحمید وفا	۲۸
۳.	د قرآن کریم او نبوي سنتو په رڼا کېد شوری مقام او ارزښت.	څېړندوی: صالح محمد فرید	۵۲
۴.	مشروعیت و پیشینه ی تاریخی سفارت.	حمایت الله بهرامی	۸۱
۵.	د حنفي مذهب مزایاوي.	پوهندوی عبد الحق حبیبي صالحی	۹۷
۶.	بررسی شفافیت در دستگاه قضایی دوران خلافت علی بن ابی طالب و الگوگیری از آن.	مفتي محمد نبي الميداني	۱۲۰
۷.	د طلاق مادي اغېزې.	معاون محقق کمال نوری	۱۴۲
		څېړنوال محمد حسن منگل	۱۶۲

معاون سرحقق يارمحمد صمدى

حقوق و مكلفيت هاى اهل ذمه در جامعه اسلامى

ملخص البحث:

إن المجتمع الإسلامي هو مجتمع كبير باتساعه و تفكيره المتعالى تحتوى على كل المواطنين والمقيمين الذين يعيشون في هذه الجغرافيا العظيمة و هو منسوج بطريقة التى تتعايش فيها الأديان والمذاهب و الأقوام والألسنة والعرق متفاهما و متناسقاً بعضهم مع البعض والتي تتحكم بنية المجتمع البشرى لذا فإن الهدايات المستنيرة لدين الإسلام تبشر برسالة نظام ذو قاعدة منفتحة و واسعة و متحدة إلى الناس والتي تهيأ لجميع فئات المجتمع سلسلة من الحقوق والمسؤوليات التي بالالتزام بها ستعود الحياة إلى مسارها الأصلي. و لذلك فإن في أفضل عطايا هذا الدين و تعاليمه خيراً لجميع البشر و هو خير تحت عنوان العفو والقبول المتبادل و غير ها من الخصال الفرعية المستنيرة التى تمهد الطريق للتعايش مع الأقليات الدينية التي يطمح إليها الجميع. و قد يحتوى هذا البحث تعريف أهل الذمة و حقوق اهل الذمه و التزاماتهم و مسؤولياتهم فى المجتمع الاسلامى فيمكن الاستفادة من تلك المبادئ التوجيهية في حل شذوذات حياتهم الاجتماعية، و يتضمن هذا المقال ملخص والمقدمة والأسئلة الرئيسية والأسئلة الفرعية و الغرض و منهج البحث و تنتهي بالنتيجة والاقتراحات اللازمة و فهرس المصادر.

خلاصه:

جامعه اسلامی جامعه ایست بزرگ با وسعت و فرا اندیشی اش همه شهروندان و ساکنینی که در این جغرافیای بزرگ زنده گی دارند، و ترکیب ضخیمی از انسان ها را در خود جا داده است، که در چنین جامعه بافت های اجتماعی بگونه نسج یافته است که همه ادیان، مذاهب، اقوام، زبان ها، نژادها را بسانی آذیرهای باهم ریخته پیوند می دهد، که با قرارگرفتن در پهلوی یکدیگر ساختار جامعه را مستحکم تر می سازند، پس هدایات روشنگرانه این دین پیامی از یک نظام با قاعده باز، و

سیع و متحد را به انسان ها نوید می دهد، که در آن همه اقشار جامعه به ویژه (اهل ذمه) از یک سلسله حقوق و مکلفیت های برخوردارند، که با پابندی به آن اصول و مقررات زنده گی به مسیравلی (همزیستی اجتماعی) جا می افتد. بناءً در وترین هدایات این دین و آموزه های آن برای همه انسان ها (اعم از مسلمان و اهل ذمه) خیر نهفته است، چنین خیری که تحت عنوان تسامح، گذشت، همدیگرپذیری اجتماعی و سایر زیر مجموعه های روشنگرانه اش راه را برای زیست باهمی (با اهل ذمه) باز می نماید، که همه می توانند از آن رهنمودها برای حل ناهنجاری های زنده گی اجتماعی بهره مند گردند؛ بناءً برای یک زندگی مسالمت آمیز احساس می شود، تا اهل ذمه در پرتوی رهنمودهای این دین و با حفظ حقوق و مکلفیت های خویش خود را عضو این جامعه دانسته و با پذیرش ارزش های جامعه اسلامی منحیث اتباع خود را عیار سازند؛ بناءً این مقاله در برگزیده خلاصه، مقدمه، سوالات اصلی، سوالات فرعی، هدف، مبرمیت، شیوه تحقیق، حقوق و مکلفیت های اهل ذمه در جامعه اسلامی را باز تاب می دهد، که با نتیجه، پیشنهادها و مأخذ اختتام می پذیرد.

مقدمه:

تاریخ گواه است که جهان قبل از ورود اسلام با یک سلسله بحران و درگیری های بزرگ اجتماعی رو برو بوده است و چتر سیاه ظلمت، بربریت، وحشت، کشتن، بستن، برده گیری، غارت اموال، تجاوز بریکدیگر از حریم خصوصی پا فرا گذاشته بود که حد و مرزی را نمی شناخت و تبعات منفی آن به سراغ کسانی هم می رفت که در این آشوب و درگیری ها دخیل نبودند، جهان در یک هرج و مرج، بی قانونی و لجام گسیختگی، بد امنی، دلهره و خشونت به سر می برد و زمین تحمل چنین

مظالم اجتماعی را نداشت، انسان ها هر لحظه انتظار ناجی را دقیقه شماری می کردند، تا سبب نجات شان در برابر چنین رویداد های تلخ، تاریک و اسفناک گردد، سر انجام خداوند (جل جلاله) پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و سلم را با چراغ هدایت در این سر زمین و انسان های که در آن جا زندگی داشتند مبعوث فرمود آن حضرت با قبول رنج های فراوان به انسان درس از محبت، دلسوزی، وحدت، همدلی، همدیگر پذیری را به تبلیغ گرفتند. پس در یک کلام ورودش را جهانی و آئینش را رهائی بخش خواندند و طی خطاب فرمودند.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ، وَلَا أَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ، وَلَا أَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ، إِلَّا بِالتَّقْوَى»^(۱)

ای مردم! باخبر که پرورگار شما یکی و پدران شما یکی، باخبر هیچ فضیلتی عربی را بر عجمی و نه عجمی را بر عربی و نه سرخ پوستی را بر سیاه پوستی و نه سیاه پوستی را بر سرخ پوستی فضیلتی نیست؛ مگر به تقوی.

که بعد از اعمار مسجد نبوی صلی الله علیه و سلم به بستن پیمان ها میان شهروندان مختلف (اعم از مسلمان و غیر مسلمان) پرداخت، تا تمام اتباع با یکدیگر دست همکاری و تعاون دراز نمایند، تا با بستن چنین پیمان ها میان مسلمانان ها و غیر مسلمان ها سد محکمی را در برابر دشمن مشترک (کفار قریش) آماده سازند، که این خود نمادی از همزیستی مسالمت آمیز را به تمثیل می گیرد که با اتخاذ چنین سیاست به جهانیان ثابت ساختند که اسلام دینی مرحمت، مهربانی، همدیگر پذیری است که در این جامعه همه اتباع می توانند از حقوق که خداوند ﷺ برای شان ارزانی نموده مستفید شوند، کسی هیچگونه ممانعت و مزاحمت در راه بر آورده شدن این مأمول ایجاد کرده نمی تواند، چنانچه اسلام وجود و حضور فرهنگ ها ادیان و مذاهب را در جامعه اسلامی پذیرا شده و حقوق آن ها را به رسمیت می شناسد، که هیچ نظامی دیگری به این پیمانانه برای پیروان ادیان حقوقی قایل نشده است، از این رو اسلام جهت برقراری نظم و امنیت در جامعه یک سلسله مسؤولیت و مکلفیت های را مشخص ساخته است، تا

^۱ - ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد، الشیبانی. مسند احمد بن حنبل، ج، ۵، الطبعة الاولى، رقم الحدیث، ۲۳۴۸۹، ناشر: عالم الکتب، لبنان، بیروت، سال نشر، ۱۴۱۹، ص، ۴۱۱.

اتباع کشور با اعمال آن روند زندگی اجتماعی را سر و سامان دهند، پس هدایات گهربار این دین پیامی می رساند که باید زنده گی، عزت، ناموس، آبروی (اهل ذمه) تحت حمایه حکومت اسلامی قرار گیرد و از اذیت رسانی در امان بمانند.

هدف:

تبیین این حقیقت که اسلام دینی است طرفدار پذیرش تمام اتباع، بحیث شهروند است، که در دور نمایی این دین هیچ کسی (از اهل ذمه) به جرم اعتقادش مورد آزار و اذیت قرار نگرفته و از یک سلسله حقوق و مکلفیت های در جامعه اسلامی برخوردار اند که با تعمیل زندگی اجتماعی رونق گرفته سبب ایجاد همزیستی مسالمت آمیز میان پیروان ادیان در قلمرو نظام اسلامی گردیده و این امر سبب می شود، تا پیروان سایر ادیان با درک حقایق این دین به آن تمایل پیدا کنند.

مبرمیت:

از دیر زمانی است این آئین در حیطة قلمروش با باورها و عقاید اتباع مختلف یکسان برخورد نموده است، هیچ کسی از حقوق خدا دادی شان محروم نشده است، پس برای رفع شکوک و شوائب که از سوی حلقات معین که برضد اسلام به راه انداخته شده است که گویا اسلام به حقوق اهل ذمه توجه ندارد، نیازمبرم است که پیرامون موضوع بیشتر تحقیق صورت گیرد و جریان بگونه واقعی بازتاب پیدا کند.

شیوه تحقیق:

در این تحقیق بگونه تحلیلی، استقرایی، متکی به آیات و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم و رویداد های تاریخی بحث صورت گرفته است.

سوالات اصلی:

دین مقدس اسلام کدام حقوق و مکلفیت ها را برای اقلیت های دینی در نظر گرفته است؟

سوالات فرعی

- ۱- مسؤولیت و مکلفیت های حکومت اسلامی در قبال اهل ذمه کدام ها است؟
 - ۲- تخلف اقلیت های دینی در جامعه اسلامی چه پیامد ها را در قبال دارد؟
 - ۳- آیا دولت مکلف به رعایت حقوق اقلیت های دینی می باشد؟
 - ۵- دین مقدس اسلام پیرامون عدم رعایت حقوق اقلیت های دینی چه پیامی دارد؟
- اهل ذمه: أهل الذمة: «هم أهل الكتاب، من الیهود، و النصرانی. والذمة: هي

العقد الذي يحصل بين السلطة المسلمة، و بين أهل الكتاب، مقابل دفع ضريبة شخصية، تسمى الجزية، للتمتع بالحماية، والإعفاء من بعض الواجبات في دار الإسلام. و بذأ يأمنهم المسلمون بخضوعهم للسلطة المسلمة الحاكمة. فما داموا ملتزمين بكل شروط عقد الذمة، فلهم ما للمسلمين، و عليهم ما عليهم»^(١)

١. اهل ذمه: آن ها اهل كتاب از يهود و نصارى اند كه در مقابل إعطای جزیه شخص به اتمام می رسد و حكومت اسلامى در عوض آن به حمايه و از عمل به بعضی واجبات مورد عفو قرار می گیرند و مسلمان ها به خاطر تن دهی شان به حاكمیت اسلامى تا وقت كه به شروط عقد ذمه پابند باشند مانند مسلمان ها از همه حقوق برخوردار می باشند.

اهل ذمه: يهود، نصارى، مجوسيان و ساير اصناف را شامل می گردد، كه اسلام را نپذيرفته؛ اما در قلمرو حكومت اسلامى زندگى داشته و به حكومت اسلام جزیه می پردازند، و در عوض حكومت اسلامى از جان، مال، آبرو، عزت، ايشان حفاظت می نمايد و در عين زمان در برپائى مراسم مذهبی شان كاملاً آزاد اند هيچگونه ظلم و تجاوزی از داخل و بيرون برآن ها صورت نمی گیرد.^(٢)

الذمة في اللغة: العهد، و هو الأمان والضمان والكفالة، و عند الفقهاء: هو التزام تقرير الكفار في ديارنا و حمايتهم و الدفاع عنهم ببذل الجزية و الاستسلام من جهتهم. و يحرم قتال أهل الذمة و قتلهم ما داموا ملتزمين بشروط العهد، و حكمة عقد الذمة:

تحقيق التعايش السلمي بين المسلمين و غيرهم، و تمكين غير المسلمين من الاطلاع على حقائق الإسلام و مبادئه، و الجزية: بديل عن حماية المسلمين لأهل

^١ - هم أهل الكتاب، من اليهود، و النصارى. و الذمة: هي العقد الذي يحصل بين السلطة المسلمة، و بين أهل الكتاب، مقابل دفع ضريبة شخصية، تسمى الجزية، للتمتع بالحماية، والإعفاء من بعض الواجبات في دار الإسلام. و بذأ يأمنهم المسلمون بخضوعهم للسلطة المسلمة الحاكمة. فما داموا ملتزمين بكل شروط عقد الذمة، فلهم ما للمسلمين، و عليهم ما عليهم خليل بن عبد القادر، الشيباني. الشهير بالحلوي، الدررالمباحة في الحظر و الاباحة، ج، ١، الطبعة الثانية، ناشر: دارالفتح للدراسات و النشر، ص، ٤١٦.

^٢ - عزيز احمد، حنيف. درآمدی بر تمدن اسلامي، چاپ، دوم، ناشر « انتشارات نامی، افغانستان، کابل، جاده آسمایی، سال نشر، ١٣٩٣ هـ ش. ص، ٨٧.

الذمة و عن المشاركة في الجهاد، و دليل مادي على الولاء للدولة الإسلامية^(۱) اهل ذمه: به آن عده از اقلیت های دینی گفته می شود که در داخل یک کشور اسلامی زندگی می کنند حکومت اسلامی ملزم به حفظ جان، مال و ناموس و آزادی های دینی در مقابل وفا داری آن ها به حکومت اسلامی شده و مالیاتی را به حکومت اسلامی بنام (جزیه) می پردازند و از اجرایی برخی وظایف که منحصر به مسلمان هاست معاف می شوند. یا اهل الذمة: به غیر مسلمانان اهل کتاب، یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان، و صابئین گفته می شود که با مسلمانان عهد بسته اند، تا که در کشور اسلامی و در پناه حکومت اسلامی باشند و از میان (سه) گزینه، پذیرش اسلام، جنگ، یا التزام به شرایط ذمه (راه سوم را انتخاب کرده شرایطی را که دولت اسلامی برای آن ها تعیین می کند می پذیرند.

۲- حقوق اهل ذمه در جامعه اسلامی

جامعه اسلامی جامعه ای است که تمام امور آن در پرتو شریعت اسلامی نظم می پذیرد، و در سایه آن حقوق همه شهروندان تدوین یافته است که در پرتوی این رحمت هیچ انسانی محروم نمی گردد همه انسان ها از حقوق خدادادی شان مستفید می شوند و به انسان ها پیام می دهد که هر ذی حقی را حق دهید. و بر کسی ظلم صورت نمی گیرد، پس یکی از این پیام ها نویدی از یک زندگی مسالمت آمیز را می رساند که بایست انسان ها در فضایی دوستی و همدیگر پذیری زندگی شان را عیار سازند، تا از کشمکش های ناشی از این ناهنجاری ها جلوگیری شود.

۱- کرامت ذاتی (انسانی):

این هدیه و عطیه الهی از بحر بیکران الهی برای همه انسان ها بدون تفکیک میان مسلمان، غیر مسلمان، نژادها، اقوام، قبایل و عشیره ها بطور یکسان تأدیه گردیده است، پس در پی تعمیم این نعمت خداوندی، هیچ کسی حق ندارد و لو در هر جا و هر مقامی قرار داشته باشد، انسانی را از این نعمت الهی محروم سازد و یابگونه توهین و تحقیر را بر او روا دارد. چنانچه الله جل جلاله در قرآن کریم می

^۱ - وهبة، الزحلی. الفقه الاسلامی و ادلته، باب، رکن العقد و صیغته، (۵۸۷۹/۸) الفصل الاول، انتهاء الحرب بالاسلام او بالمعاهدات، المبحث الرابع، انتهاء الحرب بعقد الذمة، الطبعة الثالثة، ناشر: ایران، تهران، نشر- احسان، سال نشر، ۱۴۲۷ هـ.

فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ﴾ (۱)

به تحقیق ما بنی آدم را کرامت بخشیدیم و آن ها را در خشکی و دریا سوار کردیم. و در جای دیگر الله جل جلاله تمام انسان ها را مکرم آفریده و از روح خود در آن دمیده است، آنجا که می فرماید: ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (۲)

پس چون آن را درست کردم و در آن از روح خود دمیدم، همگان برای او سجده کنان به رو در افتیدند. بناءً تعظیم و احترام به پدران و نیاکان به اولاد ها و نواده های ایشان هم منتقل می شود. چنانچه در تفسیر این آیه کریمه به این مطلب دلالت دارد که می ﴿وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾

و هذا التفضيل و إن كان في حق الآباء و لكن يحصل به الشرف للأبناء» (ابوالطيب محمد صدیق خان بن حسین بن علی ابن لطف الله الحسین، البخاری. فتح البیان فی مقاصد القرآن، ج، ۱، ناشر: المكتبة العصرية للطباعة والنشر، صیدا، بیروت، لبنان، سال نشر، ۱۴۱۲هـ، ص، ۱۶۱) -علاء الدین علی بن محمد بن ابراهیم البغدادی الشهير بالخازن، تفسیر خازن المسمى لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج، ۱ ناشر: دارالفکر، بیروت، لبنان، سال نشر، ۱۳۹۹هـ، ص، ۵۶. همچنان آیات دیگری هم به این موضوع جایگاه می دهد و خداوند(جل و جلاله) می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (۳)

ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را به شعب و قبایل گوناگون منقسم ساختیم، تا یکدیگر را بشناسید، به تحقیق مکرم ترین شما نزد الله ﷻ متقی ترین شماست.

پس در این جا هیچ مرزی و توجه به دین، قوم، زبان، گروه و امتیاز مادی و خانوادگی کسی صورت نگرفته است، چنانچه در حدیث می خوانیم: « مَرَّتْ بِهِ

۱- (الانراء: ۷۰)

۲- (الحجر: ۲۹)

۳- (الحجرات/ ۱۳)

جَنَازَةٌ فَقَامَ فَقِيلَ إِنَّهُ يَهُودِيٌّ فَقَالَ أَلَيْسَتْ نَفْسًا»^(۱)

زمانی که جنازه از نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم تیر می شد و ناگاه رسول خدا صلی الله علیه و سلم به رسم احترام از جای برخاستند، در این حال گفته شد جنازه یهودی است، پیامبر صلی الله علیه و سلم در پاسخ فرمودند: (آیا انسان نیست؟)

از این رویداد چنین بر می خیزد که احترام به انسان بحیث یک دستاورد بزرگ برای آنانی که در جامعه اسلامی زنده گی دارند قابل تعمیل است، چنانچه قرآن کریم از همه می خواهد، تا با همه مردم خوش رفتار باشند (به مردم کلام خوب بگویند) پس هدف این جا خوش زبانی نیست، بل ایجاد رابطه حسنه است که شامل گفتار و کردار پسندیده می شود.

۲- حق آزادی باور و عقیده

اسلام دریک پیام واضح از آزادی باور و عقیده اعلان حمایت نموده، هیچگاه تاریخ بیاد ندارد که پیروان حقیقی اسلام شخصی را به ترک دینش و یا به پذیرش دینی مجبور ساخته باشند، الله متعال می فرماید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾^(۲)

در دین اکراهی نیست " زیرا باور های باطنی اکراه پذیر نیستند" بی تردید راه هدایت از ضلالت روشن شده است. در آیه دیگری بر ضد اندیشه اجبار خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و سلم) می فرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾^(۳)

اگر می خواست پروردگارتو، ایمان می آوردند آنانی که در زمین اند همه شان به یکباره گی آیا تو اجبار توانی کرد مردمان را تا مسلمان شوند؟! همچنان روزی وفدی از نصاریی نجران نزد رسول الله صلی الله علیه و سلم آمدند و رسول الله صلی الله علیه و سلم آن ها را در گوشه مسجد جا دادند و به ایشان اجازه دادند، تا مراسم عبادت شان را در گوشه آن ادا نمایند، و پیامبر صلی الله علیه و سلم با اصحاب کرام در گوشه دیگر مسجد نماز ادا نمودند^(۴)

^۱- ابو عبدالله، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره، صحیح البخاری، باب من قام لجنازة يهودی، رقم ۱۲۲۹. ص، ۵، ج، ۷۲.

^۲-(البقرة: ۲۵۶)

^۳-(یونس: ۹۹)

^۴- عزیزان، مهدی، حقوق و تکالیف شهروندان غیرمسلمان در جامعه اسلامی، ص ۱۷۲.

اگر به تاریخ اسلام مراجعه نماییم هرگاه لشکریان اسلام کشوری را فتح می نمودند، آن ها را میان اسلام، جنگ و ادایی جزیه مخیر می ساختند و در برابر آن (جزیه) از حقوق ایشان دفاع و از تعدی و تجاوز علیه ایشان جلوگیری می کردند. به عقاید، شعائر و عبادت گاه شان تعرض صورت نمی گرفت. امام قرطبی رحمة الله علیه می فرماید: (برای هیچ مسلمانان روایتست که صلیب، کلیسا، کیش آن ها را ناسزا گوید؛ زیرا دست زدن به این عمل به مثابه تحریک آن ها به گناه است).^(۱) زمانی که عمر رضی الله عنه پیمانی را با اهل قدس در فتح بیت المقدس امضاً نمودند در پاره آن آمده بود: که از نفس، مال، کنیسه، صلیب، شعائر درست و نادرست دینی شان حمایت کنند، به نحویکه برکنیسه، معابد، ساحات و حریم آن ها تجاوز نکنند، و به مال و ثروت شان تعدی صورت نگیرد، و ایشان را به ترک دین شان مجبور نسازند، به هیچ کس شان زیان نرسانند^(۲)

پس اسلام آزادی باور و عقیده را به (بیگانگان دینی) به آن حد و میزانی داده است که آن ها حق انتقاد و دهن پاره گی را به آئین و مقدسات دین مبین اسلام نداشتند. حتی فراتر از آن ایشان از مناصب دولتی به جزء خلافت، امارت، وزارت، قضاوت، فرماندهی جنگ و مسایل امنیتی دولتی را به عهده گرفته نمی توانند، اما سایر وظایف مثل اطباء، حکماء، مهندسی و نویسندگان را می توانند انجام دهند، هیچگاه اختلاف عقیده مانع این موقف شان نمی گردید. چنانچه برای تأیید این مطلب یکی از مستشرقین اینگونه می نویسد: (مسلمانان صدر اسلام و خلفاء نه تنها نیکی، احترام، حسن برخورد با علمای نصاری نسطورین و علمای یهود کوتاهی نکردند، بلکه فراتر از آن وظایف و مسئولیت های را به آن ها سپردند و آن ها را به وظایف دولتی مقرر داشتند؛ تا جای که هارون الرشید تمام امور و مسئولیت های مدارس و پوهنتون های دولتی را بدوش حنا بن ماسویه گذاشت).^(۳)

۳- حق مصئونیت همه جانبه

در یک نگاه اهل ذمه در مقابل جزیه که می پرداختند، جان، مال، ناموس، معابد،

^۱ - طباره، عقیف، عبدالفتاح، روح الدین الاسلامی، ترجمه، ابوبکر، حسن زاده، ناشر، تائگه، سنندج، پاساژ، عزتی، سال نشر، ۱۳۸۷ ص ۵۹۲.

^۲ - محمد ابوزهره، روابط بین الملل در اسلام، ترجمه، سید احمد، اشرفی. ص ۳۲.

^۳ - ابوالخیر عبدالرحمن، معتصمی. نظام سیاسی اسلام، چاپ، اول، ناشر: ایران، تهران، نشر- احسان، سال نشر، ۱۴۰۲ هـ ش، ص، ۲۵۶.

شخصیت و آبروی شان در جامعه اسلامی محفوظ و مصئون می ماند، بناءً هیچ مسلمانی حق ندارد، صرف به خاطر اختلاف عقیده به حریم آنان تجاوز کند، چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم در قرار دادی که با مسیحیان نجران بسته بودند متعهد شدند که جان، مال، اراضی و عقاید شان از هرگونه تعرض مصئون خواهد ماند، هیچ کشیش و راهبی از کلیسا یا صومعه اخراج نخواهد شد و هیچ کششی از شغل روحانی خود برکنار نخواهد شد و هیچگونه تحقیر و توهینی بر آن ها روا نخواهد شد و اراضی آن ها به وسیله لشکریان اسلام اشغال نخواهد شد و مادام که اهل نجران بر این تعهد خود وفا دار بمانند هیچ نیروی، بر آنان تعرض نخواهد کرد (۱) چنانچه پیامبر بزرگ اسلام طی حدیث می فرماید

" من أذى ذمياً فأنا خصمه، ومن كنت خصمه خصمته يوم القيامة" (۲) کسی ذمی را اذیت کند من دشمن او می باشم و کسی را که من دشمن او باشم روز قیامت با او دعوی خواهم داشت. در حدیث دیگر می فرماید: « أَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا وَانْتَقَصَهُ وَكَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقَتِهِ أَوْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا بَغَيْرِ طَيْبِ نَفْسٍ مِنْهُ فَأَنَا حَاجِبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ». وَأَشَارَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- بِأَصْبَعِهِ إِلَى صَدْرِهِ: « أَلَا وَمَنْ قَتَلَ مُعَاهِدًا لَهُ ذِمَّةُ اللَّهِ وَذِمَّةُ رَسُولِهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ وَإِنْ رِيحُهَا لَتُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ سَبْعِينَ خَرِيفًا » (۳)

با خبر کسی به هم پیمانی ظلم کند حقیقتش را نا دیده بگیرد و تکلیف مالایطاق را بر آن ها تحمیل کند و یا بدون رضایت از آن ها چیزی بستاند روز قیامت من علیه او حجت می شوم و پیامبر اسلام به انگشت خود به طرف سینه اش اشاره کردند و فرمودند: با خبر کسی که معاهد را که در ذمه خدا و رسولش قرار دارد به قتل رساند خداوند جل و جلاله بوی جنت را بر وی حرام می گرداند.

همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم برای صیانت از پروسه استحکام همزیستی اجتماعی در جامعه به مسلمان ها دستور می دهد، تا به اتباع غیر مسلمان در جامعه اسلامی کافر خطاب نشود. چنانچه طی حدیث می فرماید:

۱- طباره، عقیف، عبدالفتاح، روح الدین الاسلامی، ترجمه، ابوبکر، حسن زاده، ناشر، تائگه، سنندج، پاساژ، عزتی، سال نشر، ۱۳۸۷ ص ۵۹۶.

۲- الفوری، علاء الدین، علی المتقی بن حسام الدین الهندی، البرهان، کنز العمال، ج ۳۲، باب: حرف الخاء، ص، ۲۸.

۳- البیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین بن علی، السنن الکبری، و فی ذیله الجوهر النقی، شماره حدیث (۱۹۲۰) ناشر: مجلس دائرة المعارف الکاآنه فی الهنء ببلءة حیدر آباء، الطبعة الاولی، سال نشر، ۱۳۴۴، ج ۹، ص ۲۰۵. باب: لایؤخذ المسلمون من ثمار اهل الذمة.

"من قذف ذمیا حد له یوم القیامة بسیاط من نار فقلت لمکحول ما أشد ما یقال؟ قال یقال له یا ابن الکافر"^(۱) پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: کسی که بر ذمی تهمت ببندد روز قیامت با عصایی از آتش تعذیب می شود پس گفتم: برای مکحول آن چیزی که سخت گفته شده او چه است؟ گفت: برای او گفته شده ای بچه کافر. بناءً اگر مسلمانی ذمی را کافر خطاب کند، و ذمی از این کلمه ناراحت شود مسلمان تعزیراً مجازات می گردد: "لَوْ شَتَمَ ذِمِّيًّا، فَإِنَّهُ يُعَزَّرُ؛ لَوْ قَالَ لِيَهُودِيٍّ أَوْ مَجُوسِيٍّ يَا كَافِرٍ يَأْتُمُّ إِنْ شَقَّ عَلَيْهِ"^(۲)

اگر مسلمانی ذمی را دشنام بدهد، پس او تعزیراً مجازات می شود، اگر برای یهودی و یا مجوسی کافرگفته شود در صورتی که این کلمه بر او گران تمام شود مسلمان گنهگار می شود. حتی فرا تر از آن امام ابوحنیفه رحمه الله نظر دارد، اگر مسلمانی ذمی را بدون مجوز شرعی عمداً به قتل برساند، مسلمان در برابر ذمی قصاص می گردد، البته امام صاحب ابوحنیفه رحمه الله به چنین مستندات تمسک بسته است که می خوانیم: «لأن النبي صلى الله عليه وسلم قتل مسلماً بذمي» ولأن المساواة في العصمة ثابتة نظراً إلى التكليف والدار والمبيح كفر المحارب دون المسالم، والقتل بمثله يؤذن بانتفاء الشبهة^(۳)

زیرا پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وسلم مسلمان را در برابر ذمی قصاص نموده اند، و دیگر اینکه مساوات در عصمت ثابت است، نظر به تکلیف که ذمی در دار اسلام دارد و جزء اتباع جامعه اسلامی محسوب می شود. و مبیح قصاص کفر حارب است نه کفر مسالم و قتل به مثل اذن به انتفایی شبهه می دهد.

همچنان امام صاحب رحمه الله به دلایل ذیل هم حجت بسته است.

۱- هدف در قصاص انسانیت انسان است که از عموم آیات قصاص معلوم می گردد، که در قرآن (النفس با النفس) آمده است.

^۱- الطبرانی، ابوالقاسم، سلیمان بن احمد بن ایوب، المعجم الكبير، ج ۲۲، الطبعة الثانية، سال نشر، ۱۴۰۴، باب: من اسمه واثله، ص ۵۷، رقم الحديث، ۱۳۵.

^۲- "لَوْ شَتَمَ ذِمِّيًّا، فَإِنَّهُ يُعَزَّرُ؛ لَوْ قَالَ لِيَهُودِيٍّ أَوْ مَجُوسِيٍّ يَا كَافِرٍ يَأْتُمُّ إِنْ شَقَّ عَلَيْهِ" المصري، البحر الرائق، زين الدين بن إبراهيم بن محمد، المعروف بابن نجيم، ج ۱۳، ناشر: دارالكتاب الإسلامي، الطبعة: الثانية، ص ۱۷۹.

^۳- «لأن النبي صلى الله عليه وسلم قتل مسلماً بذمي» ولأن المساواة في العصمة ثابتة نظراً إلى التكليف والدار والمبيح كفر المحارب دون المسالم، والقتل بمثله يؤذن بانتفاء الشبهة» المرغيناني، على بن ابي بكر بن عبد الجليل، الفرغاني، ابوالحسن، برهان الدين، الهداية في شرح البداية، ج ۴، ناشر: داراحياء التراث العربي، بيروت، لبنان، ص ۴۴۴. وهبه الزحيلي، الفقه الإسلامي وادلته، ج ۷، الطبعة الثالثة، ناشر: إيران، تهران، نشر احسان، ص ۵۶۷۱.

۲- از سوی هم ذمی (معصوم الدم) ابدی است، پس باید قاتلش قصاص گردد.
۳- از طرف دیگر اگر مسلمان مالی ذمی را دزدی کند دستش قطع می گردد، پس حرمت و ارزش خون نسبت به مال بیشتر است. باید مسلمان در مقابل ذمی قصاص شود.

همان گونه که حضرت عمر رضی الله عنه با اهل قدس در بیت المقدس پیمان را منعقد نمود که در آن از بر پایی مراسم دینی و عبادی، کنیسه ها، معابد و حریم آن ها باید حمایت صورت گیرد و به ترک دین شان مجبور ساخته نشوند^(۱)

همچنان در کتب فقه می خوانیم: «لأن المسلمين حين أعطوهم الذمة فقد التزموا دفع الظلم عنهم و هم صاروا من أهل دار الإسلام»^(۲)

زمانی که مسلمان ها به آن ها عقد ذمه بستند، به این معنی است که آن ها به دفع ظلم به آن ها متعهد شده اند، آن ها (اهل ذمه) از اهل اسلام خوانده می شوند.

۴- حق آزادی دینی:

اهل ذمه در جامعه اسلامی حق دارند، تا با دادن جزیه با دین و آئین که قبلاً داشتند باقی بمانند، هیچ کس حق ندارد، تا آن ها را به پذیرش عقیده معینی که ازته دل آن را نمی پذیرند بر آن ها تحمیل کند. چنانچه در حدیث می خوانیم: «فانا امرنا بتركهم و ما یدینون»^(۳)

پس ما امر شدیم، تا آن ها را بر دین شان و پندار شان واگذاریم.

خلیفه دوم اسلام حضرت عمر رضی الله عنه زمانی که جهت امضای صلح و امنیت به بیت المقدس سفر نمود، در آنجا معبدی مربوط به یهودیان را دید که جز قسمت بالای آن، تمام بدنه آن تخریب و زیر خاک مدفون گردیده است، آن حضرت بیدرنگ با دست و دامن شان شروع به دور کردن خاک های ذخیره شده نمودند و اصحاب کرام رضی الله عنهم با اقتدا به آن حضرت همگی به یکباره گی دست به کار شدند. تا یهودیان مراسم دینی شان را در آن جا برگزار نمایند.^(۴)

^۱- طباره، عقیف، عبدالفتاح، روح الدین الاسلامی، ترجمه، ترجمه ابوبکر، حسن زاده، ناشر، تانگه، سنندج، پاساژ، عزتی، سال نشر، ۱۳۸۷ ص ۵۹۲.

^۲- «لأن المسلمين حين أعطوهم الذمة فقد التزموا دفع الظلم عنهم و هم صاروا من أهل دار الإسلام» السرخی، شرح السیر الکبیر، ج ۱، باب: الجهاد ما یسع منه و ما لا یسع، ص ۱۱۱.

^۳- «فانا امرنا بتركهم و ما یدینون» الحنفی، زین الدین بن ابراهیم، بن محمد الشهیر، باب النجیم، البحار الرائق، شرح کنز الدقایق، ج ۳، الطبعة الثانية، ناشر: دارالکتاب الاسلامی، سال نشر، باب: المهر، ص ۲۰۱.

^۴- ابو زهره، محمد، روابط بین الملل در اسلام، ترجمه، سید احمد، اشرفی، ناشر: انتشارات سلام، سال نشر، ۱۳۸۵ هـ ش ص ۳۲.

پس با انتباه از موضوع که در بالاتذکر رفت در می یابیم که روزی عمررضی الله عنه در جوار کلیسا نماز می گذاریدند، شخصی از ایشان سوال کرد که آیا نماز در داخل کلیسا جواز ندارد؟ آن حضرت پاسخ دادند: که نخیر چنین نیست، ولی از این می ترسم که بعد از من مسلمانان بیایند این جا را تخریب نموده به مسجد تبدیل کنند.^(۱)

۵- حق عدالت دهی:

عدالت یکی از پایگاه های است که نظام کاینات به آن بستگی دارد، پس تأمین عدالت امری است که تعمیم آن از سوی حاکم مسلمان، سبب ایجاد محبت و اعتماد طرفین می گردد، همه در سایه این ارزش از همه حقوق خدا دادی شان مستفید می شوند و هیچ جای برای انتقاد و جدال باقی نمی ماند و همه در امن و امنیت و بدون از دغدغه و چالش با دیگران زنده گی باهمی می داشته باشند، قرآنکریم از جایگاه و تعمیم آن به مسلمان ها گوشزد می کند، که بایست این ارزش متعالی بدون کدام حد و مرزی در جامعه نهادینه گردد و در آیه می فرماید ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ﴾^(۲)

و هرگز دشمنی با گروهی شما را بر آن وا ندارد که عدالت نکنید، عدالت کنید که آن به تقوی نزدیک تر است. پس جریان های تاریخ اسلام نشان داده است که تأمین عدالت هیچگاهی به بیراهه نرفته است و هیچ وقت پیوندها و اختلاف عقیده و باور مانع تحقق آن در جامعه اسلامی نشده است، آنگونه که قرآنکریم در زمینه می فرماید ﴿وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾^(۳)

چون در میان مردم به قضاوت زانو زدید به عدالت داوری کنید. چنانچه رویداد وساطت جمعی از دوستان و پیش کسوتان که نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمدند، تا از زنی بنام فاطمه مخزومی که مرتکب سرقت شده بود وساطت نمایند که سر انجام در آخر مجلس این آجندا به شدت از سوی پیامبر رحمت (صلی الله علیه وسلم) رد گردید و فرمودند: « أَنْشَفَعُ فِي حَدِّ مَنْ حُدَّ مِنَ اللَّهِ ثُمَّ قَامَ فَاخْتَطَبَ فَقَالَ: (أَنْشَفَعُ فِي حَدِّ مَنْ حُدَّ مِنَ اللَّهِ ثُمَّ قَامَ فَاخْتَطَبَ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ

^۱- همان

^۲- (المائدة: ۸)

^۳- (النساء: ۵۸)

أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ وَآيَمُ اللَّهِ لَوْ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطَعْتُ يَدَهَا»^(۱)
 آیا در حد از حدود الله شفاعت می کنید؟ سپس ایستادشده و به خطبه آغاز نمودند و فرمودند: ای مردم! جزء این نیست که مردمان گذشته به سبب اینکه اگر قوی در میان شان مرتکب جرمی می شد آن را معاف می کردند، اگرضعیفی مرتکب جرمی می شد، حد را بر وی تطبیق می کردند، هلاک شدند. بخدا قسم اگر فاطمه دختر محمد (اشاره به نفس خود شان) سرقت کند، خواه مخواه دستش را قطع خواهیم کرد.

چنانچه روزی میان حضرت علی رضی الله عنه و مرد مسیحی بالای زره که نزد مسیحی دیده شده بود، مشاجره لفظی بوقوع پیوست و موضوع به دادگاه اسلامی نزد قاضی شریح کشانده شد، زمانی که قاضی از مدعی طالب دلایل اثباتیه جرم شد، حضرت علی رضی الله عنه از آوردن دلایل عاجز ماند و قاضی موضوع را به نفع مسیحی فیصله نمود، مسیحی از این فیصله دادگاه اسلامی خوشحال به نظر می رسید متعجب شد و او خوب می دانست که در این دعوی برحق نیست فوراً زره را به حضرت علی رضی الله عنه به آن حضرت سپرد و مسلمان شد و حضرت علی رضی الله عنه زره را به او بخشش نمود و فرمود: تا در اثنای جهاد از آن استفاده کند.^(۲)

۶- حق رفتار نیکو:

خوش رفتاری و خوش خلقی یکی از برارنده ترین هدیایات دین اسلام است، اخلاق نیکو زینت و جوهر انسان است، آیات قرآن و رفتار های پیامبران الهی و اصحاب کرام مبین این حقیقت بوده و بر انجام آن تأکید فراوانی شده است؛ زیرا اخلاق و رفتارخوب طرف را مجذوب و متأثر می سازد، چنانچه تاریخ به یاد دارد که پیامبر بزرگ اسلام خود نمادی از تجسم اخلاق نیک با خود و بیگانگان بوده است و اکثر فتوحات اسلام درگروی اخلاق نبوی صلی الله علیه وسلم گره خورده است، پس رفتار و اخلاق خوش، حدود و جغرافیای معینی را به رسمیت نمی شناسد، و با همه انسان ها در این دایره یکسان برخورد صورت می گیرد، بناءً در پرتو این دین

^۱ - أبو عبد الله، محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، صحيح البخاري مشكول، باب: حدیث الغار، ج ۱۱، رقم الحدیث، ۳۲۱۶، ص ۲۹۴.

^۲ - عزالدین، ابوالحسن علی بن ابی الکریم ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۵ ناشر: دار صادر، لبنان، بیروت، سال نشر، ۱۳۸۵ هـ ق - ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر، البدایة والنہایة، ج ۸، ناشر: دارالفکر، لبنان، بیروت، سال نشر، ۱۴۰۷ هـ ق، ص ۴-۵.

همه مسلمان ها مکلفیت دارند، تا در برخورد با اهل ذمه از شیوه درست و معقول کارگیرند، و با ارایه دلایل، منطق و ادب به آن ها برخورد نمایند؛ چنانچه قرآن کریم می فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجِدْ لَهُم بِأَتِي هِيَ أَحْسَنٌ﴾^(۱)

(مردم را) به سوی راه پروردگارت با منطق حکیمانه و پندی نیکو دعوت کن و با آنان (مخالفان) به نیکو ترین وجه محاجه و مجادله نما. قرآن کریم برای تحکیم پایه های اخلاق و رفتار نیکو با مخالفان دینی می فرماید: ﴿لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^(۲)

خدا شما را از کسانی که با شما در باره دین نجنگیده اند، و شما را از خانه های تان بیرون نکرده اند منع نمی کند که به آن ها نیکی کنید و با قسط و عدل رفتار نمائید؛ زیرا خداوند عدالت پیشه گان را دوست دارد. همچنان رسول الله صلی الله علیه و سلم با همسایه هایش که مسلمان هم نبودند نیکی می کردند، هدیه می داد و هدیه می گرفتند.

حق آزادی مسکن:

اهل ذمه می توانند بعد از عقد قرار داد در هر جای که بخواهند بطور دائم و یا مؤقت به جزء مکان های ممنوعه مانند مکه مکرمه، مدینه منوره و سایر مساجد مسلمان ها و... زنده گی نمایند؛ زیرا در تفسیر آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا﴾^(۳)

جزء این نیست که مشرکان پلیدند، پس نزدیک نشوند (داخل نشوند به مسجد حرام بعد از همین سال) چنانچه در تفسیر این آیه می خوانیم: «النهي عن الدخول المسجد الحرام يدل على حرمة دخوله بالنص و على حرمة دخول غيره من المساجد بالقياس عليه»^(۴) نهی از دخول مسجد الحرام به نص و بر غیرش به طریق قیاس ثابت است

^۱- (النحل: ۱۲۵)

^۲- (الممتحنة: ۸)

^۳- (التوبة: ۲۸).

^۴- محمد بن احمد بن مصطفى بن احمد، المعروف بأبي الزهرة، زهرة التفاسير، ج ۶، ناشر: دارالفكر العربي، ص

۷- حق مساعدات اجتماعی:

اسلام آئینی است که به پیروانش درس از محبت، ترحم، شفقت، مهربانی، کمک با یکدیگر، اخوت، برادری، ایثار و فداکاری را در تار و پود شان تزریق نموده است، و در پیام از جوادان، مساعدت کننده گان، طعام دهنده گان تمجید به عمل آورده است، چنانچه الله تعالی می فرماید: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾^(۱)

غذای خود را به علاقه (و نیاز) به آن و از روی محبت خدا به فقیر و یتیم و اسیر انفاق می کنند.

رسول الله صلی الله علیه و سلم نسبت به همه انسان ها سخی تر بودند و هر چه درتوان می داشتند به فقراء، مساکین، و درماندگان کمک می کردند. همانگونه که سیرت خلفای راشدین مملو از این واقعات تاریخی می باشد؛ چنانچه باری حضرت عمر رضی الله عنه پیر مردی کهن سالی مسیحی را دید که در سن پیری در شهر دست به گدائی می زند، آن حضرت علت را از او جویا شد او در پاسخ امیر المؤمنین گفت: توان پرداخت جزیه را ندارم و جهت امرار معیشت فامیلم چنین می کنم. آن حضرت بیدرنگ از این حالت سخت تکان خورد و به خود اندیشید و گفت: این بجا و به عدالت نزدیک نخواهد بود که از او در ایام جوانی اش جزیه بگیریم و در حالت پیری و کهولت او را تهی دست و محتاج وا گذاریم.^(۲)

او را بخانه خود برد چیزی برایش لطف نمود، سپس مسؤل بیت المال را خواست و هدایت فرمودند: تا به او و امثال او مادام العمر معاش تعیین نماید. بدین منوال روزگاری آن حضرت بصوب دمشق رو به مسافرت نهاد و در مسیر خویش از عبورگاه مردم نصارا می گذشت و حالت ناگواری اقتصادی آن ها را تحت فشار قرار داده بود، که مایه تأسف امیر مسلمان ها گردید، به خازن بیت المال امر فرمودند: تا بطور مداوم آن ها را کمک نماید.^(۳) همچنان در حدیث از رسول الله صلی الله وسلم چنین هدایت صادر است: «تَصَدَّقُوا عَلَىٰ أَهْلِ الْأَدْيَانِ»^(۴)

^۱- (الانسان: ۸)

^۲- امین الدین، سعیدی، افغانی. داستان کوتاه از پیرمرد یهودی و حضرت عمر (رضی الله عنه) <https://jameghor.com/article/> تاریخ اخذ: ۱۳/۱۱/۱۴۰۳.

^۳- نعمانی، شبلی. الفاروق، ج ۲ ص ۱۸۸-۱۹۴.

^۴- ابوبکر عبدالله، بن محمد بن ابی شیبة. العبسی، الکوفی، مصنف ابن ابی شیبة، ج ۳، رقم الحدیث ۱۰۴۹۹، ص ۱۰۴۹۹.

براهل ادیان صدقه دهید، برخی از تابعین هم زکات خویش را بر فقراء راهبان مسیحی می دادند و برخی علماء آن را جواز داده اند که در حدیث دیگری می خوانیم: «لَا تَصَدَّقُ عَلَى يَهُودِيٍّ وَلَا نَصْرَانِيٍّ، إِلَّا أَنْ لَا تَجِدَ غَيْرَهُ»^(۱) به یهود و نصاری صدقه ندهید، مگر اینکه غیر ایشان پیدا نشود. همچنان قرآن کریم نیز بر این کار مهرتائید می گذارد و در آیه می فرماید: «وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ»^(۲) وکسانی (از کفار) که باید دل های شان را بدست آورد.

۱- اعتقادات:

ذمی ها می توانند در عرصه عقاید به همان عقیده که قبلاً بودند پابند بوده باشند، هیچ حق ندارد آن ها را به پذیرش عقیده معینی مجبور سازد، پس با سیر به گذشته های تاریخ می توان اظهار نمود که مسلمان ها هیچ کسی از اتباع غیر مسلمان را به عقیده خاصی مجبور نساخته اند، به آن اتباع که در قلمروی نظام اسلامی زنده گی داشتند و بر خلاف مسلمان ها نمی جنگیدند، به آن ها کاری نداشتند و مسلمانان راه را برای بر پای مراسم دینی شان هموار می ساختند؛ ولی به شرط که در میان مسلمان ها اعمالی را انجام ندهند که سبب اذیت مسلمان ها و توهین به شعایر دینی ایشان گردند، اگر چنین کردند باز داشت شده و به جزایی تعزیری محکوم می گردند. چنانچه در جزئیة فقهی می خوانیم «وَلَا بِي حَنِيفَةً أَنْ أَهْلَ الذِّمَّةِ لَا يُلْتَزِمُونَ أَحْكَامَنَا فِي الدِّيَّانَاتِ وَ فِيمَا يَعْتَقِدُونَ»^(۳)

وبه نزد امام صاحب رحمه الله زیرا اهل ذمه ملتزم به احکام ما در دیانات و اعتقادات نیستند.

۲- عبادات:

ذمی ها می توانند مطابق عادات و فرهنگ خویش عبادات خویش را انجام دهند؛ زمانی که عمر رضي الله عنه جهت امضاء موافقت نامه صلح و امنیت به بیت المقدس سفر کردند در آنجا معبد یهودیان را دیدند که زیر خاک شده بود هدف این بود تا یهودیان در آنجا عبادت کنند.

^۱ - همان.

^۲ - (التوبة: ۶۰)

^۳ - «وَلَا بِي حَنِيفَةً أَنْ أَهْلَ الذِّمَّةِ لَا يُلْتَزِمُونَ أَحْكَامَنَا فِي الدِّيَّانَاتِ وَ فِيمَا يَعْتَقِدُونَ» ابوالخیر عبدالرحمن، معتصمی. نظام سیاسی اسلام، چاپ، اول، ناشر: ایران، تهران، نشر، ۱۴۰۲ هـ ش. ص، ۲۵۴.

پس در جامعه اسلامی از همان اول معبدگاه غیر مسلمانان وجود داشته است، مسلمان ها می کوشیدند، تا معابد اهل کتاب تخریب نشود، عمر رضی الله عنه زمانی که در پهلوی کلیسا نشسته بود وقت نماز فرا رسید و در وقت نماز دور تر از کلیسا نماز ادا کردند، در این جا کسی از ایشان استفسار کرد که آیا نماز در داخل کلیسا جواز ندارد؟ آن حضرت فرمود خیر؟ بخاطر این در کلیسا نماز نخواندم، تا بعد از من کسانی نیایند و کلیسا را به بهانه اینکه عمر فاروق رضی الله عنه اینجا نماز خوانده است تخریب و جایش را به مسجد تبدیل کنند. پس در یک نگاه در جامعه اسلامی هیچ شخص به شمول دولت حق ندارد، تا معابد ذمی ها را تخریب و مانع بر پائی عبادت ایشان گردد.

۳- احکام احوال شخصی:

در این قسمت اهل ذمه به دین و قانون خود شان آزاد گذاشته می شوند، فقهاء اسلام می گویند: ما مأمور شده ایم، تا اهل ذمه را در این کارشان آزاد بگذاریم، تا آن ها مسایل مذهبی خویش را مطابق دین خود انجام دهند و هیچ مسلمانی حق مداخله را ندارد؛ مگر این حق باید در حدی بوده باشد که به نقض حاکمیت اسلامی، ظلم وحشت منجر نشود، باید این حمایه در حدی بوده باشد که تا گمان برده نشود که آن ها (اهل ذمه) در امور داخلی مسلمان ها مداخله می کنند، اگر چنین تصور وجود داشته باشد که ذمی ها به نفع دولتی دیگری و به ضعف دولت اسلامی کار می کنند، در این صورت معاهده نقض شده محسوب شده، ذمی ها تابعیت خویش را از دست می دهند.

بناءً از نظر فقهای حنفی رحمهم الله اگر اهل ذمه در جامعه اسلامی شراب بنوشد و یا گوشت خنزیر بخورد مجازات نمی شوند «لأنه یعتقد إباحته» (۱)

زیرا آن ها به اباحت آن باور مند هستند، مگر در صورت که مسلمانان را به این کار تشویق کنند، و یا بطور آزاد در بازار مسلمان ها اشیاء حرام را خرید و فروش نمایند و یا علناً پیشروی مسلمان ها شراب بنوشند، در این صورت تعزیر می شوند. (۲) عده از فقهاء می گویند: اگر مجوسی با دختری خود نکاح کند و در دین شان این کار روا باشد به مسلمانان درست نیست، تا آن ها را از این کار شان منع کند، اگر

۱- «لأنه یعتقد إباحته» علی بن ابی بکر بن عبدالجلیل الفرغانی المرغینانی. ابوالحسن، برهان الدین، الهدایة فی شرح بدایة المبتدی، ج ۲، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ص، ۳۴۷.

۲- ابوالخیر عبدالرحمن، معتصمی. نظام سیاسی اسلام، چاپ، اول، ناشر: ایران، تهران، نشر احسان، سال نشر، ۱۴۰۲ هـ ش. ص، ۲۵۴.

دعوی شان نزد محکمه اسلامی بیاید، اکثر فقها بدین نظر اند که مطابق شریعت اسلامی فیصله صورت گرفته نکاح غیر نافذ پنداشته می شود، پس از این جا ثابت می شود که اهل ذمه در جامعه اسلامی در قضایای احوال شخصی مطابق دین شان دعوی خویش را فیصله می کنند، آن ها مکلفیت ندارند، تا دعوی خود را نزد قاضی مسلمان ببرند.

۴- معاملات:

عبارت از احکامی است که انسان ها روابط خویش را با یکدیگر تنظیم می کنند، پس این روابط در اصل مسایل محوری زنده گی مالی، پولی و داد و ستد را شامل می شود، بایدگفت: در چنین معاملات اهل ذمه با مسلمان ها به جزء چند مورد با مسلمان ها فرقی نمی داشته باشند. چنانچه در جزئیة فقهی آمده است «لأنَّ مَا جَازَ مِنْ بِيُوعِ الْمُسْلِمِينَ جَازَ مِنْ بِيُوعِ أَهْلِ الذِّمَّةِ، وَ مَا يَبْطُلُ أَوْ يَفْسُدُ مِنْ بِيُوعِ الْمُسْلِمِينَ يَبْطُلُ أَوْ يَفْسُدُ مِنْ بِيُوعِهِمْ إِلَّا الْخَمْرَ وَالْخَنزِيرَ»^(۱)

هر معامله از مسلمان ها جایز می باشد، درست می باشد از بیوع اهل الذمه و آنچه از بیوع مسلمان ها باطل می باشد و بیوع آن ها هم فاسد و باطل می باشد؛ مگر شراب و خنزیر.

بناءً معاملات اقتصادی بر اساس معاملات ذات البینی استوار است، این کار معقول به نظر نمی رسد که با ذمیان معامله جداگانه و با مسلمان ها معامله دیگری صورت گیرد؛ زیرا این کار این معنا را می رساند، که در داخل دولت، دولت دیگری ساختن است و این کار عضویت ذمی ها را در جامعه اسلامی زیر سوال می برد، پس برای اهل ذمه لازم است، تا در مسایل اقتصادی، از نظام اسلامی پیروی کنند.

۵- مسایل جزائی:

اگر در جامعه اسلامی در دعوی یک طرف ذمی و در طرف دیگر مسلمان باشد محکمه اسلامی صلاحیت اصدار حکم را دارد، مانند فیصله میان علی (رضی الله عنه) و مسیحی بالای ذره که دعوا صورت گرفته بود.

^۱ - «لأنَّ مَا جَازَ مِنْ بِيُوعِ الْمُسْلِمِينَ جَازَ مِنْ بِيُوعِ أَهْلِ الذِّمَّةِ، وَ مَا يَبْطُلُ أَوْ يَفْسُدُ مِنْ بِيُوعِ الْمُسْلِمِينَ يَبْطُلُ أَوْ يَفْسُدُ مِنْ بِيُوعِهِمْ إِلَّا الْخَمْرَ وَالْخَنزِيرَ»، علاء الدین، ابوبکر بن مسعود بن احمد الکاسانی الحنفی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج، ۵، الطبعة الثانية، ناشر: دارالکتب العلمیة، سال نشر، ۱۴۰۶ هـ ش. باب: فصل فی شرائط جریان الربا فی البیع، ص، ۱۹۲.

۲- اگر هر دو طرف دعوی ذمی باشد می توانند به محکمه اسلامی مراجعه نمایند، محکمه اسلامی مخیراست که اصدار حکم کند و یا از آن اباء و رزده؛ چنانچه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿جَاءُوكَ فَأَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْتَ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^(۱)

پس اگر به نزد تو آمدند خواهی میان آن ها داوری کن، یا از آنان روی برتاب و اگر روی برتافتی هرگز هیچ زیانی بتو نمی رسانند و اگر میان شان داوری کردی به عدل و قسط داوری کن؛ زیرا خداوند (جل جلاله) عدالت پیشگان را دوست دارد.

همچنان احکام الهی در کتب آسمانی اقلیت های دینی موجود است، اما آن ها در صورت داوری اسلام را به نفع خود ببینند به آنجا مراجعه می کنند، به هر حال استقلال قضائی اقلیت های دینی امتیازی است که اسلام برای آن ها داده است.

پس غیر مسلمانان که در جامعه اسلامی زنده گی دارند، اگر به حلال بودن شراب و گوشت خوک باورمند بوده باشند، آن ها اجازه دارند، تا شراب بنوشند و از گوشت خوک استفاده نمایند، و به ارتکاب این عمل مجازات نمی شوند،^(۲) «لأنه يعتقد إباحته»^(۲) بر این مبنی اگر مسلمانی شراب آن ها را بیرون بریزد، و خنزیر آن ها را بکشد ناگزیر است، تا تاوانش را بپردازد، اگر آن ها این کار را در مقابل مسلمان انجام دهند، مسلمان ها حق تاوان گرفتن را ندارند؛ زیرا شراب و خنزیر نزد آن ها مالی قیمی و نزد مسلمان ها غیر قیمی اند «أَنَّهُ مَالٌ مُتَقَوِّمٌ فِي حَقِّ الذَّمِّيِّ»^(۳)

زیرا شراب و خنزیر به نزد آن ها مال متقوم است. پس فلسفه حرمت این اشیاء از نظر اسلام این است، تا انسان ها و جامعه اسلامی به فساد ملوث زیرا اضرار زیادی در آن نهفته است که سبب می شود، تا انسان ها در زندگی دچار مضیقه شده و از گزند و آفات که به اثر خوردن آن ها به میان می آید در امان نمانند، چنانچه الله تبارک و تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلُمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^(۴)

۱- (المائدة: ۴۲)

۲- «لأنه يعتقد إباحته» کمال الدین محمد بن عبدالواحد، السیواسی، المعروف بابن الهمام، فتح القدیر، ج، ۱۱ باب: الوطاء الذي يوجب الحد والذي لا يوجب، ص، ۴۶۰.

۳- «أَنَّهُ مَالٌ مُتَقَوِّمٌ فِي حَقِّ الذَّمِّيِّ» ابومحمد محمود بن احمد بن موسی بن احمد بن الحسين الفیتابی الحنفی، بدرالدین العینی. البناية شرح الهدایة، ج، ۱۲ الطبعة الاولى، ناشر: دارالکتب العلمیة، لبنان، بیروت، سال نشر، ۱۴۲۰ هـ باب الاحتکار فی اقوات الأدمیین والبهائم، ص، ۲۰۹.

۴- (المائدة: ۹۰).

ای مؤمنان جزء این نیست که خمر و قمار و نشانه های معبودان باطل و تیر های فال پلید است از کردار شطان پس احتراز کنید از وی تا رستگار شوید.

وجایب و مکلفیت های اهل ذمه در جامعه اسلامی:

۱. احترام به قوانین جامعه اسلامی:

اهل ذمه باید خود را در کشور اسلامی از زمره شهروندان وفادار متعهد، پابند و مسؤل بدانند و از قوانین و مقررات حکومت اسلامی پیروی نموده به آن احترام بگذارند، و در محدوده قانون، حقوق خود و مسلمانان را بشناسند و به دیگران ظلم نکنند؛ زیرا ظلم به دیگران در درون جامعه اسلامی نوعی بی احترامی به قوانین اسلامی شناخته می شود^(۱) و خود را در منافع و مضار جامعه شریک بدانند و از حکام مسلمان اطاعت نمایند، چنانچه پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و سلم زمانی که پیمان را با جوانب مختلف مدینه به امضاء رساندند، در متن قرار داد بر عدم ظلم به یکدیگر تأکید فراوانی نمودند (یهودیان بنی عوف با مسلمانان متحد و در حکم یک ملت اند، مسلمانان و یهودیان در آئین و دین خود آزاد اند... مگر گنهکاران و بیدادگران که آنان فقط خود و اهل بیت خود را هلاک می کنند، و هرکس خون کسی را به ناحق بریزد قصاص می شود) نکته با اهمیت در این عهد نامه شهروندان یهودی و مسلمانان مدینه در حکم یک ملت خوانده شده است و هرکدام از نظر آزادی مذهبی، ممنوعیت جرم و جنایت، حمایت از مظلوم و ستمدیده و حمایه نکردن ظالم، بدون کوچکترین تفاوتی با هم برابر هستند که این خود راه را برای همزیستی اجتماعی هموار می سازد.^(۲)

۲- عمل به قرارداد:

یکی از خواست های زنده گی اجتماعی تعامل بایکدیگر می باشد، اصلی که ایجاب گر آن است، تا طرفین به آنچه تعهد بسته اند وفا دار بمانند و در غیر آن پیمان نقض شده محسوب می شود و رعایت آن در جامعه اسلامی الزامی نمی باشد، پس نباید در تحت هیچ شرایطی این پیمان از سوی دولت اسلامی نقض گردد؛ زیرا هیچ گاهی تاریخ ثابت نساخته است که رسول الله صلی الله علیه و سلم و یاران پاک طینت شان پیمانی را که با غیر مسلمانان بسته بودند نقض کرده

^۱ - المعافری، عبدالملک بن هشام بن ایوب الحمیری، ابومحمد، جمال الدین، السیرة النبویة، ج، ۱، ناشر: شركة الطباعة الفنية، المتحدة، ص، ۳۳۶-۳۳۴.

^۲ - همان، ص، ۵۰۳- ۵۰۵ .

باشند، قرآنکریم در پیوند به موضوع می فرماید: ﴿إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوا شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهَرُوا عَلَيْكُمْ أَوْ فَاتَمَّوْا إِلَيْهِمْ عَاهِدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾^(۱)

چنانچه پیمان رسول خدا صلی الله علیه وسلم با مسیحیان نجران پابند ماندند و تعهد بسته بودند که هیچ حقی از آنان ضایع نمی شود، آنچه را دارند از آن ها گرفته نخواهد شد.

۳- عدم همکاری با دشمنان اسلام:

منافع جامعه اسلامی ایجاب گر این حقیقت است، تا همه اتباع مسلمان و غیرمسلمان (اهل ذمه) از کشور شان بگونه دسته جمعی در برابر دشمن متجاوز در یک سنگر بنشینند و تا به آخر به آن مصالح پابند بمانند و از هرگونه عملی که سبب تقویه دشمن مشترک می گردد جداً خود داری ورزند؛ زیرا شرط زنده‌گی مسالمت آمیز در جامعه ایجاب همکاری متقابل و مشترک بین احاد ملت را می نماید، چنانچه قرآنکریم می فرماید: ﴿إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوا شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهَرُوا عَلَيْكُمْ أَوْ فَاتَمَّوْا إِلَيْهِمْ﴾^(۲)

مگر کسانی از مشرکان که با آن ها پیمان بستید، سپس چیزی (از تعهدات شان) را از شما کم نکرده اند، و احدی را هم بر ضد شما یاری نکرده اند. چنانچه در پیمان مدینه آمده است که هیچ مشرکی از مشرکان (از مدینه) حق ندارد، مال، جان مشرکان قریش (دشمنان پیامبر صلی الله علیه وسلم را حمایت کنند، کسانی که با یهود هم سرّ و هم راز اند حکم خود آنان را دارند و از حقوق و تکالیفی همانند آنان برخوردارند.^(۳)

۴- پرداخت جزیه:

هدف از پرداخت جزیه این است، تا آن ها در برابر تجاوز دشمنان، حمایت شوند، و تسهیلاتی را که اسلام برای شان مهیا ساخته است از آن مستفید شوند. پس جزیه که از ریشه جزا گرفته شده به معنای چیزی است که حکومت اسلامی به عنوان هزینه و پاداش دفاع از آن ها (اهل ذمه) می گیرد، چنانچه مسلمانان در سال نهم هجری اجازه یافتند، تا از کفاری که به دین خود باقی می ماندند جزیه

^۱- (التوبة: ۴)

^۲- (التوبة: ۴)

^۳- صفی الرحمن، مبارکپوری، الریحق المختوم، ترجمه: عبدالله خاموش، هروی. چاپ، سوم، ناشر: شیخ الاسلام، احمد جام هرات، ص، ۲۷۳- ۲۷۲

بگیرند، از این رو مقدار جزیه وابستگی به رأی حاکم دارد. در مقدار آن دیدگاه فقهاء متفاوت به نظر است؛ چنانچه در فقه حنفیه رحمه الله می خوانیم: «فَيَضَعُ عَلَى الْعَنِيِّ فِي كُلِّ سَنَةٍ ثَمَانِيَةَ وَارْبَعِينَ دِرْهَمًا يَأْخُذُ مِنْهُمْ فِي كُلِّ شَهْرٍ أَرْبَعَةَ دَرَاهِمًا. وَعَلَى وَسْطِ الْحَالِ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرِينَ دِرْهَمًا فِي كُلِّ شَهْرٍ دِرْهَمَيْنِ، وَعَلَى الْفَقِيرِ اثْنِي عَشَرَ دِرْهَمًا فِي كُلِّ شَهْرٍ»^(۱)

پس از هر غنی سالانه ۴۸ درهم که هرماه چهاردرهم گرفته می شد و از متوسط حالان ۲۴ درهم که هرماه دو درهم می شد و از فقراء ۱۲ درهم که هرماه یک درهم گرفته می شد.

نتیجه:

از آنچه نبشته آمدیم چنین نتیجه می گیریم که اسلام آئینی جهانی و جاویدانی است، که در این جغرافیای بزرگ همه اتباع کشور می توانند با پابندی و در نظر داشت به یک سلسله حقوق و مکلفیت های که (اهل ذمه) به جامعه اسلامی بسته اند با داشتن دیدگاه، باورها و سلیقه های متفاوت بدون کدام دلهره، تشویش و به دور از فشار باهم زندگی نمایند، و از حقوق و امتیازات که یک مسلمان مستفید می گردد بسانی آن ها بهره مند گردند، پس هیچ فرد و حاکمی نمی تواند آن ها را از این حق خدا دادی شان محروم سازند.

اما درکشور ما باگذشت و سیر تاریخ و در مقاطع زمان زندگی اهل ذمه و استفاده از حقوق شان فراز و فرودی را طی نموده اند، در زمانی این ها از حقوق خویش طور شاید و باید استفاده برده اند، اما در برخی مقاطع تاریخی متأسفانه که آن ها از تمام حقوق شهروندی شان محروم بودند و انواع ظلم علیه شان روا داشته شده بود و تمام ملکیت های شان از سوی زورمندان محلی غصب شده بود از همه حقوق خویش محروم بودند، سر انجام امروز جزء اندک از خانواده های اهل ذمه در افغانستان باقی نمانده است و تعداد زیادی ایشان کشور شان (افغانستان) را که در این سر زمین با قدامت تاریخی زندگی داشتند ترک نمودند که این خود نمادی از بی مهری و جفایی بزرگ و خلاف آموزه های دین مبین اسلام که درحق شان

^۱ «فَيَضَعُ عَلَى الْعَنِيِّ الظَّاهِرِ الْعَنِيِّ فِي كُلِّ سَنَةٍ ثَمَانِيَةَ وَارْبَعِينَ دِرْهَمًا يَأْخُذُ مِنْهُمْ فِي كُلِّ شَهْرٍ أَرْبَعَةَ دَرَاهِمًا. وَعَلَى وَسْطِ الْحَالِ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرِينَ دِرْهَمًا فِي كُلِّ شَهْرٍ دِرْهَمَيْنِ، وَعَلَى الْفَقِيرِ الْمُعْتَمِلِ اثْنِي عَشَرَ دِرْهَمًا فِي كُلِّ شَهْرٍ دِرْهَمًا» محمد بن محمد بن محمود، اکمل الدین، ابو عبدالله ابن الشیخ، شمس الدین، ابن الشیخ، جمال الدین الرومی، البابرتی. العنایة، شرح الهدایة، ج ۶، باب: الجزیة، ص ۴۶.

روا داشته شده است.

پیشنهادهات

۱- به وزارت محترم معارف و تحصیلات عالی پیشنهاد می نمایم، تا زمینه رشد تعلیم و تحصیلات عالی را بدون در نظرداشت مسایل فکری و عقیدتی برای اقلیت های دینی در کشور مساعد سازند.

۲- به وزارت محترم ارشاد حج و اوقاف پیشنهاد می دارم، تا موضوع حقوق اقلیت دینی را از طریق منابر به مردم تبلیغ نمایند.

۳- به محاکم کشور پیشنهاد می دارم، در صورت که یک طرف دعوا اقلیت های دینی و مذهبی بوده باشد باید در راستای شریعت اسلامی اصل عدالت را در نظر داشته باشند.

۴- به وزارت محترم داخله پیشنهاد می دارم، تا در روشنای شریعت اسلامی از (معابد اهل ذمه، کلیسا، کنیسه، درمسال ها) حفاظت نموده و زمینه امنیتی عبادت گاه ها شان را فراهم سازد.

۵- به عموم شهروندان کشور پیشنهاد می دارم، تا در پرتو هدایات دین مقدس اسلام در تعامل با اهل ذمه اصلی تسامح، خود گذری، اخلاق حسنه و حسن معاشرت را همیشه در نظر داشته و از آزار و اذیت آن ها دست بردارند.

مآخذ

۱. قرآن کریم

۲. الشیبانی. ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد، مسند احمد بن حنبل، ج، ۵، الطبعة الاولى، رقم الحدیث، ۲۳۴۸۹، ناشر: عالم الکتب، لبنان، بیروت، سال نشر، ۱۴۱۹، ص، ۴۱۱.

۳- الشیبانی. خلیل بن عبدالقادر، الشهیر بالنحلاوی، الدررالمباحة فی الحظر والاباحة، ج، ۱، الطبعة الثانية، ناشر: دارالفتح للدراسات والنشر، ص، ۴۱۶.

۴- حنیف. عزیز احمد، درآمدی بر تمدن اسلامی، چاپ، دوم، ناشر «انتشارات نامی، افغانستان، کابل، جاده آسمایی، سال نشر، ۱۳۹۳ هـ ش. ص، ۸۷.

۵- الزحیلی. وهبة، الفقه الاسلامی و ادلته، باب، رکن العقد او صیغته، (۵۸۷۹/۸) الفصل الاول، انتهاء الحرب بالاسلام او بالمعاهدات، المبحث الرابع، انتهاء الحرب بعقد الذمة، الطبعة الثالثة، ناشر: ایران، تهران، نشر احسان، سال نشر، ۱۴۲۷ هـ.

۶- ابو عبدالله، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره، صحیح البخاری، باب

- من قام لجنزة يهودى، رقم الحديث ١٢٢٩. ص، ٥، ج، ٧٢.
- ٧- البيهقى، ابوبكر احمد بن الحسين بن على، السنن الكبرى، ج ٤ ناشر، مجلس دائرة المعارف النظامية الكائينه، فى الهند، الطبعة الاولى، سال نشر، ١٣٤٤ هـ ق رقم الحديث ٧١٣٠ ص ٢٧.
- ٨- مهدي. عزيزان، حقوق و تكاليف شهروندان غيرمسلمان در جامعه اسلامى، ص ١٧٢.
- ٩- طباره، عفيف، عبدالفتاح، روح الدين الاسلامى، ترجمه، ترجمه ابوبكر، حسن زاده، ناشر، تائگه، سنندج، پاساژ، عزتى، سال نشر، ١٣٨٧، ص ٥٩٢.
- ١٠- ابوزهرة. محمد، روابط بين الملل دراسلام، ترجمه، سيد احمد، اشرفى. ص ٣٢.
- ١١- حقوق و تكاليف غيرمسلمانان در جامعه اسلامى، ص ٩٩.
- ١٢- طباره، عفيف، عبدالفتاح، روح الدين الاسلامى، ص ٥٩٤.
- ١٣- الفورى. علاء الدين، على المتقى بن حسام الدين الهندى، البرهان، كنزالعمال، ج ٣٢. باب: حرف الخاء، ص، ٢٨.
- ١٤- البيهقى، ابوبكر احمد بن الحسين بن على، السنن الكبرى، و فى ذيله الجوهر النقى، شماره حديث (١٩٢٠١) ناشر: مجلس دائرة المعارف الكائنة فى الهند ببلدة حيدر آباد، الطبعة الاولى، سال نشر، ١٣٤٤، ج ٩، ص ٢٠٥. باب: لا يؤخذ المسلمون من ثمار اهل الذمة.
- ١٥- الطبرانى، ابوالقاسم، سليمان بن احمد بن ايوب، المعجم الكبير، ج ٢٢، الطبعة الثانية، سال نشر، ١٤٠٤، باب: من اسمه واثلة، ص ٥٧.
- ١٦- المصري، البحر الرائق، زين الدين بن ابراهيم بن محمد، المعروف بابن نجيم، ج ١٣، ناشر: دارالكتاب الإسلامى، الطبعة: الثانية، ص ١٧٩.
- ١٧- المرغينانى. على بن ابى بكر بن عبدالجليل، الفرغانى، ابوالحسن، برهان الدين، الهداية فى شرح البداية، ج ٤، ناشر: داراحياء التراث العربى، بيروت، لبنان، ص ٤٤٤. - الزحيلي. وهبة، الفقه اسلامى و ادلته، ج ٧، الطبعة الثالثة، ناشر: ايران، تهران، نشر احسان، ص ٥٦٧١.
- ١٨- طباره، عفيف، عبدالفتاح، روح الدين الاسلامى، ص ٥٩٢.
- ١٩- السرخى. شرح السير الكبير، ج ١، باب: الجهاد مايسع منه و ما لايسع، ص، ١١١.
- ٢٠- الحنفى، زين الدين بن ابراهيم، بن محمد الشهير، بابن النجيم، البحر الرائق، شرح كنز الدقايق، ج ٣، الطبعة الثانية، ناشر: دارالكتاب الاسلامى، باب: المهر، ص، ٢٠١.

- ۲۱- ابوزهرة. محمد، روابط بين الملل در اسلام، ترجمه، سيداحمد، اشرفى، ناشر: انتشارات سلام، سال نشر، ۱۳۸۵ هـ ش ص ۳۲.
- ۲۲- طباره، عفيف، عبدالفتاح، روح الدين الاسلامى، ص ۵۹۲.
- ۲۸۲۹- البخاري، أبو عبد الله، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة، صحيح البخاري مشكول، باب: حديث الغار، ج ۱۱، رقم الحديث، ۳۲۱۶، ص ۲۹۴.
- ۲۳- ابن اثير، عزالدين، ابوالحسن على بن ابى الكرم، الكامل فى التاريخ، ج ۵، ناشر: دار صادر، لبنان، بيروت، سال نشر، ۱۳۸۵ هـ ق - ابن كثير دمشقى، ابوالفداء اسماعيل بن عمر بن كثير، البداية والنهاية، ج ۸، ناشر: دارالفكر، لبنان، بيروت، سال نشر، ۱۴۰۷ هـ ق، ص ۴-۵.
- ۲۴- محمد بن احمد بن مصطفى بن احمد، المعروف بأبى الزهرة، زهرة التفاسير، ج ۶، ناشر: دارالفكر العربى، ص، ۳۲۷۲.
- ۲۵- امين الدين سعيدى، افغانى. داستان کوتاه از پير مرد يهودى و حضرت عمر (رضى الله عنه) <https://jameghor.com/article/> تاريخ اخذ: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳.
- ۲۶- نعمانى، شبلى. الفاروق، ج ۲ ص ۱۸۸-۱۹۴.
- ۲۷- الكوفى. ابوبكر عبدالله، بن محمد بن ابى شيبة. العبسى، مصنف ابن ابى شيبة، ج ۳، رقم الحديث ۱۰۴۹۹، ص، ۱۰۴۹۹.
- ۲۸- معتصمى ابوالخير، عبدالرحمن، نظا سياسى اسلام، چاپ، اول، ناشر: ايران، تهران، نشر احسان، سال نشر، ۱۴۰۲، ص، ۲۵۴.
- ۲۹- النسفى. الامام ابى البركات، عبدالله بن احمد بن محمود، المعروف بحافظ الدين، البحرائق، ج ۱۱ الطبعة الاولى، ناشر: دارالكتب العلمية، بيروت، لبنان، ص، ۴۳.
- ۳۰- المرغينانى. على بن ابى بكر بن عبدالجليل الفرغانى ابوا لحسن، برهان الدين، الهداية فى شرح بداية المبتدى، ج ۲، ناشر: داراحيا التراث العربى، بيروت، لبنان، ص، ۳۴۷.
- ۳۱- الكاسانى. علاء الدين ابوبكر بن مسعود بن احمد، بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، ج، الطبعة الثانية، ناشر: دارالكتب العلمية، سال نشر: ۱۴۰۶ هـ ق، باب: فصل فى شرائط جريان الربا فى البيع، ص، ۱۹۲.
- ۳۲- السيوسى. كمال الدين محمد بن عبدالواحد المعروف بابن الهمام، ج ۳۳- باب الوطاء الذى يوجب الحد والذى لا يوجبه، ص، ۴۶۰.
- ۳۵- البابرئى. محمد بن محمد بن محمود، اكمل الدين، ابو عبدالله ابن الشيخ

- شمس الدين ابن الشيخ، جمال الدين الرومى، العناية، شرح الهداية، ج، ١٤، باب:
فصل فى البيع، ص، ٢٧٩.
- ٣٦- المعافى، عبدالملك بن هشام بن ايوب الحميرى، ابومحمد، جمال الدين،
السيرة النبوية، ج، ١، ناشر: شركة الطباعة الفنية، المتحدة، ص، ٣٣٦-٣٣٤.
- ٣٧- المعافى، عبدالملك بن هشام بن ايوب الحميرى، ابومحمد، جمال
الدين، السيرة النبوية، ج، ١، ناشر: شركة الطباعة الفنية، المتحدة، ص ٥٠٣-٥٠٥.
- ٣٨- مباركپورى. صفى الرحمن، الرحيق المختوم، ترجمه: عبدالله خاموش، هروى.
چاپ، سوم، ناشر: شيخ الاسلام، احمد جام هرات، ص، ٢٧٣-٢٧٢ عبدالملك بن
هشام بن ايوب الحميرى، المعافى، ابومحمد، بن جمال الدين، السيرة النبوية
لابن هشام، ج ١ چاپ، دوم ناشر: شركت مكتبه و مطبعه مصطفى البابى الحلبى و
اولاده بمصر، سال نشر، ١٣٧٥ هـ ق. صص ٥٠٢-٥٠٣-٣٩٠-٣٩٠ البابتى. محمد
بن محمد بن محمود، اكمل الدين، ابو عبدالله ابن الشيخ، شمس الدين، ابن
الشيخ، جمال الدين الرومى، العناية، شرح الهداية، ج، ٦، باب: الجزية، ص، ٤٦.

معاون سر محقق عبدالحمید وفا

رمضان سرچشمه خیر و برکت

ملخص البحث

هذا البحث بعنوان «رمضان منبع الخير والبركة» يبحث فيه عن أن رمضان بين الأشهر القمرية شهر مملوء من الخيرات والبركات للمسلمين، من جملتها: فيه نزل القرآن الكريم، فيه ليلة هي خير من ألف شهر، فيه شرع قيام الليل (صلاة التراويح)، فيه تضاعف أجر طاعات الإنسان، ولأجله شرع صدقة الفطر التي هي طهرة للصائم وطعمة للمسكين، وهو شهر أوله رحمة وأوسطه مغفرة وآخره عتق من النار، وفي الجنة باب يقال له الريان لا يدخل منه إلا الصائمون، وصوم يوم يبعد بين الصائم وبين النار سبعين خريفاً، والصوم عبادة مميزة حيث يعطي الله أجره بنفسه، ويمحو الله به سيئات بني آدم، ومن البركات أن فيه فرحتين للصائم فرحة عند فطره وفرحة عند لقاء ربه.

خلاصه

ماه مبارك رمضان از جمله ماه های سال هجری قمری ماه می باشد که مملو از خیر و برکت برای مسلمانان است از جمله: قرآن کریم در آن شرف نزول یافته است، شب قدر که بهتر از هزار ماه است در این ماه وجود دارد، نماز تراویح یکی از عبادات ویژه این ماه است، رمضان ماهی است که عبادت در آن اجر چند برابر بخود می گیرد، صدقه فطر که پاک کننده روزه و لقمه نانی برای فقراء می باشد ویژه همین ماه است، دهه ای اولش رحمت خداوندی بالای بنده هایش، دهه ای دومش دهه مغفرت، و دهه ای آخرش

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

دهه آزادی از آتش جهنم برای مسلمانان می باشد، یکی از دروازه های جنت که بنام ریّان نامگذاری شده است ویژه روزه داران است، یک روز روزه بین روزه دار و جهنم به اندازه هفتاد سال ایجاد فاصله می کند، روزه عبادتی است که خداوند خود اجر آن را به عهده گرفته است، روزه وسیله محو گناهان انسان روزه دار می شود و ماه مبارک رمضان از خیر و برکت دیگرش این است که دو خوشحالی را نصیب شخص روزه دار می کند.

مقدمه

الحمد لله الذي شرع الإسلام لنا دينا قيما، ليظهره علي الدين كله و لوكره الكافرون، وجعل صيام شهر رمضان ركنا من أركان دينه والصلاة والسلام على رسوله محمد وعلى آله وأصحابه المجاهدين في تبليغ رسالته إلى الناس كافة، إلى يوم الدين، وبعد!

روزه که یکی از ارکان پنجگانه دین مبین اسلام می باشد که در سال دوم هجری بالای مسلمانان بانزول آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^(۱).

(ای کسانی که ایمان آورده اید! بر شما روزه فرض شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بوده اند فرض بوده است، تا باشد که پرهیز گار شوید). پس هر که بدون عذر شرعی روزه ماه مبارک رمضان را ترک کند از دروازه ریّان (دروازه ورودی به سوی جنت) که مخصوص روزه داران است خود را محروم ساخته است.

^۱- البقرة: ۱۸۳.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

رمضان، بهار معنویت، برای رشد و تکامل هر انسان روزه دار است و وسیله ای است برای کسب رضامندی الله متعال، نزدیکی به خالق، دوری از گناه و تزکیه ای نفس، این ماه فرصتی است که در اختیار انسان قرار گرفته تا امکان جبران اشتباهات خود را پیدا کرده و زمینه ای مناسبی است برای انسان تا انتخاب آینده مطلوب را داشته باشد.

رمضان؛ فرصتی است برای نزدیکی هرچه بیشتر انسان به خالق یزدان و زمینه است ارزشمند و مغتنم برای تهذیب و پالایش روح و روان و بر افروختن چراغ معرفت در شبستان وجود، و بستری است برای تلاوت و تدبر در قرآن و دعا و نیایش به پروردگار عالمیان.

روزه عامل مهمی برای تقویت اراده و شخصیت معنوی انسان است. فردی که اراده اش با بهره گیری از آثار و مشقات ظاهری روزه تقویت گردد، می تواند کارهای بزرگ را به خوبی انجام دهد و برای چنین انسانی به منظور رسیدن به خیر، نیکی و سعادت، دیگر هیچ مانعی وجود نمی داشته باشد.

روزه ماه مبارک رمضان انسان را به درد و رنج و فقر مردم بیچاره آشنا می کند، چنین انسانی بیش از پیش آلام و مشکلات نیازمندان را درک خواهد کرد، رسیدن به چنین جایگاهی موقعیتی بسیار مناسب برای ارائه خدمات مطلوب به نیازمندان جامعه و همچنین دستگیری از آنان است.

ماه مبارک رمضان، ماه فرصت های طلایی و استثناییست؛ فرصت های ناب دعا در سحرگاهان و شامگاهان، فرصت ریشه دوانیدن تقوا در روح و جان انسان، فرصت جلادادن روح و مأنوس شدن با آیات قرآن، فرصت کنده شدن

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

از گناهان و حرکت به سمت پروردگار عالمیان، فرصت تمرین خوش خلقی و مدارا با دیگران و فرصتی است برای همدردی با فقرا و بی نوایان.

سؤال تحقیق: رمضان سرچشمه خیر و برکت شده می تواند؟

فرضیه تحقیق

انسان منحیث انسان همیشه در طلب منفعت است چه منفعت مادی باشد و یا منفعت معنوی اما در طلب منفعت معنوی، رمضان ماهی است که سراپا منفعت و برکت برای انسان مسلمان است، پس زمانی که مسلمان به نیت قرب الی الله روزه می گیرد الله متعال از وی خشنود شده و دروازه های رحمت خود را به رویش باز می کند، از این سبب رمضان سبب رحمت، مغفرت و آزادی انسان مسلمان روزه دار از جهنم می شود، از این رو انسان مسلمان هرکاری خیری از قبیل: زکات، خیرات، کمک به نیازمندان، عمره و سایر کارهای ثوابی را با منفعت چند برابر می تواند انجام دهد و مستحق اجر عظیم الهی شود.

مبرمیت:

همانگونه که انسان در زندگی دنیا در تلاش کسب زیادت است و بخاطر شایسته سپری نمودن حیات خود و اهل خانواده اش دست به هرکاری می زند از قبیل: تجارت، ماموریت، مزدوری، و... به همان اندازه و بالاتر از آن انسان مسلمان به اجر و پاداش اخروی نیاز مند است که باید به واسطه طاعات و عبادات و امتثال اوامر الهی به آن درجات نایل آید، رمضان یکی از جمله عبادات است که با وجود اجر روزه سایر فضایل را همزمان در خود دارد

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

که به عمل کردن به آنها انسان چند برابر اجر و پاداش را از آن خود خواهد کرد، توضیح و برملا ساختن این فضایل برای خوانندگان محترم امریست مبرم و ضروری تا با مطالعه آنها انسان در راه سعادت گام بردارد و اجر و پاداش بیکران الهی را نصیب شود.

هدف:

هدف از تحقیق موضوع، بیان برکات و خیرات است که در این ماه مبارک وجود دارد و تشویقی است برای مؤمنان جهت بهره گیری از فضیلت، خیر و برکت این ماه، تا با استفاده از آن از یک سو مسلمانان به تعالی روحی و معنوی نائل گردند و از سوی دیگر پاداشی باشد برای بنده در روزی که جز قلب سلیم و اجر و پاداش اعمال صالح چیز دیگری برای انسان نفع رسانده نمی تواند.

روش تحقیق:

در تحریر این مقاله از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است.

کلید واژه ها:

رمضان، سر چشمه، خیر، برکت.

ماه مبارک رمضان در جمله ای ماه های سال هجری قمری ماه نهم می باشد که مملو از خیرات و برکات است، از جمله می توان به برخی آنها ذیلا اشاره کرد:

۱- نزول قرآن کریم:

از جمله خیر و برکت ماه مبارک رمضان این است که در آن قرآن کریم این منبع خیرات و برکات برای جوامع بشری، شرف نزول یافته است، الله متعال

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

می فرماید: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَيْكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^(۱).

(ماه رمضان ماه است که قرآن در آن فرو فرستاده شده است، تا مردم را راهنمایی کند و نشانه ها و آیات روشنی از ارشاد و جدای افگن باشد، پس هر که از شما ماه رمضان را درک کرد باید آن را روزه بدارد؛ و آن که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن روزه بگیرد؛ خداوند راحتی شما را می خواهد، نه رنج شما را؛ هدف این است که روزهای ماه رمضان را با روزه داری تکمیل کنید؛ و خدا را برای اینکه شما را هدایت کرده است، بزرگ بشمرید؛ باشد که شکرگزاری کنید).

بهترین خیر هدایت است که الله متعال توسط این قرآن نصیب انسان می کند، دلایل هدایت به خیر در قرآن نهفته است، این قرآن است که فارق بین حق و باطل است، خیربودن دیگر قرآن کریم این است که در جریان سفر و یا مرضی رخصت در خوردن روزه را برای انسان ارائه داده است.

انسان روزه دار باید در این ماه از خدا بخواهد تا او را برای روزه گرفتن در آن و خواندن قرآن کریم موفق دارد. به گرسنگی و تشنگی خود در آن، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را بیاد آورد، و از این طریق بر فقرا و مساکین صدقه دهد، و بزرگان خود را احترام کند و بر خوردان و زیر دستان ترحم داشته باشد و صله رحم را مراعات نموده و زبان خود را از لہو و بیهوده گویی

^۱- البقرة: ۱۸۵.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

نگهدارد و از آنچه که خداوند ﷻ دیدنش را حرام کرده چشم بپوشد و آنچه شنیدنش را حلال نکرده گوش ببندد، و به درگاه خداوند غفار از گناهان خود توبه کند و در اوقات نماز برای نجات این ملت رنج کشیده دست به دعا بردارد که بهترین ساعت‌های اجابت دعا در ماه مبارک رمضان است.

۲- شب قدر:

دیگر از مصدر خیر و برکت بودن ماه مبارک رمضان این است که شب قدر که عبادت در آن بهتر از هزار ماه عبادت در سایر ماه‌های سال می‌باشد در همین ماه پر برکت وجود دارد. در حدیثی به روایت أم المؤمنین عائشه رضی الله عنها از رسول الله ﷺ چنین آمده است: {تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْوَتْرِ مِنَ الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ مِنْ رَمَضَانَ} ^(۱).

(شما شب قدر را در شبهای تاق دهه اخیر از ماه مبارک رمضان جستجو کنید). این حدیث منجی بشریت این را می‌رساند که شب قدر یکی از هدیه‌های مملو از خیر و برکت الله متعال است که در ماه مبارک رمضان موقعیت داشته و خداوند نصیب این امت گردانیده است. الله متعال در مورد خیر و برکت این شب پر برکت می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَّمَ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾ ^(۲).

^۱ - محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله. الجامع الصحيح المسند من حديث رسول الله ﷺ وسننه وأيامه (صحيح البخاري)، ج ۷، ص ۱۴۵.

^۲ - القدر: ۱-۵.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

(ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم، تو چه می دانی شب قدر کدام است (و چه اندازه مبارک و عظیم است؟)، آن شبی است که (عبادت و کار خیر در آن) از هزار ماه بهتر است، فرشتگان و جبرئیل در آن شب با اجازه پروردگارشان، پیاپی (به کره زمین و به سوی پرستش کنندگان شب زنده دار) می آیند برای هر گونه کاری (که یزدان سبحان دستور داده باشد)، آن شب، شب سلامت و رحمت (و درود فرشتگان بر مؤمنان شب زنده دار) است تا طلوع صبح.

کلمه (سلام) در این سوره مبارکه نمایان گر خیر و برکت بودن این ماه و این شب را نشان می دهد؛ زیرا مراد از آن امن امان بودن این شب، و طلب سلامتی و دعای خیر و برکت را از طرف فرشتگان برای مؤمنان شب زنده دار در بر دارد؛ چون طاعت و عبادت و شب زنده داری خود وسیله امن و امان و سلامتی و خیر و برکت در آن شب می باشد .

حدیث ناجی بشریت، و سیله خیر و برکت بودن این ماه و این شب با عظمت را بیان می کند چنانچه ابو هریره رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت می کند {مَنْ يَقُمْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ}.^(۱) (شخصی که از روی ایماننداری و آرزوی اجر و پاداش در شب قدر عبادت الله متعال را بجای آورد خداوند گناهان گذشته او را مورد عفو و بخشش قرار می دهد).

^۱- صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۹.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

۳- تلاوت قرآن کریم:

دیگر از موجبات خیر و برکت بودن ماه مبارک رمضان، اجر و پاداش چند برابر تلاوت قرآن کریم در آن است. در حدیثی به روایت ابوهریره رضی الله عنه آمده است: **أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: {مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَغَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ}**.^(۱)

(روزه و قرآن کریم در روز قیامت از بنده خدا شفاعت خواهی می کنند، روزه می گوید: ای پروردگار من! من این بنده تورا از خوردن و ارضای شهوات در روز مانع شدم، پس شفاعت مرا در حقیقت قبول فرما! و قرآن کریم می گوید: من مانع خواب شب او شدم، پس مرا شفیع وی قبول فرما! رسول الله ﷺ فرمود: پس شفاعتشان پذیرفته می شود). بنابر این، چون رابطه نزدیکی میان قرآن و ماه مبارک رمضان وجود دارد؛ اگر تلاوت قرآن کریم و درس و تفسیر آن در این ماه پر برکت صورت گیرد بدون شک که موجب خیر و برکت چند برابر برای صاحب خویش می شود.

۴- نماز تراویح:

دیگر از رحمت و برکات ماه مبارک رمضان این است که نماز تراویح که ویژه آن است، مایه خیر و برکت برای انسان عابد شب زنده دار می شود. رسول گرامی اسلام در حدیثی به روایت ابو هریره رضی الله عنه می فرماید: **{مَنْ قَامَ رَمَضَانَ}**

^۱- ابو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري. الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، ج ۸، الناشر: دارالجيل بيروت+ دارالآفاق الجديدة- بيروت، ص ۷۱.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ^(۱). (شخصی که شبهای ماه مبارک رمضان را از روی ایمان داری و امید اجر و پاداش خداوندی شب زنده داری کند و طاعت و عبادت الله متعال را بجای آورد گناهان گذشته او آمرزیده می شود). پس در میان دوازده مال سال که یکی آن را ماه مبارک رمضان این ماه صیام، قیام، رحمت، مغفرت و آزادی از آتش دوزخ تشکیل می دهد برای بنده الله متعال فرصت است تا از آن به نفع دنیا و آخرت خود با صیام و قیام استفاده اعظمی نماید.

۵- صدقه فطر:

یکی دیگر از بارزترین موجبات خیر و برکت بودن ماه مبارک رمضان، مشروعیت صدقه فطر که در حقیقت تکمیل کنند و پاک کننده روزه روزه دار و کمک و همدستی با تهی‌دستان، بینوایان، محتاجان، یتیمان و گرسنگان است، خاصه آن است؛ زیرا انسان مشتق از نسیان است و از سهو و خطا خالی نمی باشد، امکان دارد در جریان روزهای ماه مبارک رمضان از وی سهو و اشتباه صورت گرفته باشد، و همچنان با روزه گرفتن و احساس گرسنگی و تشنگی بهتر می تواند گرسنگان و محتاجان را درک نماید و در این صورت خوبتر خواهد توانست جهت رفع نیازمندی های آنها سعی و کوشش صادقانه کند. در حدیث در مورد فضیلت و خیر و برکت بودن صدقه فطر ماه مبارک رمضان آمده است: {فَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ زَكَاةَ الْفِطْرِ طُهْرَةً لِلصَّائِمِ مِنَ اللَّغْوِ

^۱ - الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۴۴.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

وَالرَّفَثِ وَطُعْمَةً لِلْمَسَاكِينِ مَنْ أَدَّاهَا قَبْلَ الصَّلَاةِ فَهِيَ زَكَاةٌ مَقْبُولَةٌ وَمَنْ
أَدَّاهَا بَعْدَ الصَّلَاةِ فَهِيَ صَدَقَةٌ مِنَ الصَّدَقَاتِ^(۱).

(رسول الله ﷺ صدقه فطر را بخاطر پاک کردن و تکمیل روزه روزه دار و طعام و چاره ای برای مساکین و بی نوایان مقرر گردانید، شخصیکه آن را قبل از نماز عید ادا کند در حقیقت صدقه فطرش ادا شده است و کسی که آن را بعد از نماز عید پرداخت کند آن برایش تنها یک صدقه عادی حساب می شود)، و صدقه فطرش ادا نشده بر ذمه اش باقی می ماند.

حدیث مبارک این را می رساند که صدقه فطر که برای روزه دار در رمضان مقرر شده است در حقیقت خیر و برکت است که در جهت تکمیل نواقص و لغزش های روزه دار، در این ماه پر فیض موقعیت دارد و هرکه آن را در وقتش ادا کند در حقیقت خیر و برکت بی پایان را نصیب شده است که آن کامل و سالم گردانیدن روزه روزه دار را نشان می دهد. و باید توجه داشت که پرداخت صدقه فطر بعد از ادای نماز عید صدقه فطر را از ذمه روزه دار ساقط نمی سازد، باید کوشش شود تا قبل از نماز عید، صدقه فطر را به مستحقش ادا نموده و بعداً راهی عیدگاه شود و انسان می تواند چند روز قبل از فرارسیدن عید سعید فطر هم صدقه فطر خود را ادا نماید.

۶- دهه رحمت:

دیگر از وسیله خیر و برکت بودن ماه مبارک رمضان این است که در آن دهه رحمت الهی قرار دارد، ماه رمضان که سه دهه را در بردارد، ده روز اول آن از

^۱- أبو داود سلیمان بن الأشعث، سنن أبي داود السجستاني، ج ۲، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، (---)، ص ۲۵.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

طرف پیامبر ﷺ بنام دهه رحمت الله متعال گفته شده است، رسول الله ﷺ در حدیث در رابطه ماه رمضان که در آن دهه رحمت الله متعال قرارا داشته و دارای فیوضات زیاد است می فرماید: {أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ أَظْلَكُمُ شَهْرٌ عَظِيمٌ، شَهْرٌ مُبَارَكٌ، شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، جَعَلَ اللَّهُ صِيَامَهُ فَرِيضَةً، وَقِيَامَ لَيْلِهِ تَطَوُّعًا، مَنْ تَقَرَّبَ فِيهِ بِخَصْلَةٍ مِنَ الْخَيْرِ، كَانَ كَمَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ، وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فَرِيضَةً كَانَ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ، وَهُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ، وَالصَّبْرُ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ، وَشَهْرُ الْمَوَاسَاةِ، وَشَهْرٌ يَزْدَادُ فِيهِ رِزْقُ الْمُؤْمِنِ، مَنْ فَطَّرَ فِيهِ صَائِمًا كَانَ مَغْفِرَةً لِدُنُوبِهِ وَعِتْقَ رَقَبَتِهِ مِنَ النَّارِ، وَكَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ أَجْرِهِ شَيْءٌ}، قَالُوا: لَيْسَ كُلُّنَا نَجِدُ مَا يُفَطِّرُ الصَّائِمَ، فَقَالَ: " يُعْطِي اللَّهُ هَذَا الثَّوَابَ مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا عَلَى تَمْرَةٍ، أَوْ شَرْبَةِ مَاءٍ، أَوْ مَذْقَةٍ لَبَنٍ، وَهُوَ شَهْرٌ أَوْلُهُ رَحْمَةٌ" (۱).

(ای مردم! یقیناً ماه عظیم و بابرکت بالای شما در حال سایه افکندن است، رمضان ماهی است که در آن شبی است بهتر از هزار ماه، ماهی است که خداوند روزه آن را فرض و نماز شب آن را برای شما نفل گردانیده است، شخصی که در آن به یک خصلت خیر به درگاه الله تقرب بجوید اجر و پاداش آن مانند آن است که یک فریضه ای را در سائر ماه ها انجام داده باشد، و کسی که در آن یک فریضه از فرایض الله متعال را انجام دهد مانند آن است که هفتاد فریضه را در سائر ماه ها انجام داده باشد، ماه رمضان ماه صبر است، و صبر ثوابش جنت الهی است، رمضان ماه همدلی است، رمضان

^۱ - صحیح ابن خزیمه، ج ۳، ص ۱۹۱.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

ماهی است که در آن رزق مرد مومن زیاد می شود، افطاری یک شخص روزه دار در آن، سبب مغفرت گناهان و آزادی گردن انسان از آتش دوزخ می شود و برای افطاری دهنده مانند اجر شخص روزه دار می باشد بدون اینکه از اجر روزه دار چیزی کاسته شود، اصحاب کرام عرض کردند: اکثریت ما توان افطاری دادن یک روزه دار را نداریم، رسول الله ﷺ در جواب اصحاب فرمود: الله متعال این ثواب را نصیب شخص می کند که به یک خرما یا یک جرعه آب و یا یک شرب شیر، روزه داری را افطاری دهد، رمضان ماهی است که دهه اولش مملو از رحمت پروردگار بالای بندگانش است).

این هم یکی از دروازه های خیر و برکت ماه مبارک رمضان است که ده روز اول آن روزهای رحمت بی پایان الهی می باشد و شامل حال بنده های شاکر، صابر و سپاس گزار الله متعال می شود.

۷- دهه مغفرت:

در ماه مبارک رمضان، دریای بیکران لطف و عنایت حضرت حق، جوشش و تلاطم دیگری دارد. این ضیافت الهی و سفره گسترده پروردگار در ماه رمضان، برای پاک شدن از گناهان و قدم گذاشتن در مسیر بندگی است. استفاده از لحظه لحظه ماه مهمانی خدای متعال و بهره مند شدن از فیوضات و برکات آن از توفیقاتی است که شامل حال انسانهای بیدار دل می شود. مومن حقیقی در ماه رمضان با عبادت و بندگی پروردگار، در مسیر جدا از وابستگی ها و تعلقات مادی و هرچه غیر خدا است قرار می گیرد.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

روزه دار عابد برای رضای خدا و رسیدن به مرحله قرب الهی، از خوردن و آشامیدن حذر می کند، به تلاوت و تدبر در آیات قرآن کریم روی می آورد، دهن، چشم و گوش خود را از خوردن، دیدن و شنیدن حرام می پوشاند. مومن حقیقی در این ماه مبارک با مردم راه مدارا را پیش می گیرد و با آنان خوش خلقی می کند، به یتیمان مهر می ورزد و با اطعام فقرا و نیازمندان، رضایت و خوشنودی پروردگار را آرزو می کند. رسول الله ﷺ در جزء حدیثی که قبلاً ذکر شد فرموده: **{وَأَوْسَطُهُ مَغْفِرَةٌ}**^(۱). (و ده روز) میانگین ماه رمضان دهه مغفرت الهی است). برآستی زمانی که انسان روزه دار در ده روز اول، موجبات در زیر سایه رحمت الهی قرار گرفتن خود را مهیا کرد، بدون شک در دهه دوم و وسطی این ماه نظر به فرموده پیامبر ﷺ مورد مغفرت الله متعال قرار خواهد گرفت.

۸- دهه آزادی از دوزخ:

یکی از مهمترین مسائلی که ذهن انسان مؤمن را به خود مشغول کرده، مسئله دوری از گناه و نجات از عذاب ابدی در جهنم است؛ بنابراین، سعی انسان در طول تاریخ این بوده که راهی برای آن بجوید. قرآن کریم، به این نیاز انسان به صورت ویژه ای پرداخته و در موقعیت‌های گوناگون از امکان جبران گناهان گذشته و امید به عفو خداوند سخن به میان آورده است، تا روزنه امیدی به قلب انسان مسلمان باز کند، آن چنان که در آیات بی‌شماری، به صفات خداوند که با این مسئله ارتباط تنگاتنگ دارد، پرداخته است. الله

^۱- صحیح ابن خزیمه، ج ۳، ص ۱۹۱.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

متعال می فرماید: ﴿قُلْ يُعْبَادِي الَّذِينَ اسْرِفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^(۱).

(ای پیامبر! از قول خدا به مردمان بگو: ای بندگانم! ای آنان که در معاصی زیاده روی کرده اید! از لطف و رحمت بی کران خدا مأیوس و نا امید نگردید. قطعاً الله همه گناهان را می آمرزد؛ چراکه او بسیار آمرزنده و بس مهربان است).

خداوند متعال راههای متعددی را برای غفران و بخشوده شدن گناهان و آزادی انسان از آتش دوزخ قرار داده است. گویا او منتظر است تا انسان‌ها به سوی بازگردند و مسیر بندگی و اطاعت و عبادت او را در پیش گیرند، این ماه مبارک که ماه مهمانی خداوند است، یکی از بهترین زمان‌ها برای جلب رحمت و مغفرت الهی و نجات و آزادی از آتش دوزخ است؛ چرا که شیاطین در آن در بند هستند و با انجام عباداتی مثل روزه، نماز، صدقات و قرائت قرآن، شرایط بازگشت انسان به سوی پروردگار و انتخاب راه درست که در حقیقت همان مسیر بندگی است بیشتر و بهتر فراهم است؛ بنابراین میتوان به رحمت و مغفرت الهی در این ماه دست یافت و وسیله نجات از آتش جهنم را مهیا کرد. رسول الله ﷺ در پاره حدیث قبلی به روایت سلمان رضی الله عنه می فرماید: ﴿وَأَخْرَهُ عِتْقٌ مِنَ النَّارِ﴾^(۲).

(ماه مبارک رمضان ماه است که ده روز آخرش روز های آزادی انسان مطیع فرمان الهی از آتش دوزخ است).

^۱- الزمر: ۵۳.

^۲- صحیح ابن خزيمة، ج ۳، ص ۱۹۱

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

خداوند متعال ماه مبارک رمضان را ماه آزادی از آتش دوزخ برای بنده هایش قرار داده است، در حدیثی به روایت عتبه بن فرقد آمده است: {إِذَا جَاءَ شَهْرُ رَمَّانَ فَتُحَّتْ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ، وَصُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ، وَنَادَى مُنَادٌ: يَا طَالِبَ الْخَيْرِ هَلُمَّ، وَيَا بَاغِيَ الشَّرِّ أَقْصِرْ، حَتَّى يَنْسَلَخَ الشَّهْرُ} (۱).

(هرگاه ماه رمضان در رسد شیاطین به زنجیر کشیده می شوند، و همه دروازه های دوزخ بسته و همه دروازه های بهشت کاملاً باز می شوند، و منادی فریاد می زند و می گوید: ای کسانی که خواهان خیر و خوبی هستید به خیر و خوبی تان بشتابید، و ای کسانی که خواهان شرارت و بدی هستید از شرارت تان دست بردارید، تا اینکه ماه به آخر برسد). از مفهوم حدیث مبارک دانسته می شود که زمانی که دروازه های دوزخ بسته شد و تمام دروازه های جنت به روی انسان مسلمان باز گذاشته شد پس دانسته است که زمان آزادی مسلمان روزه دار فرارسیده است و رحمت خداوند شامل حالش شده است. پس روزه یکی از دروازه های خیر است، و خصلت روزه آن است که انسان مسلمان را از آتش دوزخ خلاص می کند، طوری که پیامبر ﷺ در جزء حدیث دیگری می فرمایند: {الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ} (۲).

(روزه سپری است که توسط آن بنده از آتش دوزخ نجات میابد).

^۱ - سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی. أبو القاسم الطبرانی، المعجم الأوسط، ج ۲، المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسینی، الناشر: دار الحرمین - القاهرة، ص ۱۵۶.

^۲ - محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ السلمی الترمذی. الجامع الصحیح سنن الترمذی، ج ۳، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت، ص ۱۳۶.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

همچنان به یک روز روزه گرفتن، الله متعال روی انسان روزه دار را به اندازه هفتاد سال مسافه از آتش دوزخ دور می سازد، در حدیث از پیامبر ﷺ چنین آمده است:

{مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَاعَدَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا} ^(۱)

(هر بنده ای که یک روز را خالصانه برای الله روزه بگیرد خداوند توسط آن یک روز روزه، روی او را به اندازه هفتاد سال مسافه از آتش دوزخ دور می سازد)

۹- دخول از دروازه ریّان:

از خیر و برکت دیگر ماه مبارک رمضان این است که یکی از دروازه های جنت که بنام 'ریّان' مسمی می باشد، از فضل و کرم الله متعال برای روزه داران اختصاص داده شده است. رسول الله ﷺ در حدیث فرموده اند: {إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ الرِّيَّانُ، يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، يُقَالُ: أَيْنَ الصَّائِمُونَ؟ فَيَقُومُونَ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، فَإِذَا دَخَلُوا أُغْلِقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ} ^(۲)

(در بهشت دروازه ای به نام ریّان وجود دارد که روزه داران در روز قیامت از آن وارد بهشت می شوند و کسی جز آنان از این دروازه وارد بهشت نمی گردد؛ گفته می شود: روزه داران کجا هستند؟ پس روزه داران برمی خیزند و هیچکس جز آنان از این دروازه به بهشت نمی رود و آنگاه که روزه داران وارد بهشت می شوند، این دروازه بسته می گردد و دیگر کسی از این درب وارد نمی شود).

^۱- الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، ج ۶، ص ۲۳.

^۲- صحيح البخاري، ج ۳، ص ۲۵.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

بناءً روزه این ماه سبب دخول بنده مؤمن از دروازه به نام (ریان) به بهشت الله متعال می شود که خاصه روزه داران است.

۱۰. شفاعت روزه از روزه دار:

دیگر از خیر و برکت رمضان این است که روزه یکی از شفاعتگرانی می شود که خداوند ﷻ شفاعت آن را در روز قیامت می پذیرد، در حدیثی آمده است: {الصِّيَامُ وَالْقُرْآنُ يَشْفَعَانِ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَقُولُ الصِّيَامُ: أَيْ رَبِّ، مَنَعْتُهُ الطَّعَامَ وَالشَّهَوَاتِ بِالنَّهَارِ، فَشَفَعْنِي فِيهِ، وَيَقُولُ الْقُرْآنُ: مَنَعْتُهُ النَّوْمَ بِاللَّيْلِ، فَشَفَعْنِي فِيهِ "، قَالَ: «فَيُشَفَّعَانِ»^(۱).

(روزه و قرآن در روز قیامت برای انسان شفاعت می کنند، روزه می گوید: ای پروردگارا! من او را در روز از خوردن، نوشیدن و شهوت بازداشتن پس شفاعتم را در باره اش قبول کن، و قرآن کریم می گوید: من او را در شب از خوابیدن بازداشتن پس شفاعتم را در حقش بپذیر «فرمود:» پس شفاعت آن دو پذیرفته می شود.

۱۱ - عبادت خالصانه:

خیر و برکت دیگر این ماه این است که الله متعال خود اجر روزه دار را عهده دار شده است، از آنجا که همه عبادات جنبه ظاهری و ریایی دارند ولی این صوم است که شخص مسلمان بخاطر بجای آوردن امر الله متعال، شهوات خود را در خفا و دور از انظار مردم هم که است ترک می کند و امر خالق خود

^۱ - أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد. مسند الإمام أحمد بن حنبل الشيباني. ج ۱۱، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۱م، ص ۱۹۹.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

را بجای می آورد، از همین خاطر است که الله متعال در حدیث قدسی ابو هریره رضی الله عنه روایت نموده است می فرماید: {الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أُجْزِي بِهِ، يَدْعُ شَهْوَتَهُ وَأَكْلَهُ وَشُرْبَهُ مِنْ أَجْلِي، وَالصَّوْمُ جُنَّةٌ، وَلِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ حِينَ يُفْطِرُ، وَفَرْحَةٌ حِينَ يَلْقَى رَبَّهُ، وَلِخُلُوفٍ فِيمَ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ^(۱)}

(الله متعال می فرماید: روزه برای من است و خود شخصا اجر و پاداش روزه دار را عطامی کنم؛ زیرا روزه دار شهوت، خوارک و نوشیدنی خود را بخاطر من ترک می کند، روزه سپر است، و برای روزه دار دو خوشحالی است، یک خوشحالی زمانی که افطار می کند و خوشحالی دیگر وقتی که به پروردگار خود رو در رو می شود). زمانی که در قیامت به پروردگار خود ملاقات کرده و اجر و پاداش بی کران روزه خود را مشاهده می کند به این کار خوشحالی بی سابقه ای برایش رخ می دهد.

۱۲- دو خوشحالی برای روزه دار:

دیگر از مصادر خیر و برکت بودن ماه مبارک رمضان این است که برای شخص روزه دار دو خوشحالی نصیب می شود و انسان زمانی خوشحال می شود که یک عمل مفید و مثمر برایش رخ دهد که روزه این ویژه گی را دارد؛ چون در طول روز شخص روزه دار به نیت کسب ثواب خداوندی از خوردن و نوشیدن اجتناب می نماید درحالی که نهایت به نان و آب ضرورت پیدا می کند ولی بدون امر خداوند نمی تواند که دست به نقض عهد بزند، اما

^۱- صحیح البخاری، ج ۹، ص ۱۴۳.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

هنگامی که وقت غروب فرا می رسد و صدای گلبانگ محمدی به گوشش رسیده و دستور خورد و نوش برایش داده می شود نهایت خوشحال می شود. و همچنان در قیامت زمانی که در نزد پروردگار عالمیان غرض حساب و کتاب حاضر می شود آن طرف با ترس و لرز، زمانی به اجر و پاداش روزه اش در دنیا نزد الله متعال می نگرد نهایت خوشحالی برایش رخ می دهد که چنین خوشحالی در دنیا برایش هیچ گاه رخ نداده است، در حدیث به روایت ابو هریره رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله چنین آمده است: {لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ عِنْدَ فِطْرِهِ وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ وَخُلُوفٌ فِيمَ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ} ^(۱).

(برای روزه دار دو خوشحالی است: یک خوشحالی در وقت افطارش و خوشحالی دومی در وقت ملاقات پروردگار، و هر آینه بوی دهن روزه دار نزد الله متعال از بوی مشک بهتر و گواراتر است).

۱۳- درمان بیماریها:

روزه درمان و داروی برای بسیار از بیماری های انسان می شود؛ زیرا انسان در جریان سال انواع و اقسام غذاها را تناول کرده و معده از این ناحیه دچار افسردگی شده فعالیت نورمال خود را از دست می دهد ولی همین ماه مبارک رمضان به معده توان دوباره می بخشد تا قسم سابق فعالیتهای خود را دوباره از سر بگیرد، در حدیثی به روایت ابو هریره رضی الله عنه چنین آمده است: {صُومُوا

^۱ - محمد بن یزید القزويني. سنن ابن ماجه، ج ۵، موقع وزارة الأوقاف المصرية، ص ۲۱۰.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

تَصْحُوا^(۱) (روزه بگیرید تا صحتمند شوید). اگر چه این حدیث را علمای جرح و تعدیل ضعیف خوانده اند ولی مفهوم عالی دارد و در مسائل فضائل بجز احکام استناد به حدیث ضعیف درست می باشد، تجربه طبی هم ثابت کرده که روزه به جسم انسان صحت مندی و تازگی دوباره می بخشد.

نتیجه

از تحقیق پیرامون موضوع به این نتیجه می رسیم که:

- ۱- الله متعال رمضان را برای تطهیر قلوب بنده های مطیع خویش از خواهشات نفسانی و بی ارزش نشان دادن مادیات دنیایی و تقویه روحیه ایثار و همچنان تکمیل پایه های دین مین اسلام فرض گردانیده است.
- ۲- رمضان خیر و برکت فراوان را نصیب مسلمانان می نماید که چنین ویژه گی در سائر ماه های سال دیده نمی شود از جمله: ختم قرآن کریم در نماز تراویح، بهره گیری از شب قدر که بهتر از عبادت هزار ماه است، صدقه فطر که پاک کننده روزه و برای دلجویی از بی نوایان در این ماه مقرر شده است.
- ۳- رمضان ماهی است که اجر و پاداش عبادت مسلمان در آن چند برابر می شود و به این وسیله مسلمان مورد رحمت، مغفرت و بخشش الله متعال قرار گرفته و سند آزادی خویش را از آتش دوزخ بدست می آورد.
- ۴- رمضان ماهی است که روزه آن شافع روزه دار در روز قیامت شده و سبب نجات روزه دار از آتش جهنم می شود.

^۱- المؤلفون: العراقي، ابن السبکی، الزبيدي. تخریج أحادیث إحياء علوم الدين، ج ۴، استخراج: أبي عبد الله مُحَمَّد بن مُحَمَّد الحَدَّاد، الناشر: دار العاصمة للنشر- الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۸هـ - ۱۹۸۷م، ص ۱۶۰۶.

تبیان _____ رمضان سرچشمه خیر و برکت.

پیشنهادها

از مطالعه و تعمق در مقاله فوق پیشنهادهای ذیل به مراجع مربوطه
اصدار می یابد:

۱- به تمام تاجران متدین کشور پیشنهاد می گردد تا از زکاة و صدقات خویش در این ماه پر خیر و برکت، مستحقین و فقراء را دستگیری کنند.
۲- به دکان داران، تجار و سوداگران گرامی کشور پیشنهاد می گردد تا این ماه مبارک پر خیر و برکت را در نظر گرفته، از دهه رحمت این ماه مبارک درس بگیرند و به خاطر خشنودی الله متعال برای این ملت بیچاره و فقیر در پایان آوردن نرخ کالای خود همت نمایند.

۳- به تمام مسلمانان متدین کشور پیشنهاد می گردد تا اوقات طلایی این ماه پر برکت را مغتنم شمرده، در هر وقت افطار بدرگاه الله متعال دست دعا و نیایش بلند نموده و از خداوند رحیم به عاجزی مسئلت نمایند تا ظلم و بی عدالتی را از میان ملت مسلمان به لطف و کرم خویش برای همیشه دور نماید.

تبيان _____ رمضان سرچشمه خير و بركت.

مآخذ

١. القرآن الكريم
٢. البخاري، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة أبو عبد الله. الجامع الصحيح المسند من حديث رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه (صحيح البخاري)، (---).
٣. الترمذي، محمد بن عيسى أبو عيسى السلمي. الجامع الصحيح سنن الترمذي، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، (---).
٤. السجستاني، أبو داود سليمان بن الأشعث، سنن أبي داود، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، (---).
٥. الشامي، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي. أبو القاسم الطبراني، المعجم الأوسط، المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، ناشر: دار الحرمين - القاهرة، (---).
٦. الشيباني، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد. مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي، ناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠١م.
٧. القزويني، محمد بن يزيد. سنن ابن ماجه، موقع وزارة الأوقاف المصرية، (---).
٨. المؤلفون: العراقي، ابن السبكي، الزبيدي. تخريج أحاديث إحياء علوم الدين، استخراج: أبي عبد الله محمود بن محمد الحداد، الناشر: دار العاصمة للنشر- الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٠٨هـ - ١٩٨٧م.

تبيان _____ رمضان سرچشمه خير و بركت.

٩. النيسابوري، أبو بكر محمد بن إسحاق بن خزيمة بن المغيرة بن صالح بن بكر السلمى. صحيح ابن خزيمة، المحقق: د. محمد مصطفى الأعظمي، ناشر: المكتب الإسلامى - بيروت، (---).
١٠. النيسابوري، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري. الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، (---).

خېړندوى: صالح محمد فريد

په هېواد كې د اسلامي فرهنگ ساتنه او رغونه

ملخص البحث

هذا المقال بعنوان: (صيانة الثقافة الإسلامية في البلد وإصلاحها) يشتمل على المقدمة وأهمية الموضوع وإبرامه وهدفه وطريقة البحث والعناوين الصغيرة.

إن بلدنا، أفغانستان، من البلدان في العالم الذي واجه الحروب والغزو الثقافي منذ عشرات السنين، لتلك الحروب والغزوات الثقافية، قُتل المسلمون ليس فقط عن طريق الغزو العسكري، و هُدم أيضاً على المستوى الفكري، كما تم تضمين الغزوات الثقافية والاقتصادية والدينية وغيرها من الغزوات، ومن أجل تدمير الثقافة الإسلامية، هُدم نظام الأسرة؛ من أجل تدمير هذه الأمة غيورة الإسلامية التي تعزز بثقافتها الإسلامية و يريدون لها كما حدثت مع الأمم الرهينة في بلدان أخرى، اختفت و لابت في وحلهم، و هي أسوة لسائر الأمم الأسيرة، لقد أثرت هذه الغزوات على ثقافتنا الإسلامية، ليس فقط بسبب تدمير قرى البلاد، ولكن بسبب ما عانت ثقافتنا الإسلامية و ايجاد عقبات في طريق تنمية البلاد في العالم، والعلمانيون الغربيون يريدون فرض ثقافتهم على

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ... ..

الدول الأخرى من خلال تنفيذ برامج طويلة ومتوسطة وقصيرة المدى تحت مسميات عدة.

إن العادات الأجنبية التي تتعارض مع الثقافة الإسلامية كانت لها أثر سيء على ثقافتنا، وعلينا أن ننقذ أنفسنا وثقافتنا من هذه التقاليد والعادات السيئة من خلال معرفة الثقافة الإسلامية وتطبيقها بشكل كامل، وعلى وجه الخصوص، الابتعاد عن تلك العادات والتقاليد التي هي الثقافة الدينية والمذهبية لغير المسلمين، وتتعارض مع الثقافة الإسلامية؛ و يمثل هذه الثقافة يفقد الناس هويتهم الإسلامية والأفغانية من جهة، و حيث يصبحون مشابهين لغير المسلمين من جهة أخرى، ولا يناسب للمسلم أن يظهر ثقافة الأجانب في نفسه وفي تصرفاته مع أنه يملك الثقافة الإسلامية الفريدة؛ لأن الثقافة هي هوية الأمم، و هو السبيل لتقدم البلاد. و ألحق به النتيجة والتوصيات و فهرس المصادر.

لنډيز

زمور هېواد افغانستان په نړۍ کې يو داسې هېواد دی چې د څو لسيزو جگړو او فرهنگي يرغلونو له امله نه يواځې نظامي يرغل سره مسلمان وژنه شوې بلکې فکري، فرهنگي، اقتصادي، مذهبي او داسې نور يرغلونه هم شامل وه؛ تر څو اسلامي فرهنگ و بجاړ، کورنی نظام درې وړې کړي او دغه مسلمان، غيرتي او په اسلامي فرهنگ سمسور ملت هم لکه د نورو هېوادونو يرغل شوو ملتونو په څېر ورک او ذوب کړي، دغو يرغلونو زمور په اسلامي فرهنگ باندې اغېزه کړې، نه يواځې دا چې د هېواد کلي او بانډې و بجاړې شوي، بلکې له امله يې زمور اسلامي فرهنگ ته هم ډېر لوی زيان رسېدلی او د هېواد د

تبیان ————— په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

پرمختګ لار کې یې خنډونه جوړ کړي دي، په نړۍ کې غرب او غرب پاله سیکولران غواړي تر یوه او بل نامه لاندې، اوږد مهاله، منځ مهاله او لنډ مهاله پروګرامونو په پلي کولو سره خپل فرهنگ په نورو ملتونو باندې وتپي.

اسلامي فرهنگ سره په ټکر کې پردي رواجونه زموږ په فرهنگ باندې ناوړې اغېزې لرلې، له دغو ناوړو دودونو او رواجونو څخه باید د اسلامي فرهنگ په پېژندلو او په پوره ډول پلې کولو سره ځان او خپل فرهنگ وژغورو، په ځانګړې توګه له هغو رواجونو او عنعناتو څخه ځان وساتو چې هغه د غیرمسلمینو عقیدوي او مذهبي فرهنگ وي، او له اسلامي فرهنگ سره په ټکر کې وي؛ ځکه په داسې فرهنگ سره انسان له یوې خوا خپل اسلامي او افغاني هویت له لاسه ورکوي او له بلې خوا له غیر مسلمو سره ورته والی او مشابهت پیدا کوي، دا کار له مسلمان سره نه ښایي چې د اسلامي فرهنگ په شان فرهنگ په لرلو سره د پرديو فرهنگ په ځان او عمل کې ښکاره کړي؛ د ټول اسلامي امت لپاره اسلامي فرهنگ پېژندل یو مهم اصل دی؛ ځکه اسلامي فرهنگ د ملتونو پېژند پانډه او د هېواد د پرمختګ لار ده. په پای کې پایله، وړاندیزونه او د مأخذونو لیکلې راغلي.

سریزه

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين، وعلى آله وصحبه، ومن اتبع هداه إلى يوم الدين أما بعد:

دا چې فرهنگ د یوه ملت لپاره خورا ډېر لوی اهمیت او د ملتونو د پېژند پانډه حیثیت لري، هر قوم، قبیله او ملت د هغو له فرهنگ څخه پېژندل کېږي؛ ځکه هره قبیله او قوم ځانګړي رسوم، عادات، ژبه، جامه او داسې نور توپيرونه

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

لري؛ همدا توپيرونه دوی يو له بل سره جلا او ځانگړي کوي، الله ﷻ فرمايلي دي: ﴿... وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...﴾^(۱)

(او بيا مو تاسې قومونه او قبيلې وگرځولئ ترڅو چې تاسې يو تر بله سره (وپیژنئ). څرنگه چې هر ملت له خپل فرهنگ څخه پېژندل کېږي، همداسې اسلامي امت هم له خپل اسلامي فرهنگ څخه پېژندل کېږي او له نورو غیر مسلمه امتونو څخه یې ځانگړی کوي؛ ځکه اسلامي فرهنگ هغه اسماني او د وحې پر بناء فرهنگ دی چې هېڅ نیمگړتیاوې نلري او تر قیامته پورې به د انسانیت ټولو دنیوي او اخروي نښگڼو پر بنسټ ولاړ وي.

غربي نړۍ او گوداگیان یې تل په دې هڅه کې دي چې خپل پوچ او د انساني فطرت خلاف فرهنگ په نورو ملتونو باندې وتپي او هویت یې له منځه یوسي، زموږ د هېواد اسلامي فرهنگ باندې یې هم سرپه نه ده کړې، له ډول ډول لارو یې زموږ په فرهنگ یرغل کړی، له نېکه مرغه د وینښو علماوو او مجاهدینو لخوا یې مخه ډب شوې ده، خو له بده مرغه هغه کسان یې تر اغېزې لاندې راغلي چې هغوی اسلامي تعلیمات او قوي فکره نه درلوده؛ نو ځکه د فکري او فرهنگي یرغل ښکار شوي دي.

د څېړنې اهمیت

فرهنگي یرغل په یوه آزاد ملت باندې یو ناوړه ناوړین رامنځته او د غلامۍ حلقه یې ترغاړې رسولی شي، د دې لپاره چې موږ څرنگه وکولای شو له فرهنگي یرغل څخه ځان او خپل هېواد وال وژغورو، لارې چارې یې څه دي

۱ - الحجرات: (۱۳).

تبیان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

او هېواد مو څرنگه کولای شي د پرمختګ په لاره ګام واخلي؛ په دې اړه څېړنه اړینه بولم.

د څېړنې مبرمیت

فرهنگ د بشري ټولنې لپاره یو اړین او اساسي اصل دی؛ ځکه د هر ملت او هېواد پېژندنه او ځانګړتیاوې په بشپړه توګه د هماغه ملت فرهنگ پورې تړاو لري. په هره کچه چې د یوه ملت ځانګړتیاوې او پېژندنه قائمه او ژوندۍ وي، په هماغه اندازه یې ځانګړتیاوې او هویت ژوندۍ وي، د یوه ژوندي او پېژندل شوي ملت او هېواد په څېر په نړۍ کې جوت، شان او شوکت یې برقرار وي، اوس مهال په نړۍ کې داسې ملتونه شتون لري چې خپلې ژبې او فرهنگ د لاسه ورکولو له کبله په نورو ملتونو کې ذوب، د پرمختګ له لارې بې لارې شوي او مړه ملتونه بلل کېږي.

د څېړنې موخه

د هېواد اصیل اسلامي فرهنگ پېژندنه، د ساتنې او رغونې لازمو لارو چارو زده کړه؛ ترڅو غیر اسلامي او د انساني فطرت خلاف فرهنگونو له یرغل څخه په امن کې پاتې شو، د هېواد مادي او معنوي پرمختګ ته لار هواره شي.

د څېړنې منهج

په دې موضوع کې له تحلیلي او استقرائي منهج څخه ګټه اخیستل شوې ده.

د څېړنې پوښتنې

اصلي پوښتنه

۱- د اسلامي فرهنگ ساتنه د هېواد په پرمختګ کې څه رول لرلی شي؟

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

فرعي پوښتنې

۱- آیا د اصیل اسلامي فرهنگ ساتنه او رغونه د یوه ملت لپاره اهمیت لري؟

۲- څرنگه کولی شو له خپل اصیل اسلامي فرهنگ څخه ساتنه وکړو؟

د فرهنگ لغوي معنی

فرهنگ هغه کلمه ده چې زموږ په ټولنه کې خورا په زیاته پیمانه د ژبو په سر څرخیري، په پخوا زمانو کې په دې پیمانه دا کلمه نه استعمالېده لکه څنگه چې له څو لسيزو را په دې خوا استعمالیږي، د (کلټور) کلمه چې اصلاً الماني ژبې پورې تړاو لري کټ مټ د فرهنگ معنی ورکوي او په پښتو ژبه کې یې هم استعمال زیات لیدل کیږي.

په عربي ژبه کې فرهنگ ته (الثقافة) وايي، چې د بریا، هوښیاری او مهارت په معنی ده، بیا وروسته د علومو د راټولولو، ادبیاتو او صنعت په معنی ور څخه کار اخیستل شوی دی.^(۱)

فرهنگ یوه قدیمي اوستایي ژبې یوه کلمه ده چې له دوو اجزاوو (فر) او (هنگ) څخه ترکیب شوې ده، (فر) پورته، مخکې، وړاندې په معنی ده او (هنگ) را اېستل، دروندوالی، وقار، علم، هوښیاري، فهم او فراست معنی ورکوي.^(۲)

د فرهنگ اصطلاحي معنی

فرهنگ د اسلامي پوهانو له خوا په ډول ډول الفاظو باندې پېژندل شوی دی، هر تعریف یې د فرهنگ یو اړخ په زیاته پیمانه په نظر کې نېولی دی او

۱ - لسان العرب، (۳۲۰/۹).

۲ - لغتنامه دهخدا، د فرهنگ کلمه.

تبیان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

نورو اړخونو ته یې دومره خاصه پاملرنه نه ده کړې؛ نو په دې اساس دغه تعریف به ورته ښه او مناسب وي چې د یوه ملت د ژوند ډېری اړخونه یې په پام کې نیولي دي.

فرهنگ د آثارو او معارف یوه ټولګه، د هر ملت د تاریخي میراث ځانګړتیاوې لکه: علوم، د ژبو لهجې، ادبیات، دین او عقیده، صنعت، د ښارجوړونې او معمارۍ میتود، د ژوند آداب او طریقي، د ښوونې او روزني منهج، عادات، رسوم، خوراک څښاک، د جامو اغوستلو رسم او رواجونو څخه عبارت دی.^(۱) ځینې پوهان بیا په دې عقیده دي چې فرهنگ د ژوند اجمالي کړنلارې ته وايي، یعنې ټولنیز نظام د عقایدو، عاداتو، دود او دستور ګډ فرهنگ لري. زده کړه او روزنه د هغه د ساتنې او بیا رغونې لپاره یوه وسیله ده، د ښوونې او روزنې په ملاتړ له یوه نسل څخه و بل نسل ته انتقالیږي، په دې معنی چې فرهنگ د ټول ملت یو مشترک ملکیت دی، خو بیا زده کړې فردي ملکیت بلل کیږي.

د فرهنگ ډولونه

ملي فرهنگ: کولای شو ووايو چې ملي فرهنگ په ټوله کې په دوه ډوله دی، مادي فرهنگ او معنوي فرهنگ.

الف - مادي فرهنگ

ځینې پوهان په دې عقیده دي چې دا ډول فرهنگ له دريو مهمو اجزاوو څخه منځ ته راغلی دی: ۱- مادي اجزاء: هر هغه شی چې په ورځني ژوند کې یې انسان استعمالوي، لکه د اوسېدو ځای، د سفر کولو وسایل، جامه او

۱ - کامل فرهنگ فارسی، ص (۷۸۳).

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

داسې نور و څخه عبارت دی. ۲- فکري اجزاء: دا شامل دي په ژبه، فن، دين، علم او داسې نور... ۳- اجتماعي اجزاء: ټولنيز جوړښت چې هغه د خلکو له ټولنيزو ټولگيو له هیکل څخه عبارت دی.

د دې فرهنگ بنسټ د الهي او انساني ارزښتونو پر خلاف ده، کولی شو دا ډول فرهنگ بې روحه، پوچ او سپک و نوموو، په داسې فرهنگ کې انسان يواځې د يوه مادي وجود تر سرليک لاندې پرتله کېږي، دا ډول فرهنگ خپل اتباع د لا ډېر هوسا ژوند او مطلق ازادې، نفسي غرائزو د لاس ته راوړلو او داسې نورو... لپاره په خوځښت راولي، په مادي فرهنگ کې موخه وسيلې ته لارښوونه کوي؛ په دې اساس د داسې يوه فرهنگ اتباع د خپلو مادي موخو او د ژوند د لازياتو مزو او چرچو ته د رسېدو په غرض، هر ډول وسيلو ته لاس اچوي او له هر ډول طريقو څخه گټه اخلي.

په يوه ټولنه کې د داسې فرهنگ د شتون له کبله د ټولني اخلاقي بنسټونه په ځانگړې توگه د کورني نظام تود چاپېريال له منځه ځي او نظام يې گډوډ کېږي، د انسان لوړ ارزښتونه پيکه، د فساد او بې حيايي کچه ورځ تر بلې زياتېږي، د يواځېتوب او د سرسامي په ډنډ کې ډوبېږي، اندېښنې او غمونه يې په ټول ژوند باندې حاکميت پيدا کوي.^(۱)

غربي نظامونه او د غربي نظام تر اغېزې لاندې د ملتونو حالت يې نن ورځ ښه بېلگه کېدای شي.

۱ - احياى تفکر ديني در اسلام، ژباړه: محمدآرام، ص (۱۴۶).

تبيان ————— په هېواد کې د اسلامي فرهنگ ...

د غربي فرهنگ يو ستر يرغل چې د جمهوريتي نظام په ټولو ادارو کې يې پلي کول لازمي او حتمي گڼل کېده، چه هغه پروژه د جينډر (Gender) تر نامه لاندې په دې معنی عملي کېدله چې، د ښځې او نر تر منځ کوم توپير نشته، دواړه مساوي حقونه لري، يواځې بيولوژيکي او ظاهري جوړښت کې پيدايښتي توپير لري چې هغه د اعتبار وړه نه ده، د آکسفورډ انگليسي ژبې فرهنگ جنډر داسې تعريفوي: (په نني عصر کې دا يو مستعار ده د انسان له جنس څخه (نه د ښځينتوب په منظور) غالباً دغه اصطلاح د دوو جنسونو (نر او ښځې) د بيولوژيکي توپيرونو پر ځای د ثقافتي او ټولنيزو توپيرونو په معني استعمالېږي). د امريکايي (پنځمې دورې) فرهنگي ميراث کې تر ۱۹۶۳ م پورې د جنډر تعريف کټ مټ همداسې وه، چې بيولوژيکي جنس ورڅخه مراد وه يعنې نر او ښځه پکې مطرح نه وه، مگر بيا يو بل مفهوم ورته وړاندې کوي (چې نه په پشپړه توگه نر وي او نه ښځه).^(۱)

غربي فرهنگ په دوو تېرو لسيزو کې زموږ د هېواد په ټولو ادارو کې د ښځې او نر تر منځ د اختلاط لپاره لاره هواره کړې وه او تر ډېره حده يې عملي کړې هم وه، په هره اداره کې د جينډر په نوم به د يوې ادارې شتون حتمي وه، يعنې په يوه دفتر کې به ښځينه او نارينه کارکوونکي په کار بوخت ول. د دغې ادارې (Gender) اصلي موخه د ښځې او نر تر منځ اختلاط را منځته کولو په وسيله کورنی نظام له منځه وړل وو، کله چې د يوه مسلمان ملت کورنی نظام له منځه ولاړ؛ هغه ملت بيا په خپله د استعمار لپاره لاره هواروي

۱ - Oxford English Dictionary (۲d ed.(online) ۱۹۸۹,as.accessed

gender,noun,sense ۳d Aug.۲۲,۲۰۱۰,مراجعه: ۱۳/۶/۱۴۰۲ لمريز.

تبیان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

او په ورین تندي د استعمار هرې حلقې ته خپل سر ټیټوي؛ ځکه کورنۍ د ټولني اصل او بنسټ دی، کله چې بنسټ له منځه لاړ ملت په خپله د تباهي کندی ته ځان ورغورځوي.

همدارنگه د زده کړو په برخه کې، له ديني مدارسو او لیسو سره د مور او میرې چلند کېده، د مکاتبو لپاره به ټول امکانات برابرېدل، مېز، څوکی، درسي خونې او داسې نور... له مدیر څخه تر چپراسي پورې ټولو ته رتبې او معاشونه، خو د مدارسو لپاره بیا هېڅ نه ول، نه د مدرسینو لپاره کوم امتیاز وه او نه هم د طالب علمانو لپاره کوم اړین امکانات، په ولسي چندو او مرستو باندې به چلېدل، آن تردې چې د مدرسې سند ته چا اعتبار هم نه ورکوه، حال دا چې له مدارسو څخه علماء د انبیاوو علیهم السلام وارثین فارغېدل، همدا علماء دي چې ملتونه له دنيوي او اخروي آفتونو څخه ژغوري، د دنیا او آخرت نېپېگيو ته یې هدایت کوي، خو د غرب او غرب پالو د فرهنگي يرغل له امله مدارسو ته پاملرنه نه کېده د وخت د دولت لوړپوړو چارواکو او وکیلانو به په پارلمان کې په صریحو الفاظو ویل چې: اسلامي ثقافت مضمون، مدارس او جوماتونه تروریست تربیه کوي ژر تر ژره باید د دې خلکو مخه ونیول شي. په پلیت نظام کې د پاکو خلکو ځای نه وي، ما ته به د لوط علیه السلام سره د هغه د قوم معامله را یاد شوه، الله ﷻ یې په هکله داسې فرمایي: ﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ﴾^(۱)

۱ - النمل: (۵۶).

تبیان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

(خو د هغه د قوم ځواب له دې پرته بل څه نه وه چې هغو وویل له خپل کلي نه د لوط کورنۍ وباسئ دوی داسې کسان دي چې ډېر ځانونه پاک پاک کوي).

خرنگه چې الله ﷺ د لوط علیه السلام قوم تباہ کړ، داسې یې د غربي نړۍ فرعونیان له گوداگیانو سره شرمنده، خوار او ذلیل کړل.

ب - معنوي فرهنگ

د هغه فرهنگي اسالیبو له ټولگې څخه عبارت دی چې په وسیله یې د ټولنې، ډلې یا امت هويت او پېژندگلوي، د اوسېدونکو د ژوند اسلوب ساتل کيږي، او له یوې زمانې څخه و بلې زمانې ته نقل کيږي، معنوي فرهنگ انسان ته یواځې د یوه کالبد په سترگه نه گوري بلکه له روح او جسم څخه جوړ، له معنویت، شرافت او کرامت څخه یې ډک موجود گڼي، په دغه فرهنگ کې د هغه چا رتبه اوچته ده چې د نبو او اوچتو اخلاقو خاوند وي.

په دې اړه الله ﷺ فرمایي: ﴿... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾.^(۱) (په حقیقت کې د الله ﷻ په نزد له تاسې څخه تر ټولو زیات عزتمند هغه څوک دی چې په تاسې کې تر ټولو زیات پرهېزگار وي).

د یوه اصیل او سوچه فرهنگ د پېژندنې لپاره باید په لومړي گام کې د فرهنگ روښانه عنصرونو د حرکت مسیر، د پیاوړتیا نښې پکې تر ارزونې او څېړنې لاندې ونيول شي؛ تر څو استقلال او تابعداري یې له نورو فرهنگونو څخه ځانگړې شي.

۱ - الحجرات: (۱۳).

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

اسلامي فرهنگ:

اسلام يو فطري او د ټول بشريت لپاره د رحمت دين دی، چې لارښوونې يې د انسان د ژوند ټول اړخونه را نغاړي، اسلام يو ډېر بډايه فرهنگ لري چې له الهي وحيې څخه سرچينه نيسي.

که د اسلامي فرهنگ لوړ ارزښتونه د ټولنې په عمومي فرهنگ کې ځای پرځای شي او د ژوندانه په مختلفو اړخونو کې ورڅخه کار واخيستل شي؛ نو ښې پايلې به يې دا وي چې ټولنه به اخلاقي او انساني لوړ مقام ته ورسوي، هېواد او ملت به د پرمختگ په لار رهي کړي.

اسلامي فرهنگ، په تېره او حاضره زمانه کې د اسلامي امت د اساسي توکو لکه دين، ژبه، تاريخ، پرمختگ، بنسټونه مشترکې موخې، په خپله اصلي بڼه زده کول څخه عبارت دی.^(۱)

زموږ هېواد افغانستان ته اسلامي فرهنگ د عثمان ﷺ د خلافت په زمانه کې د اسلام له راتگ سره پيل شو، د افغانانو د ملي فرهنگ او اسلامي فرهنگ سره ورته والی، لکه مېلمه پالنه، پگړی، عفت، د ښځو غټ پړونی، اوږده، درنده پښتنه دوديزه جامه، له مور او پلار سره نيکي، په ناموس باندې غيرت کول، له خاورې او دين نه ساتنه او داسې نور...؛ د دې لامل شو چې اسلامي فرهنگ ته په ډېره مينه ښه راغلاست ووايي او هغه نيمگړتياوې چې د هغه وخت فرهنگ په معنوياتو کې وي پدې فرهنگ باندې يې پشپړې کړي.^(۲)

۱ - مقدمات في الثقافة الاسلامية، (ص: ۳۰).

۲ - ويکي پېډيا سايت- فرهنگ در افغانستان، [Fa.m.Wikipedia.org](http://fa.m.wikipedia.org) ۱۴۰۰۲/۶/۹ لمریز کال.

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ ...

د اسلامي فرهنگ موخې او په هېواد کې د هغو د تحقق لارې چارې

۱- په الله ﷻ باندې ايمان لرل: د اسلامي فرهنگ اساسي موخه په الله ﷻ باندې ايمان لرل، د هغه بندگي کول او په ټولو هغو احکامو چې الله ﷻ رالېږلي دي پرته له کمي او زياتي څخه د هغو منل او ورباندې عمل کول دي، دغې موخې ته رسېدل انسان د کمال درجې ته رسوي، له بې لاريو او ناخوالو څخه يې ژغوري.

د رسول الله ﷺ د ژوند ټول کره وړه د اسلامي فرهنگ بېلگه ده، الله ﷻ فرمايي: ﴿... قَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾^(۱).

(په حقيقت کې ستاسې لپاره د الله په رسول کې يوه خورا غوره نمونه وه). څرنگه چې په خيرا القرون کې صحابوو کرامو رضي الله عنهم د نبي کریم ﷺ گام په گام پيروي کوله او د مسلمانانو د خلافت او امارت د پياوړتيا او پرمختگ سبب کېده؛ همدارنگه د هر ملت لپاره د رسول الله ﷺ تگلاره باندې تگ کول د پرمختگ او برياملامل گرځي.

۲- د الله ﷻ عبادت، استغفار او بندگي: د اسلامي فرهنگ موخه د الله ﷻ عبادت او بندگي ده، هر هغه عمل کې چې د الله ﷻ اطاعت او رضايت شامل وي، هغه عبادت دی، د عبادت لمن ډېره پراخه ده، له ټولو منهياتو څخه ځان ساتل او په اوامرو باندې عمل کول همدا عبادت دی، الله ﷻ فرمايي: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^(۲).

۱ - الأحزاب: (۲۱).

۲ - الذاريات: (۵۶).

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

(ما پېريان او انسانان نه دي پيدا کړي؛ مگر چې هغوی زما بندگي وکړي).

الله ﷻ فرمايي: ﴿...وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾^(۱).

(او بل دا چې) نه دی الله عذابوونکی حال دا چې دوی مغفرت غواړي). له الله

ﷻ څخه مغفرت او بښنه د دنیا او آخرت د بریا او پرمختگ یوه ستره وسیله ده

بل ځای الله ﷻ فرمايي: ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا - يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ

مِدْرَارًا - وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾^(۲).

(نو و مې ویل دوی ته: بښنه وغواړئ له خپل رب نه (له شرکه)، بېشکه هغه

(الله) دی ډېر بښونکی (توبه کوونکو لره هر کله چې توبه وباسي. را وبه لیري

باران پر تاسې باندې ډېر اوربدونکی. او در ډېروي، مرسته به کوي له تاسې

سره مالونو او زامنو سره، او وبه گرځوي تاسې ته باغونه او وبه گرځوي تاسې

ته ویالې).

یعنې استغفار د هر ډول پرمختگ لامل دی، که زموږ د هېواد ټول وگړي د

خپل خالق په ښه توگه عبادت او استغفار وکړي؛ نو حتمي به افغانستان د

پرمختگ په لار روان شي، وگړي به وښل شي چې دا تر ټولو یو ستر پرمختگ

دی، وربښتونه به زیات شي، چې ورسره به کښت او زراعت پیاوړی شي، مالونه

او زامن چې د جهاد او د هېواد د پرمختگ لویه وسیله ده زیات شي، باغونه به

سمسور او نهرونه به ډک بهیري، چې دا ټول یاد شوي موارد د هېواد د

پرمختگ لاملونه دي.

۱ - الأنفال: (۳۳).

۲ - نوح: (۱۰ - ۱۲).

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

۳- د بشریت یووالی: د اسلامي فرهنگ له موخو څخه یو هم د بشریت یووالی دی، الله ﷻ فرمایي: ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾^(۱). (دغه ستاسې امت په حقیقت کې همدا یو امت دی او زه ستاسې رب یم، نو تاسې زما عبادت وکړئ). همداسې څو نور آیتونه هم داسې دي چې د امت په یووالي باندې دلالت کوي.

د بشریت د یووالي څېره هغه وخت ډېره روښانه او عملي اړخ یې درلوده چې الهي وحیې د رسول الله ﷺ له لارښوونو سره سم پلې کېده، اوس مهال چې اسلامي امت په هر ملت پورې تړاو لري، په هر هېواد کې چې ژوند کوي او په هره ژبه چې خبرې کوي، د هر مذهب او نژاد چې وي، ټول د یوه کور غړي بلل کېږي، لازمه ده چې په یووالي کې ژوند وکړي، همدارنگه زموږ په هېواد افغانستان کې ډېر قومونه چې په بېلابېلو ژبو باندې خبرې کوي، ځانگړې جامه، دود او دستور لري او داسې نور... په حقیقت کې دا ټول قومونه یو ملت او یو امت دی، په بېلابېلو قومونو باندې وېشل فقط د پېژنگلوی لپاره دي نه د تفرق او بېلتون لپاره، افغانستان د ټولو مېشتو قومونو گډ کور دی، د هېواد د پرمختگ په لار باید ټول په گډه سره روان شي.

۴- د انسان لوړ مقام ته درناوی: د اسلامي فرهنگ بله موخه د انسان لوړ مقام ته درناوی دی.

۱ - الأنبياء: (۹۲).

تبیان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ ...

انسان ته شرافت، کرامت او لوړې مرتبې د عبادت او الله ﷻ ته د سرتیتولو په پایله کې ور په برخه کېږي، له همدې کبله انسان اشرف المخلوقات بلل شوی دی، الله ﷻ فرمایي: ﴿قَالَ أَعْيَرَ اللَّهُ أَبْغِيكُمْ إِلَهَا وَهُوَ فَضَلَّكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾.^(۱)

(ورپسې موسی علیه السلام زیاته کړه، ایا زه ستاسې له پاره الله نه پرته کوم بل معبود ولټوم؟ په داسې حال کې چې هماغه الله دی چې تاسې ته یې د ټولې نړۍ پر قومونو فضیلت درېښلی دی). د اسلامي فرهنگ په خپرېدو سره هغه بې وزله انسانان چې د غلامۍ شپې او ورځې یې تېرولې، د انسانیت مقام لوړو څوکو ته ورسېدل، په طبیعت باندې یې حکومت پیل کړ او طبیعت یې په خپله گټه و څرخاوه.

د انسانیت لوړ مقام ته د بشریت رسېدل د دې لامل شو چې د اسلامي فرهنگ په خپرېدو کې چټکوالی راشي.

۵- د بشریت خدمت: د اسلامي فرهنگ بله موخه د بشریت خدمت کول دي. د بشریت خدمت هغه مهال شونی ده چې د ټولنې ټول وگړي یو له بله سره مرسته او لاس نیوی وکړي، شتمن او وسي کسان د بې وزلو او بې وسو کسانو څخه لاس نیوی وکړي، دغو موخو ته د رسېدو او تحقق لپاره د اسلام څلورم رکن (زکات) چې له ډېرو مهمو فرائضو څخه گڼل کېږي ښه بېلگه ده. الله ﷻ فرمایي: ﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾.^(۲)

۱ - الأعراف: (۱۴۰).

۲ - التوبة: (۱۱).

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

(نو که دوی توبه وکړي، لمونځ قائم کړي او زکات ورکړي نو ستاسې ديني وروڼه دي).

زکات له يوې خوا د انسان تعلق له الله ﷻ سره نښلوي او د انسان زړه په الله ﷻ باندې ډاډمن کيږي، په دنيا باندې ملا نه تړي، له بله پلوه يې له خپل ورور سره د خواخوږۍ او اعتماد پيوند غښتلی کيږي، په دې سره يوه سمه سالمه، له خونښو ډکه او نېکمرغه ټولنه را منځته کيږي چې وگړي يې يو تر بله د ورورولۍ خپرې تر سيوري لاندې هوسا ژوند کوي.

د اسلامي فرهنگ د ساتنې او رغونې لارې چارې

له اسلامي فرهنگ څخه ساتنه، په حقيقت کې د هېواد د اسلامي فرهنگ په بډاينه کې چې د هېواد د پرمختگ لپاره يوه مهمه وسيله او يو مضبوط او قوي گام اوچتول دي. د پرديو د ناوړه او مخرب فرهنگي يرغل اغېزو په مقابل کې د اسلام مبارک دين احکام او ملي منل شوو عنعناتو، په سمه او درسته توگه زموږ د ټولني په ټولو اړخونو کې له ټولو ځانگړتياوو سره ځای پرځای کول دي، د دغو هڅو د مثبتو پايلو لاس ته راوړلو په موخه د قيقو طرحو او سالمو جوړونکو فرهنگي برنامو ته اړتيا ده.

د غو موخو ته د رسېدو لپاره لازمه ده چې د مثبت بدلون په لور، له دغه مبارک آيت څخه په الهام اخيستلو، محکم گامونه واخيستل شي، الله ﷻ فرمايي: ﴿...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...﴾^(۱).

۱ - (الرعد: ۱۱).

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ ...

(حقيقت دا دی چې الله د هېڅ قوم حالت نه بدلوي تر څو پورې چې هغوی خپل اوصاف نه وي بدل کړي).

د اسلامي فرهنگ په رغونه او ساتنه کې اخلاق ډېر ستر نقش لري، اخلاق د خُلق جمع ده، د انسان د باطني صفتونو او اعمالو هغه ټولگه ده چې انسان ورباندې ښه يا بد يادېږي.^(۱)

د اخلاقو د ارزښت په هکله رسول الله ﷺ فرمايي: « إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ صَالِحَ الْأَخْلَاقِ ». ^(۲)

(په تحقيق سره زه را لېږل شوی يم؛ تر څو نیک اخلاق پوره او بشپړ کړم). ابن عبدالبر وايي: په همدې معنی کې صلاح او خیر ټول نغښتي دي، لکه: دین، فضل، خیر، مروءت او غیرت، نیکی او عدالت کول. نو د دې لپاره دی صلی الله علیه وسلم راولېږل شو چې تکمیل یې کړي.^(۳)

د خُلق تعریف د جرجاني رحمه الله په نزد عبارت دی له: خُلق د راسخ نفس خپره ده چې کړنې ورڅخه په آسانه توگه او بې له کوم فکر کولو صادريږي، که چېرته ښې کړنې ورڅخه صادر شوې نو دا د ښو اخلاقو خپره ده او که ناوړه کړنې ورڅخه صادر شوې نو دا د بدو اخلاقو خپره ده.^(۴)

۱ - معجم اللغة العربية المعاصرة، (۱/۶۸۸).

۲ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، حدیث (۸۹۵۲) (۱۴/۵۱۳)، د حدیث حکم: صحیح دی.

۳ - مخکینی مرجع: ۱۴ ټوک، ۵۱۳ مخ.

۴ - کتاب التعريفات، (ص: ۱۰۱) وگوره: احياء العلوم الدين للغزالي (۳/۵۳) همدارنگه تهذيب الاخلاق لابن ميكوية (ص: ۴۱).

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

سيوطي رحمه الله د خُلق په اړه داسې وايي: أخلاق يوه نفساني ملکه (قوه) ده چې له هغې څخه له فکر او سوچ پرته نفساني افعال او کړنې صادرېږي، دا کله د غريزې قوې سره مل وي، کله په کسبي حالت پورې اړه لري چې په دې سره انسان داسې عادي شي چې يو څه پرته د بل شي نه ترسره کولی شي.^(۱) په ټولنه کې د اسلامي فرهنگ ساتنه او رغونه او د پرديو د فرهنگ له يرغل څخه د مخنيوي لپاره تر ټولو لويه او ستره وسيله اخلاقيات دي، چې قرآن کریم او نبوي سنتو مونږ ته د هغې لارښوونه کړې ده، مونږ کولای شو له دغو لاندې ذکر شوو لارو څخه گټه واخلو:

۱- په لومړي گام کې بايد د اسلامي فرهنگ له اساسي مصدر لکه قرآن کریم، نبوي سنت او سيرت، اسلامي تاريخ، علمي ميراث او داسې نورو څخه پوهه ولرو او د دغو مصادر په احکامو باندې عمل کولو په وسيله کولای شو اسلامي فرهنگ ته په هېواد کې وده ورکړو او د پردېو فرهنگ له يرغل څخه يې وژغورو، کله چې د يوه ملت فرهنگ په خپل اصیل اسلامي رنگ کې پاتې شي، دغه د اصیل فرهنگ پاتې کېدل د هماغه ملت او هېواد د پرمختگ لامل کېږي.

۲- جوماتونه چې د اسلامي فرهنگ يوه مهمه برخه او له شعائر الله څخه دي د خطيبانو له خوا د فرهنگي يرغلونو د مرحلو پېژندنه، عامه خلکو ته يې په گوته کول او داسې بديل ورته پيدا کول چې د اسلامي فرهنگ سره په ټکر کې نه وي.

۱ - معجم المقاليد العلوم في الحدود والرسوم، (ص: ۱۹۷).

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

۳- د هغو اوږد مهاله او لنډ مهاله طرحو په مقابل کې چې د اسلامي فرهنگ پر ضد په کار اچول کېږي، نا خبره نه اوسو او د دغو طرحو په مقابل کې بدیلو طرحو په کار اچولو سره کولای شو چې د اسلامي فرهنگ په رغونه او ساتنه کې بریالي و اوسو او خپل هېواد د پرمختګ په لور روان کړو.

۴- د تعلیم او تحصیل په برخه کې فرهنگ پوهاوي ته باید جدي پاملرنه وشي؛ ترڅو ځوانان له خپل اصیل اسلامي فرهنگ څخه پردي نه کړای شي. ولس او عامو خلکو ته وښودل شي چې فرهنگ داسې یو نظام دی چې د انسانانو کړنې د هغوی د خالق، نورو انسانانو او د طبیعت په مقابل کې تشکیلوي او په هغوی باندې اغېزه کوي او سالم فرهنگ د هېواد د پرمختګ لامل ګرځي.

۵- د اسلامي فرهنگ په ساتنه او رغونه کې اړینه ده چې اسلامي فرهنگ په سمه توګه وپېژندل شي؛ ترڅو زموږ اسلامي فرهنگ له انساني فطرت او اسلامي اصولو مخالف فرهنگ څخه یې له ورايه توپیر وشي؛ ترڅو د غیرمشروع او غیر فطري کړنو نسبت اسلام ته ونه شي، د اسلام له سپېڅلي نوم څخه په ناوړه ګټې اخیستنې، په اسلامي ټولنه کې شومو موخو ته ونه رسېږي او د هېواد د پرمختګ لارې چارې بندې نه کړل شي.

۶- د ژوند په ټولو اړخونو کې د پرديو هرډول فرهنگي يرغل باید په ګوته او مخنیوی یې وشي، هغه فرهنگ چې د اسلامي فرهنگ سره په ټکر کې وي، له هغو څخه باید ډډه وشي؛ تر څو د مسلمان تشبه له کفارو سره و نه شي

تبيان ————— په هېواد کې د اسلامي فرهنگ ...

چې د تشبه په هکله رسول الله ﷺ فرمايي: «مَنْ تَشَبَهَ بِعَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ». (۱) (چا چې له کوم قوم سره مشابهت درلوده هغه له هماغه قوم څخه دی). الله ﷻ فرمايي: ﴿...وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...﴾. (۲) (څه چې پيغمبر ﷺ تاسې ته درکوي هغه واخلي او له څه شي نه چې هغه تاسې منع کوي له هغه نه منع شئ).

تشبه، يعنې څوک چې د بل قوم او ملت په ځانگړې توگه غير مسلم په څېر جامه اغوندي، شعائرو ته يې درناوی کوي په ظاهر کې وي او که په باطن کې او داسې نورو رواجونو باندې يې عمل کوي چې هغه دوی ته ځانگړې وي، دی هم له هماغه قوم څخه حسابيږي او د هماغې ډلې حکم ورباندې کيږي. د سبل السلام مؤلف د پورتنې حديث لاندې ليکي: (والحديث دال على أن من تشبه بالفساق كان منهم أو بالكفار أو بالمتدعة في أي شيء مما يختصون به من ملبوس أو مركوب أو هيئة). (۳)

(حديث په دې باندې دلالت کوي څوک چې له فاسقو سره تشبه کوي، دی به له همدوی څخه وي، يا مشابهت له کفارو سره، يا له مبتدعه ډلو سره په هر شي کې چې وي، د دوی ځانگړې جامه، سپرلی او که ظاهري شکل وي). لکه په بل حديث کې چې د بنحو تشبه له نارینوو سره او نارینوو له بنحو سره منع راغلي او حرامه ده.

۱ - سنن أبي داود، حديث، (۴۰۳۱)، (۴۴/۴).

۲ - الحشر: (۷).

۳ - سبل السلام، (۶۴۶/۲).

تبیان ————— په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

د تشبه له وجې په نړیوالو کنفرانسونو کې د مسلم او غیر مسلم توپیر کول گران کار دی؛ دا ځکه چې مسلمان هم د یهودو او نصاراو په شان یې تنگ پتلون تن ته کړی او نیکتایي یې مری پورې کلکه تړلې وي، مگر د اسلامي امارت له استازي چې په اسلامي فرهنگ سمبال دي له ورايه له جامو، خادر، واسکت او پگړۍ څخه ښکاري چې مسلمان او افغانان دي.

همدارنگه د پردي فرهنگ کوم اړخونه چې د شریعت خلاف، عقیدې، عباداتو او اخلاقیاتو پورې تړاو لري په هغو باندې عمل کول شرعاً حرام دي، لکه د غیر مسلمو د اخترونو لمانځل، ریره خریل، برېتونه له حد څخه اوږدول او یا هم هغه رواجونه پالل چې د هغوی مذهبي رواجونه وي؛ ځکه په دې کې تشبه راځي چې په اړه یې حدیث شریف مخکې ذکر شو.

د پردیو مذهبي او عقیدوي فرهنگ ته ښه راغلاست ویل داسې پایلې لري لکه، له اسلام څخه مخکې عمرو بن لحي چې شام ته لاړه او هلته یې خلک د بتانو په عبادت ولیدل، دا کار یې خوښ شو او له ځانه سره یې بتان راوړل او په کعبه شریفه کې یې کېښودل، چې په هکله یې رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمایي: «أَوَّلُ مَنْ غَيَّرَ دِينَ إِبْرَاهِيمَ عَمْرُو بْنُ لُحَيْ بْنِ قَمْعَةَ بْنِ خِنْدِفٍ أَبُو خُرَاعَةَ».^(۱) (لومړي کس چې د ابراهیم علیه السلام دین ته یې تغیر ورکړ، عمرو بن لحي بن قمعه بن خندف ابو خزاعه وه).

د بېلگې په توگه یو مثال دلته نقلوم چې له بده مرغه زموږ په اسلامي ټولنه کې یې ناوړه رنگ راوړی دی، د واده په مراسمو کې د گوتمی (چله) بدلولو

۱ - المعجم الكبير، حدیث (۱۰۸۰۸)، ۱۰ ټوک، ۳۲۸ مخ.

تبيان ————— په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

رسم، يعنې ناوې هلک ته گوتمی په گوته کوي او هلک ناوې ته، دغه رسم او فرهنگ د مسيحيانو قديمي عاداتو او اعتقاداتو پورې تړاو لري، حلمی گوتمی د ناوې کين لاس غټې گوتې باندې ږدي او وايي: باسم الأب، (الله تعالی چې د عیسی علیه السلام پلار یې گڼي، العیاذ بالله) بیا یې د شهادت گوتې په سر ږدي او وايي: باسم الابن، (عیسی علیه السلام چې د الله تعالی زوی یې گڼي) بیا یې د منحنی گوتې په سر ږدي او وايي: و باسم الروح القدس، (مریم علیها السلام)، کله چې آمین وايي بیا په پایله کې یې په هره گوته چې زړه وي ږدي یې، ولې د واده ځانگړې گوتمی د کين لاس په غټه گوته باندې ږدي؟ دا پوښتنه د (بنځې WOMAN) مجلې ۱۹ شمېرې ۸ مخ د اگست میاشت ۱۹۶۰ م لندن ښار کې د پوښتنو د څانگې له مسؤولي (انجیلا تلبوت Angela Talbot) څخه وشوه، چې ولې گوتمی د لاس په غټه گوته باندې ږدي؟ هغې په ځواب کې وویل: په دغې گوته کې خوله پیدا کیږي چې سیده له زړه سره وصل کیږي.^(۱)

دا رسم د مسيحيانو د تثلیث عقیدې پورې تړاو لري، داسې رسم پرځای کول، د اسلامي فرهنگ په خلاف ده او شرعاً یې لمانځل حرام دي؛ ځکه چې په دې هکله الله تعالی فرمایي: ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثَةٌ...﴾.^(۲) (او هغه کسان په رښتیا کافران دي چې وايي. الله له درېوو خدایانو څخه یو دی...).

۱ - ar.m.Wikipedia.org ۱۴/۶/۲۰۰۲ ۱۴ لمریزکال.

۲ - المائدة: (۷۳).

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

شعائر الله څخه ساتنه چې د اسلامي فرهنگ يوه مهمه برخه ده، جوماتونو کې بايد د فرهنگ د ساتنې او رغونې په موخه عامه پوهاوی وشي.

د افغانستان لرغوني آثارو ساتنه او رغونه

د افغانستان هغه لرغوني آثار چې له اسلام مخکې تاريخ پورې تړاو لري او د افغانانو تاريخي هويت او فرهنگ پکې نغبتی وي، لکه ادبي آثار، تاريخي ودانۍ او معماري، جنگي وسايل او داسې نور... په موزيمونو کې يې د تاريخي هويت په موخه ساتنه او د هېواد د يوې عايداتي منبع لپاره يې رغونه، د افغاني فرهنگ يوه برخه جوړېدای شي او هېواد ته د پرمختگ کولو په برخه کې مرسته کولی شي.

کوم تاريخي آثار چې د شرک او کفر سره تړاو لري لکه، په کابو کې حک شوي شرکي او ذبيح روح انځورونه، بتان او داسې نور د شرکياتو ځانگړې نښې او علايم؛ د اسلامي فرهنگ څخه خلاف دي، د هغې ساتنه، رغونه، نندارې ته اړينېدل، پېرل او پېرودل ټول د شريعت د اصولو په خلاف دي، بايد داسې شيان له منځه يوړل شي؛ اگر که اوس يې څوک عبادت هم نکوي.

د يادونې وړ ده؛ که چېرې له بتانو څخه يو څو د عبرت او توبيخ په توگه وساتل شي چې خلک ورڅخه عبرت واخلي د مشرکينو او بت پرستانو اصليت د عقل او فطرت خلاف کړنې او عقیده ورته برملا شي بيا به کوم مانع نه وي، لکه سيدنا ابراهيم عليه السلام چې ټول بتان مات کړل او يو غټ بت يې

تبیان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

توبیخاً د پیغور په توگه روغ پرېښود، چې په اړه یې قرآن کریم داسې وايي:

﴿فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كَثِيرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ﴾^(۱)

(پرته له غټ بت نه یې نور ټوټه، ټوټه کړل؛ ترڅو ورته هغوی را و گرځي).

﴿قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ﴾^(۲)

(ابراهیم وویل: بلکې کړی یې دی. لوی یې دغه دی پوښتنه ترې وکړئ، که

هغوی خبرې کوي؟).

نو باید د اسلامي فرهنگ د ساتنې او رغونې لارو چارو هر اړخیزه آسانتیاوې

برابري کړی شي؛ ترڅو زموږ هېواد او هېوادوال د بریا او پرمختگ په لور

چټک گامونه واخلي.

پایلي

۱- په پایله کې ویلای شو چې، د اسلامي فرهنگ اصلي سرچینه قرآن او نبوي

سنت دی، قرآن او نبوي سنتو باندې عمل د ملت او هېواد د پرمختگ

یواځنی لار ده.

۲- د ټولني د هر وگړي مسؤولیت او رسالت دا دی چې له اسلامي فرهنگ،

اسلامي تاریخ او علمي میراث سره په بشپړه توگه آشنایي پیدا کړي، اسلامي

او ملي ارزښتونو ته پوره پاملرنه ولري، د فرهنگي يرغلونو له زیانونو څخه

باخبره اوسي.

^۱ - الأنبياء: (۵۸).

^۲ - الأنبياء: (۶۳).

تبيان ————— په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

۳- د تمدن او پرمختگ په نوم غرب او غريبالان تل هڅه کوي چې د فرهنگي يرغل له لارې اسلامي فرهنگ له منځه يوسي او پر ځای يې پردي فرهنگ ته زمينه برابره کړي او هر فرد خپل دين، پياوړې عقيدې، اسلامي او ملي ارزښتونو څخه واړوي، او کورنی نظام له منځه يوسي، چې کورنی نظام د اسلامي فرهنگ اصل او بنسټ دی؛ که کورنی نظام ويجاړ شو؛ نو ټولنه له منځه ځي او د هر ډول مادي او معنوي پرمختگ مخ نېول کېږي، نو د کورني نظام ساتنه د هر افغان وجيبه ده.

۴- کورنی نظام چې سالم وي اسلامي او ملي فرهنگ په خپله له هر ډول يرغل څخه په امن کې پاتې کېږي؛ نو هېواد او ملت دواړه به ان شاءالله د اسلام مبارک دين د اصولو په رڼا کې د پرمختگ په لور رهي شي.

۵- دغو موخو ته هغه وخت لاس رسې موندلی شو چې خپل ټول کړه وړه د قرآن کریم، سنتو او نبوي سيرت مطابق برابر کړو، د فرهنگ په ساتنه، رغونه او خپرولو کې له اسلامي اخلاقياتو څخه گټه پورته کړو او ځان د اسلامي فرهنگ په خپرولو او نوروته په رسولو کې مسؤول او ملزم و گڼو او د هېواد مادي او معنوي پرمختگ کې اړين او رغنده رول ولوبوو.

وړاندیزونه

۱- د اطلاعاتو او فرهنگ محترم وزارت ته مې وړاندیز دی چې د افغانستان د مادي او معنوي پرمختگ په موخه د فرهنگي او روزنيزو خپرونو له لارې د اسلامي فرهنگ په ساتنه او رغونه کې لاس پکار شي، د اسلامي فرهنگ له اصولو سره سم فرهنگي روزنيز تلویزیوني او راډیويي پروگرامونه جوړ او د نشر بهير ته وسپارل شي؛ تر څو د هېواد عام او نالوستي وگړي ورڅخه پوهاوی

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ...

ترلاسه کړي او د فکري او فرهنگي يرغلونو له زيان څخه باخبره او د هېواد اسلامي فرهنگ په ساتنه او بډاينه کې د پرمختگ په لور گام اوچت کړي.

۲- د ارشاد حج او اوقافو وزارت ته وړانديز کېږي چې د افغانستان د پرمختگ په موخه د منبرونو له لارې د ولسونو فکري تشه ډکه او اسلامي تعليماتو په وسيله اسلامي فرهنگ بډاينه او له يرغل څخه دې وژغوري.

۳- د افغانستان هر وگړي ته مې دا توصيه ده چې، د افغانستان د پرمختگ په لار کې د اسلامي فرهنگ د بډاينې او ساتنې لپاره خپل ټول ځواک او قوت څخه د اسلامي تعليماتو په رڼا کې کار واخلي؛ ترڅو زموږ اصيل فرهنگ د کفري نړۍ له فرهنگي يرغل څخه وژغورل شي او هېواد ته د مادي او معنوي پرمختگ زمينه برابره شي.

مأخذونه:

- ۱- القرآن الکریم.
- ۲- ابن منظور الأفريقي المصري - محمد بن مكرم، لسان العرب، خپرندويه ټولنه: دار صادر- بيروت، لومړی چاپ، (۳۲۰/۹).
- ۳- أبو داود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني (المتوفى: ۲۷۵هـ)، سنن أبي داود، تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد، خپرندويه ټولنه: المكتبة العصرية، صيدا - بيروت، حديث، حسن دی، (۴۰۳۱)، (۴۴/۴).
- ۴- اقبال لاهوري، محمد اقبال، احيای تفکر ديني در اسلام، ژباړه: محمدآرام، ص(۱۴۶).

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ... ..

- ۵- أمير- محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسني، الكحلاني ثم الصنعاني، أبو إبراهيم، عز الدين، (المتوفى: ۱۱۸۲هـ)، سبل السلام، خپرندويه ټولنه: دار الحديث، الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ (۶۴۶/۲).
- ۶- الشيباني، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل (المتوفى: ۲۴۱هـ)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، تحقيق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، او نورو، خپرندويه ټولنه: مؤسسة الرسالة، لومړی چاپ، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م، حديث (۸۹۵۲) (۵۱۳/۱۴)، حکم: حديث صحيح دی.
- ۷- انصاف پور- غلام رضا، کامل فرهنگ فارسی، خپرندويه ټولنه: انتشارات زوار، تهران، شپږم چاپ - ۱۳۸۴، ص (۷۸۳).
- ۸- الجرجاني، علي بن محمد بن علي الزين الشريف الجرجاني (المتوفى: ۸۱۶هـ)، كتاب التعريفات، تحقيق: ضبطه وصححه جماعة من العلماء بإشراف الناشر، خپرندويه ټولنه: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، لومړی چاپ، ۱۴۰۳ هـ - ۱۹۸۳ م (ص: ۱۰۱) وگوره: احياء العلوم الدين للغزالي (۵۳/۳) همدارنگه تهذيب الاخلاق لابن ميكوية (ص: ۴۱).
- ۹- السيوطي، جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر (المتوفى: ۹۱۱هـ)، معجم المقاليد العلوم في الحدود والرسوم، (ص: ۱۹۷).
- ۱۰- الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم (المتوفى: ۳۶۰هـ)، المعجم الكبير، محقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، خپرندويه ټولنه: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، دوهم چاپ، حديث (۱۰۸۰۸)، ۱۰ ټوک، ۳۲۸ مخ.
- ۱۱- عبد الحميد عمر- أحمد مختار (المتوفى: ۱۴۲۴هـ)، معجم اللغة العربية المعاصرة، خپرندويه ټولنه: عالم الكتب، لومړی چاپ، ۱۴۲۹ هـ - ۲۰۰۸ م، (۶۸۸/۱).

تبيان _____ په هېواد کې د اسلامي فرهنگ... ..

- ۱۲- القوس، مفرح بن سلمان - مقدمات في الثقافة الاسلامية، خپرندويه ټولنه: دارالغيث للنشر، الرياض، ۱۴۱۸ هـ ۱۹۹۸ م، (ص: ۳۰).
- ۱۳- لغتنامه دهخدا، د فرهنگ کلمه.
- ۱۴- ويکي پيډيا سايټ- فرهنگ در افغانستان، Fa.m.Wikipedia.org ۱۴۰۰۲/۶/۹ لمريزکال.
- ۱۵- ar.m.Wikipedia.org ۱۴۰۰۲/۶/۱۴ لمريزکال.
- ۱۶- Oxford English Dictionary(۲d ed.(online) ۱۹۸۹,as.accessed Aug. ۲۲, ۲۰۱۰,gender,noun,sense۳d مراجعه: ۱۴۰۲/۶/۱۳ لمريز.

حمایت اللہ بہرامی

د قرآن کریم او نبوی سنتو په رڼا کې د شورى مقام او ارزښت

ملخص البحث

(مقام الشورى وأهميته في ضوء القرآن الكريم والسنن النبوية) يبحث فيه أن الشورى في الإسلام وسيلة مهمة للتوافق الاجتماعي والعدل واتخاذ القرارات المصيبة. وقد اعتبر القرآن الكريم الشورى صفةً من صفات المؤمنين، وأثنى عليهم؛ لأنهم يديرون أمورهم بالمشورة.

وكذلك، سنة رسول الله صلى الله عليه وسلم تُبين لنا الأمثلة العملية للشورى، إذ كان صلى الله عليه وسلم يشاور أصحابه في القرارات المهمة، مثل غزوة بدر، وغزوة أحد، وغزوة الأحزاب. كما تُظهر الأحاديث النبوية أن الشورى وسيلة لجلب البركة ومنع الوقوع في الأخطاء.

الشورى لا تمنع الاستبداد الفردي فحسب، بل تمنح كل فرد في المجتمع حق إبداء رأيه. إن تطبيق مبدأ الشورى يؤدي إلى التقدم الاجتماعي، وتحقيق العدل، وتعزيز وحدة المسلمين.

تعدّ الشورى جزءاً أساسياً من النظام الإسلامي، حيث تجعل عملية اتخاذ القرارات عادلة وتجلب رضا الله سبحانه وتعالى. وينبغي تطبيق هذا المبدأ أيضاً في الحياة الاجتماعية والاقتصادية والسياسية؛ لحل مشاكل الأمة بطريقة أفضل.

لنډيز

شورى په اسلام کې د ټولنيزې همغږۍ، عدل او غوره پرېکړو کولو يوه مهمه وسيله ده. قرآن کریم شوری د مؤمنانو ځانگړنه گڼلې او هغوی یې ستایلي دي؛ ځکه چې دوی خپل کارونه د مشورې له لارې ترسره کوي. همدارنگه د رسول الله ﷺ سنت مور ته د شوری عملي مثالونه راښيي. هغه به د مهمو

تبيان ————— د قرآن کریم او نبوي سنتو په رڼا کې...

پرېکړو پرمهال له خپلو صحابه کرامو سره مشورې کولې، لکه د بدر غزا، احد غزا او د احزاب غزا پرمهال. نبوي احاديث هم مشوره کول د برکت او د تېروتنو د مخنيوي وسيله گڼي.

شوری نه یوازې د فردي استبداد مخه نیسي، بلکې د ټولني هر غړي ته د نظر ورکولو حق ورکوي د شوری د اصل تطبيق د ټولنيزې سوکالۍ، انصاف او د مسلمانانو ترمنځ د يووالي سبب گرځي. شوری د اسلامي نظام يوه بنسټيزه برخه ده چې د پرېکړو کولو بهير عادلانه کوي او د الله تعالی خوښي ترلاسه کوي. دا اصل بايد په ټولنيز، اقتصادي او سياسي ژوند کې هم تطبيق شي؛ ترڅو يې په وسيله د امت ستونزې په غوره ډول حل شي.

سريزه

الحمد لله رب العالمين الذي نزل الكتاب المبين، والعاقبة للمتقين، والصلاة والسلام على خير خلقه محمد، وعلى آله وأصحابه أجمعين. وبعد!

شوری په اسلام کې يو ستر اصل دی او د دنيوي کارونو اساس تشکيلوي بايد چې د ژوند په ټولو برخو کې په مشوره باندې عمل وشي، ځکه چې په مشوره کې برکت دی، د رسول الله ﷺ او د صحابه کرامو رضي الله عنهم دا معمول وو چې کله به مشکل ورته پيدا شو او د هغې په باره کې به صريح نص موجود نه و د هغې په باره کې به يې مشوره کوله او کوم کار چې په شوری سره شروع او ختم شي د هغې پايلې ډېرې مثبتې او نېې وي که موږ اوسنی نړۍ ته وگورو په دې کې هم شوری ته ډېر ارزښت ورکړ شوی دی او دې شوری غړو ته يې ډېر صلاحيتونه ورکړي دي ځکه چې په دې کې اهل علم وجود لري چې په اوس وختونو کې شوری د نړۍ په هېوادونو کې په مختلفو نومونو سره يادېږي لکه: په افغانستان کې د علماوو شوری، په روسيه کې دوما، امريکا کې کانگرس، په سويډن کې ريکسډاگ او په اروپايي هېوادونو کې د پارلمان په نامه سره يادېږي، دا چې په اسلامي شريعت کې شوری ډېر ارزښت لري ماهم

تبيان ————— د قرآن كريم او نبوي سنتو په رڼا كې...

لازمه وگڼله چې د قرآن كريم او نبوي سنتو په رڼا كې د شوری مقام او ارزښت بيان كړم.

د څېړنې ارزښت

شوری د اسلامي ټولنې يوه بنسټيزه او مهمه برخه ده، چې د مشورو، د نظرونو تبادلې، د حق او انصاف پر بنسټ د فيصلو كولو يوه غوره لاره ده. د شوری اصل د اسلامي شريعت او ټولنيز نظام يوه داسې ځانگړنه ده چې ټولنه په نظم، عدل او يووالي سره پر مخ وړي.

د څېړنې مبرميت

شوری د اسلام د ټولنيز او سياسي نظام يوه اساسي ستنه ده، چې د خلكو د گډو چارو د سمون لپاره خاص ارزښت لري. قرآن كريم شوری ته ځانگړې پاملرنه كړې او هغه يې د اسلامي ټولنې د يووالي، عدالت او سالمو پرېكړو د ترسره كولو يوه مهمه لاره بللې ده، شوری د مشورې، همكارۍ او د گډ عقل د كارونې يو الهي اصل دی چې د ټولنې ستونزې پرې حل كېدای شي او د ټولنې پرمختگ يقيني كوي.

دا څېړنه د لاندې موخو لپاره شوې

۱- شوری يو قرآني اصل دی د قرآن كريم د آيتونو او نبوي سنتو په رڼا كې يې وضاحت كول.

۲- لوستونكي د شوری په ارزښت پوهول يا خبرول.

۳- د شوری په عملي تطبيق ټينگار كول.

۴- د شوری د گټو او فوائدو څرگندول.

د څېړنې منهج

په دې علمي مقاله كې له توصيفي منهج څخه استفاده شوې ده.

تبيان ————— د قرآن کریم او نبوي سنتو په رڼا کې...

د څېړنې اصلي پوښتنه

د قرآن کریم او نبوي سنتو له نظره د شوری مقام او اهمیت څه دی؟

د څېړنې فرعي پوښتنې

- ۱- په اسلامي ټولنه کې شوری کوم مقام لري؟
- ۲- د شوری په نه عملي کولو سره په ټولنه کې کوم زیانونه رامنځته کېږي؟
- ۳- شوری باید په کوم انداز کې تر سره شي؟

۱- د شوری تعریف.

په لغت کې. شوری، مشاوره او مشوره د شَاوَرَ فعل مصادري دي د یو شي بشکاره کول او څرگندونه ده. لکه چې ویل شوي دي: «شار العسل، یشوره، شوری او مشاوره» یعنې شات یې له خپل ځای نه وویستل^(۱).
او په اصطلاح کې. «إستطلاع الرأي من ذوي الخبرة فيه للتوصل إلى أقرب الأمور للحق»^(۲) (له تجربې لرونکو کسانو څخه د نظر غوښتنه د دې لپاره چې تر ټولو حق ته نږدې لارې ته ورسېږي).

۲- په قرآن کریم کې د شوری مقام او ارزښت

شوری ډېر لوی ارزښت لري کوم کارونه چې په شوری سره سرته رسېدلي وي هغه هېڅ وخت له نقصان سره نه مخ کېږي، ځکه په هغه کې مختلف افکار استعمال شوي وي، رسول الله ﷺ همېشه په کارونو کې له خپلو ملگرو سره مشورې کولې چې په دې کې یې د ملگرو احترام او د الله تعالی د حکم تطبیق ته اشاره ده. د شوری په اړه به د قرآن کریم آیاتونه ذکر کړم.

۱- جمال الدین محمد بن مکرم ابن منظور الأفريقي، لسان العرب، أدب حوزه، قم - ایران، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۴ ټوک، ۴۳۶ مخ.

۲- عبدالله بن عمر بن سليمان الدميحي، الإمامة العظمي عند اهل السنة والجماعة، دار طيبة، الرياض، الطبعة الأولى، ۱۴۰۷ هـ.ق - ۱۹۸۷ م، ۴۲۲ مخ.

تبیان ————— د قرآن کریم او نبوی سنتو په رڼا کې...

الف: الله تعالى فرمایلي دي: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾.^(۱)

(د الله تعالى مهرباني وه چې ته مسلمانانو ته نرم شوې. که ته بد خوږه او د سخت زړه خاوند وای نو دوی به ستا له چاپیر څخه خواړه واړه او تیت، پرک شوي وای؛ نو عفو ورتنه وکړه، بښنه ورتنه وغواړه او په کار کې ورسره مشوره وکړه او کله دې چې هوډ وکړ نو پر الله توکل وکړه. بېشکه چې الله توکل کوونکي خوښوي).

د پورتنی ایت په تفسیر کې حسن بصري رحمه الله ویلي دي: الله تعالى په دې پوهېده چې رسول الله ﷺ د صحابه کرامو رضي الله عنهم مشورو ته اړتیا نه لري، ځکه وحی ورتنه کېده؛ خو د مشورو کولو امر یې په دې خاطر ورتنه وکړ، چې محمدي امت د خپل رسول محمد ﷺ په څېر په کارونو کې مشورې وکړي.^(۲) په پورته آیت کې الله تعالى رسول الله ﷺ ته امر کړی چې له خپلو ملگرو سره مشورې وکړي، ترڅو امت یې په دغه سنت باندې عمل وکړي او په خپلو کارونو کې مشوره وکړي او کارونه یې له خیر او برکت نه ډک شي.

ب: د سورت شوری په ۳۸ آیت کې الله تعالى فرمایلي دي: ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾.^(۳)

۱- آل عمران: ۱۵۹.

۲- أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء الشافعي البغوي، (المتوفى: ۵۱۰هـ)، معالم التنزيل في تفسير القرآن تفسير البغوي، ناشر: دار إحياء التراث العربي-بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۰ هـ، عدد الأجزاء: ۵، لومړی ټوک، ۵۲۶ مخ.

۳- شوری: ۳۸.

تبیان ————— د قرآن کریم او نبوی سنتو په رڼا کې...

(او د هغو لپاره دي چې د خپل رب بلنه یې منلې. لمونځ یې درولی او خپل مینځي کارونه یې په مشوره دي. او څه چې مور وروزي کړي د الله تعالی په لار کې یې ترې مصرفوي).

د پورتنی آیت شریف په تفسیر کې امام ابوبکر جصاص رحمه الله لیکي: ذکر شوی آیت د شوری په عظمت او غوره والي دلالت کوي؛ ځکه چې شوری د ایمان او لمانځه سره یو ځای ذکر شوې ده. همدارنگه په دې دلالت کوي لکه څنگه چې مسلمانان په ایمان راوړلو او لمونځ کولو مکلف دي، همداسې په شوری کولو هم مکلف دي^(۱).

ارزښت یې په دې کې دی چې الله تعالی د مؤمنانو د فائدې په خاطر په مهمو کارونو امر کړی چې یو هم له دغه کارونو څخه شوری ده.

ج: د سورت بقرې په ۲۳۳ آیت کې په کورني ژوند کې د شوری اصل ته اشاره شوې ده: ﴿فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا﴾^(۲).

(نو که مور او پلار په خوښه د مشورې په رڼا کې پرېکړه وکړه چې کوچنی له تي څخه جلا کړي په دواړو هیڅ گناه نشته).

هو! که مور او پلار په رضا او مشورې سره د ماشوم د تي ورکولو په موده کې څه تجدید النظر وکړي چې د دوه کالو څخه یې اضافه کړي او یا یې ترې کمه کړي هم څه باک یې نشته^(۳).

له دې امر څخه دا معلومويږي چې مور او پلار د اولاد په اړه په نیکو کارونو کې مشوره کوی شي.

۱- أحمد بن علي أبو بكر الرازي الحنفي الجصاص (المتوفى: ۳۷۰هـ)، أحكام القرآن، ناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵هـ/۱۹۹۴م، ۳ ټوک، ۵۱۰ مخ.

۲- البقرة: ۲۳۳.

۳- مولوي سلطان عزيز عزيز، عزيز التفاسير د قرآن کریم پښتو ترجمه او تفسیر، ناشر: دارالکنوز العلمية، ۲ ټوک، ۱۹ مخ.

تبيان ————— د قرآن کریم او نبوي سنتو په رڼا کې...

د: د سورت النساء په ۸۳ آیت کې د مشورې او یا له مشرانو سره د ستونزو د شریکولو یادونه شوې ده: الله تعالی فرمایلي دي: ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعُوا بِهٖ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ﴾ (۱).

(او کله چې هغوی ته د ډاډ یا ډار کومه خبره راشي نو هغوی یې مشهوروي. که هغه خبره یې رسول الله ﷺ یا خپلو مشرانو ته رسولې وای نو هغو کسانو ته به معلومه شوې وه چې په دوی کې د خبرې بیخ ته رسېدای شي).
په دې آیت کې د مشورې او له مشرانو سره د ستونزو د شریکولو اصل یاد شوی دی باید له مشرانو سره په کارونو کې مشورې وشي، ځکه مشران تجربه لري. له یوې خوا به مو کارونه سم مخته ځي او له بلې خوا د مشرانو احترام او عزت ثابتېږي چې ورسره مشوره وکړو.

ه: شوری د اهمیت په اړه د سورت النمل ۳۲ آیت کې راغلي: ﴿قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُون﴾ (۲).

(ملکې وویل: ای د قوم مشرانو! په دې هکله ماته مشوره راکړئ زه له تاسې پرته هېڅ پرېکړه نه کوم هغوی ځواب ورکړ).
دا آیتونه په ټولنیزو، سیاسي او انفرادي چارو کې د شوری اهمیت څرگندوي. د شوری اصل د اسلامي نظام یوه مهمه برخه ده، چې په ټولنه کې د یووالي، عدالت او غوره پرېکړو سبب ګرځي.

۳- په نبوي سنتو کې د شوری مقام او ارزښت:

د شوری د ارزښت په اړه له رسول الله ﷺ نه زیات حدیثونه نقل شوي چې زه به ځینې حدیثونه ذکر کړم.

۱- النساء: ۸۳.

۲- النمل: ۳۲.

تبيان ————— د قرآن کریم او نبوي سنتو په رڼا کې...

شوری د رسول الله ﷺ په قولې او عملي سنتو کې ځانگړې ځای او ارزښت لري. **الف:** په دې اړه امام ترمذي رحمه الله یو روایت د ابو هریره رضي الله عنه څخه نقل کړی دی، چې په هغه کې د شوری اهمیت د رسول الله ﷺ په نزد څرگند شوی دی. «عن أبي هريرة قال ما رأيت أحدا أكثر مشورة لأصحابه من رسول الله صلى الله عليه وسلم»^(۱).

(ما داسې هیڅوک هم نه دي لیدلي چې له رسول الله ﷺ څخه یې زیات له خپلو ملگرو سره مشورې کړې وي).

دا حدیث د رسول الله ﷺ د مشورې کولو عادت او د هغه د ملگرو سره د همکارۍ او مشورې اهمیت څرگندوي. چې په دې سره نبی کریم ﷺ خپلو ملگرو ته د مشورې اصل په عملي ډول ښودلی دی.

د رسول الله ﷺ له خپلو ملگرو سره د زیاتو مشورو کولو نه هم د شوری ارزښت مور ته معلومیږي.

ب: «عن عبد الرحمن بن غنم أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: لأبي بكر وعمر لو أنكما تتفقان على أمر واحد ما عصيتكما في مشورة أبدا»^(۲).

(له عبد الرحمن بن غنم رضي الله عنه نه روایت دی چې رسول الله ﷺ ابوبکر او عمر رضي الله عنهما ته وفرمایل: که تاسو دواړه په یوه خبره سره موافق شئ، نو زه به ستاسو له مشورې هېڅکله مخالفت ونه کړم).

دا حدیث د هغه وخت د اهمیت او د ابوبکر او عمر رضي الله عنهما د مقام او حکمت په اړه یو لوی درس دی، چې هغوی د اسلامي امت په مشورو او رهبرۍ کې ځانگړې ځای درلود.

۱- محمد بن عيسى أبو عيسى السلمى الترمذى، الجامع الصحيح سنن الترمذى، ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، ۴، ۲۱۳ مخ.

۲- الإمام أحمد بن حنبل بن هلال الشيباني الزهيلي، مسند أحمد، ناشر: مؤسسة قرطبة - القاهرة، الطبعة: الثانية ۱۴۲۰ هـ، ۱۹۹۹ م، ۴، ۲۲۷ مخ.

تبيان _____ د قرآن کریم او نبوي سنتو په رڼا کې...

ج: «عن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ»^(۱).

(له ابوهريره رضي الله عنه خخه روايت دی وايي رسول الله ﷺ وويل: مشوره ورکونکی امين گڼلی شوی). اگر که په دغه حديث کې په واضحه توگه د شوری طرف ته ترغيب نه ښکاري مگر اخبار په معنی د طلب سره ده. يعنی کوم کس نه چې مشوره اخيستل کيږي بايد په خپله اراده کې امين وي.

دا هم ترې څرگنديږي چې بايد له يو امين، مخلص او ديندار شخص سره مشوره وشي چې کارونه يې د خير خواته روان او له شر نه خلاصون پيدا کړي. د: له رسول الله صلى الله عليه وسلم نه نقل شوي: «مَا خَابَ مَنْ اسْتَخَارَ، وَلَا نَدِمَ مَنْ اسْتَشَارَ»^(۲).

(هغه څوک نه نا اميده کيږي چې استخاره کوي او هغه څوک نه پښېمانه کېږي چې مشوره کوي).

هـ: له ابې هريره رضي الله عنه نه روايت دی وايي چې رسول الله ﷺ فرمايلي دي: «إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ خِيَارَكُمُ وَأَعْنِيَاؤُكُمْ سَمَحَاءُكُمْ وَأُمُورُكُمْ سُورَى بَيْنَكُمْ فَظَهَرُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِهَا»^(۳).

(کله چې ستاسو مشران ستاسې غوره خلک وي، ستاسو شتمن کسان ستاسو سخيان وي او ستاسو چارې په مشوره ترسره کېږي، نو د ځمکې پر مخ اوسېدل ستاسو لپاره د ځمکې له داخل ښه دي).

۱- محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني، سنن ابن ماجه، ناشر: دار الفكر - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ۲ ټوک، ۱۲۳۳ مخ.

۲- سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي الطبراني، أبو القاسم (المتوفى: ۳۶۰هـ)، المعجم الأوسط، ناشر: دار الحرمين - القاهرة، ۶ ټوک، ۳۶۵ مخ.

۳- سنن الترمذي: ۸ ټوک، ۲۲۱ مخ.

تبيان ————— د قرآن کریم او نبوي سنتو په رڼا کې...

و: رسول الله ﷺ به له اصحابو کرامو سره په ټولو چارو کې مشورې کولې، ځکه معاذ بن جبل رضي الله عنه وايي چې رسول الله ﷺ فرمايلي دي: (إِنِّي فِيمَا لَمْ يُوحَ إِلَيَّ كَأَحَدِكُمْ)^(۱).

(په کومو کارونو کې چې ما ته وحې نه وي شوې زه هم ستاسو په څېر يم).
ز: د بدر غزا په اړه د رسول الله ﷺ شوری له خپلو ملگرو سره: رسول الله ﷺ لا په لاره کې و چې استخباراتو ورته د قافلې او د مکې د لښکر اړوند خبر راوړ. رسول الله ﷺ ته له غور او فکر کولو وروسته دا ثابته شوه چې له جگړې پرته بله چاره نشته او اوس داسې يوه جراتمندانه، اقدام ته اړتيا ده چې د مشرکينو د لښکر غرور له خاورو سره خاورې کړي، دا و چې رسول الله ﷺ پر دې حساس او ناڅاپه رامنځته شوي حالاتو کې د شوری غونډه دايره کړه. هغه په خپله په حالاتو رڼا واچوله او له صحابه وو سره يې په دې اړه نظرونه تبادله کړل. ځينې خلک داسې هم وو چې په حالاتو له خبرېدو وروسته وېرې واخيستل، زړونه يې په ريږدو راغلل او دا هماغه کسان دي چې الله ﷻ يې په اړه فرمايلي دي: ﴿كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكُرْهُونَ ه يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ﴾^(۲).

(د غنيمتونو د وېش پرېکړه په حق ولاړه ده) لکه چې ستا رب ته په حقه له خپل کور څخه ووېستلې سره له دې چې د مؤمنانو يوه ډله نا خوښه وه. هغوی له تاسره د حق په هکله داسې جگړه کوي ته به وايي چې د هغه مرگ په لور کش کول کيږي چې په سترگو يې ويني).

^۱ - سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي الطبراني، أبو القاسم (المتوفى: ۳۶۰هـ)، المعجم الكبير، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۴ م)، ۲۰ ټوک، ۶۷ مخ.
^۲ - الأنفال: ۵ - ۶.

تبيان ————— د قرآن کریم او نبوي سنتو په رڼا کې...

خو د لښکر د قومندان دريځ بل ډول و، ابوبکر د قرآن کریم او نبوي سنتو په رڼا کې د شوری مقام او ارزښت رضی الله عنه پورته شو او ډېرې ښې خبرې يې وکړې، ورپسې عمر رضی الله عنه پاڅېده دې ته ورته خبرې يې وکړې، بيا مقداد بن عمرو رضی الله عنه وويل: يا رسول الله ﷺ! مور د سره يو هغه وکړه چې الله تعالی يې امر کړی، قسم په الله تعالی! مور به کله هم د بنو اسرائیلو په شان درته ونه وايو چې ته او ستا رب جگړې ته لار شئ او مور به دلته ناست يو، بلکې مور داسې درته وايو: قسم په الله تعالی! که امر راته وکړې چې تر «برک الغماد» پورې د سره لار شو، نو تر هغه ځايه به له تاسره اوږه په اوږه جگړې ته ادامه ورکوو. رسول الله ﷺ مننه ترې وکړه او دعا يې ورته وفرمايله^(۱).

ح: د احد غزا په اړه د رسول الله ﷺ شوری له خپلو ملگرو سره. د رسول الله ﷺ استخباراتو د مکې لښکرو د تحركاتو خبرونه وخت په وخت مدينې ته راوړل وروستی خبر يې دا و چې مشرکينو د احد ترڅنگ واړول. په دې وخت کې رسول الله ﷺ نظامي شوری راوبلله ترڅو لازمي دفاعي پرېکړې وکړي. په غونډه کې رسول الله ﷺ خپل خوب هم بيان کړ او داسې يې وفرمايل: «إني قد رأيت بقرًا ورأيت في ذباب سيفي ثلما ورأيت أني أدخلت يدي في درع حصينة»^(۲).

(قسم په الله تعالی چې ما ډېر ښه خوب ليدلی دی، خوب مې وليده چې يو غویي حلال شي، د تورې د تبغ په څوکه کې مې درز وي او لاس په يو کلکه زغره کې ورکړم). بيا يې د غویي ذبحه (حلاله) د څو تنو صحابه وو رضی الله عنهم او د تورې درز يې د خپلې کورنۍ د کوم غړي په شهادت او زغره يې په

۱- پوهاند صفی الرحمن مبارکپوري، الرحيق المختوم، سيرت النبي ﷺ، ژباړن: پوندوی مولوي جانباز سرفراز، ناشر: مکتبه فاروقيه محله جنگي پشاور، لومړي ټوک، ۳۰۰ مخ.

۲- محمد بن إسحاق بن يسار (۸۵هـ - ۱۵۱هـ)، سيرة ابن إسحاق (المبتدأ والمبعث والمغازي)، المحقق: محمد حميد الله، ناشر: معهد الدراسات والأبحاث للتعريف، ۳ ټوک، ۳۰۳ مخ.

تبيان ————— د قرآن کریم او نبوي سنتو په رڼا کې...

مدینه تعبير کړه او حاضرینو ته یې وویل: زما رایه خو دا ده چې همدلته مدینه کې پاتې شو او سنگرونه ونیسو، که مشرکان په خپل ځای کې پاتې شي نو هېڅ گټه به ونه کړي او دا به ورته له ټولو خراب ځای ثابت شي او که بیا هم مدینې ته را ننوځي نو مسلمانان به ورسره په ټولو لارو، کوڅو کې مقابله وکړي او ښځې به یې د بامونو له سرونو څخه ولي او همدا په حقیقت کې تر ټولو معقوله او گټوره رایه وه.

ځینو قدرمنو په ځانگړي ډول هغو صحابه کرامو رضي الله عنهم چې د بدر له فضیلتونو یې برخې پاتې شوي وو دا غوښتل چې مسلمانان باید له مدینې څخه د باندې د دښمن مقابله وکړي. له هغوی نه ځینو په ډېر اصرار رسول الله ﷺ ته داسې عرض وکړ: مور خو داسې ورځ له خدایه په سوال غوښتله دا دی اوس یې دلته نږدې راوستې ده، ورځو به او د مدینې نه د باندې به له دښمن سره جنگیرو ترڅو ونه وایي چې مور په شا شو. د دې صحابه وو رضي الله عنهم په سر کې د رسول الله ﷺ کا کا حمزه رضي الله عنه هم وه. ده ته د خپل ایمان قوت او د بدر په غزا کې د خپلې تورې د خړپ او شرنګ اندازه لگېدلې وه، رسول الله ﷺ ته یې وویل: قسم په هغه ذات چې کتاب یې درباندي نازل کړی دی، چې زه به تر هغې پورې څه ونه خورم ترڅو مې له مدینې نه د باندې له دښمنانو سره وسله واله مقابله نه وي کړې؛ نو رسول الله ﷺ د اکثریت په وړاندې له خپلې رایې نه تیر شو او پریکړه په دې وشوه چې له مدینې نه د باندې به د دښمن مقابله کوي^(۱).

^۱ - علي بن إبراهيم بن أحمد، أبو الفرج، نور الدين ابن برهان الدين حلي (المتوفى: ۱۰۴۴هـ)، السيرة الحلبية، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الثانية - ۱۴۲۷هـ، ۲ ټوک، ۱۴ مخ.

تبيان ————— د قرآن کریم او نبوي سنتو په رڼا کې...

په دې اړه نور هم زيات حديثونه او واقعات موجود دي مگر په همدغه ذکر شوو حديثونو او واقعاتو باندې اکتفا کوو چې دا ټول د شوری په ارزښت او اهميت دلالت کوي.

۴- د مشورې ځينې گټې:

- د اسلامي امت پوهانو او مفسرينو د رسول الله ﷺ د شوری په هکله لاندې گټې بيان کړي دي:
- ۱- اسلامي امت ته شخصيت ورکول.
 - ۲- د صحابه کرامو ازمويل.
 - ۳- خلکو ته فکري وده ورکول.
 - ۴- خلکو له تاييد څخه استفاده کول.
 - ۵- مشوره ورکونکو ته پوهه ورکول چې د نظرياتو د تبادلې په وخت خپلې تيروتنې اصلاح کړي.
 - ۶- دا چې خلکو ته څرگنده شي چې دولت يې استبدادي نه دی.
 - ۷- په ښو او بدو کې د خلکو شريکول ترڅو د ماتې په وخت کې انتقادونه ونه کړي.
 - ۸- دا چې خلک پوهه کړي د نورو څخه نظر اخستل شرم نه دی.
 - ۹- د دې لپاره چې امت تری پيروي وکړي او د امت راتلونکي رهبرانو ترمنځ شوری رواج ومومي او د اسلامي دولت يو اصل يې وگرځوی^(۱).

پايله

د شوری ارزښت په قرآن کریم او نبوي احاديثو کې په ډېر روښانه ډول څرگند شوی، چې دا د اسلامي ټولنې د همغږۍ او عدل لپاره يو مهم اصل دی. د شوری د اصل د تطبيق موخه دا ده چې پرېکړې د يو فرد د نفساني غوښتنو پر ځای د ټولنې د گډې ښېگڼې پر بنسټ وشي. قرآن کریم د شوری اصل د

^۱- مولوی محمد شريف رحمانی، اسلامي سياست پوهنه، څلورم چاپ، ۱۳۸۸ هـ ش کال، ۷۴ مخ.

تبيان ————— د قرآن کریم او نبوي سنتو په رڼا کې...

مؤمنانو د ځانگړتيا په توگه بيانوي، لکه څنگه چې د الشوری سورت په ۳۸ آيت کې ذکر دي: (او هغوی چې خپل کارونه د مشورې له لارې ترسره کوي). د رسول الله ﷺ په عمل کې د شوری تطبيق موږ ته زده کوي چې د ټولني هر غړي د نظر ورکولو حق لري او دا د غوره تصميم نيونې لپاره يوه ضروري وسيله ده. نبوي احاديث ښيي چې مشوره کول نه يوازې د پرېکړو د سمون لامل کېږي، بلکې د برکت او د الله تعالی د خوښۍ سبب هم گرځي. له دې امله ويلاى شو چې شوری په اسلام کې يوازې يو اخلاقي اصل نه دی، بلکې د ټولنيز ژوند د ښه والي او د عادلانه حکومتدارۍ لپاره يو ضروري بنياد دی. د شوری تطبيق د مسلمانانو تر منځ د يووالي، د نظرونو د درناوي او د انساني ستونزو د حل غوره لار ده.

وړاندیزونه

- د موضوع په اړه اړوندو ادارو او مسئولينو ته دغه وړاندیزونه وړاندې کېږي:
- ۱- د اميرالمؤمنين حفظه الله د رياست مقام ته وړاندیز کېږي چې د هيواد په سطحه مختلفې شوراگانې جوړې کړي ترڅو د هيواد په مختلفو ولايتونو کې د کارونو د هماهنگۍ او لا پرمختگ سبب وگرځي.
 - ۲- د رياست الوزراء مقام ته وړاندیز کېږي چې په وزارتونو او مستقل رياستونو کې مختلفو برخو کې شوراگانې جوړې کړي ترڅو هر وزارت او رياست خپل کارونه په منظم شکل ترسره کړي.
 - ۳- پوهنې وزارت او نورو تعليمي ادارو ته وړاندیز کوم چې په خپلو نصابونو کې د شوری د مقام او ارزښت په اړه عنوانونه زيات کړي ترڅو ځوان قشر مو په خپلو کارونو کې له مشرانو او ملگرو سره مشورې وکړي چې په خپل ژوند کې مثبت کارونه ترسره کړي چې د ټولني د خير سبب شي.
 - ۴- ارشاد حج او اوقافو وزارت ته مې وړاندیز دا دی چې ترڅو امامان او خطيبان وهڅوي په خپلو خطبو، وعظونو، مدرسو او مسجدونو کې د شوری د

تبيان ————— د قرآن کریم او نبوي سنتو په رڼا کې...

مقام او ارزښت په اړه معلومات عامو مؤمنانو ته واضح کړي تر څو عام مؤمنان يې له اهميت څخه خبر شي.

۵- د افغانستان علومو اکاډمي ته وړانديز کيږي چې د شوری د مقام او ارزښت په اړه مکمل کتاب وليکي او هم چاپ شي تر څو يې گټه عامه او هر چاته ورسپري، ترڅو د هرې جامعې وگړي په خپلو چارو کې مشورې وکړي او له خطاگانو څخه نجات پيدا کړي.

مأخذونه

- ۱- القرآن الكريم
- ۲- ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم الأفرقي، لسان العرب، أدب حوزة، قم- ايران، ۱۴۰۵ هـ ق.
- ۴- البغوي، محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء الشافعي، (المتوفى: ۵۱۰هـ)، معالم التنزيل في تفسير القرآن تفسير البغوي، ناشر: دار إحياء التراث العربي-بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۰ هـ.
- ۵- الترمذي، محمد بن عيسى أبو عيسى السلمي، الجامع الصحيح سنن الترمذي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۵ هـ - ۱۹۷۵ م.
- ۶- الجصاص، أحمد بن علي أبو بكر الرازي الحنفي (المتوفى: ۳۷۰هـ)، أحكام القرآن، ناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵هـ-۱۹۹۴م.
- ۷- حلي، علي بن إبراهيم بن أحمد، أبو الفرج، نور الدين ابن برهان الدين (المتوفى: ۱۰۴۴هـ)، السيرة الحلبية، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الثانية - ۱۴۲۷هـ.
- ۸- الدميجي، عبدالله بن عمر بن سليمان، الإمامة العظمي عند اهل السنة والجماعة، دار طيبة، الرياض، الطبعة الأولى، ۱۴۰۷ هـ ق - ۱۹۸۷ م.

تبيان ————— د قرآن كريم او نبوي سنتو په رڼا كې...

- ۹- رحمانی، مولوی محمد شریف، اسلامی سیاست پوهنه، خلورم چاپ، ۱۳۸۸ هـ ش کال.
- ۱۰- الزهيلي، الإمام أحمد بن حنبل بن هلال الشيباني، مسند أحمد، ناشر: مؤسسة قرطبة - القاهرة، الطبعة: الثانية ۱۴۲۰ هـ، ۱۹۹۹ م.
- ۱۱- الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير الشامي، أبو القاسم (المتوفى: ۳۶۰ هـ)، المعجم الأوسط، ناشر: دار الحرمين - القاهرة، (---).
- ۱۲- الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم (المتوفى: ۳۶۰ هـ)، المعجم الكبير، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۴ م).
- ۱۳- عزيز، مولوي سلطان عزيز، عزيز التفاسير د قرآن كريم پښتو ترجمه او تفسير، ناشر: دارالكنوز العلمية، (---).
- ۱۴- القزويني، محمد بن يزيد أبو عبدالله، سنن ابن ماجه، ناشر: دار الفكر - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، (---).
- ۱۵- مبارکپوري، پوهاند صفی الرحمن، الرحيق المختوم، سيرت النبي ﷺ، ژباړن: پوندوی مولوي جانباز سرفراز، ناشر: مكتبة فاروقيه محله جنگي پشاور.
- ۱۶- محمد بن إسحاق بن يسار (۸۵-۱۵۱ هـ)، سيرة ابن إسحاق (المبتدأ والمبعث والمغازي)، المحقق: محمد حميد الله، ناشر: معهد الدراسات والأبحاث للتعريف.

پوهندوی عبد الحق حبیبی صالحی

مشروعیت و پیشینہی تاریخی سفارت

ملخص البحث

الإسلام هو الدين الوحيد الذي يركز على العلاقات بين الأمم والبشرية. ومن بين العلاقات التي أكدتها الشريعة الإسلامية وأولتها أهمية كبيرة هي العلاقات الدبلوماسية. وذلك لأن البشر يمرون بحالات مختلفة من التنقل، السلم والحرب، والتجارة، مما يجعل وجود المبعوثين والسفراء أمراً ضرورياً؛ إذ إنه بدون السفراء والمبعوثين لا يمكن حل المشكلات بين البشر، ولا تصل الأطراف المعنية إلى حلول واضحة. فما هي العلاقة الدبلوماسية من منظور الشريعة الإسلامية؟ وما الأحكام والقوانين التي تنظمها؟ وكيف ينظر الإسلام إلى هذه العلاقة؟ يتناول هذا البحث بأسلوب تحليلي - وصفي وبالاعتماد على المصادر المكتبية دراسة نهج السفارة وأدوار السفراء، ويصل إلى أن الشريعة والنبى محمد ﷺ قد أعطوا السفراء مكانة عظيمة. فمع تأسيس الدولة الإسلامية، أقام الإسلام علاقات دبلوماسية مع العالم الخارجي، وأرسل العديد من السفراء إلى قادة الدول والأمم لتحقيق أهداف دبلوماسية. كما منحت الشريعة الإسلامية السفراء امتيازات متعددة، مثل الحصانة الشخصية، والمالية، والقضائية، والسياسية، والحقوقية. إضافة إلى ذلك، قبلت الدولة الإسلامية سفراء الدول الأخرى وكرمتهم، ووضعت أفضل القوانين والنظم للسفارة والدبلوماسية، مما أسهم في إرساء معايير راقية للدبلوماسية في تاريخ البشرية.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

الكلمات المفتاحية:

سفير، سفارة، دبلوماسية، السفارات، العلاقات الدبلوماسية.

خلاصه:

اسلام یگانه دینی است که بر روابط میان ملت‌ها و بشریت تأکید می‌کند. یکی از روابط تأکید شده و با اهمیت در چارچوب شریعت اسلامی، رابطه‌ی دیپلماتیک است. چون انسان‌ها حالات مختلف رفت و شد، صلح و جنگ و دادوستد دارند، وجود فرستاده در این میان ضروری می‌نماید؛ زیرا بدون سفیر و فرستاده مشکلات میانی بشر حل نمی‌گردد و جانبین قضایا به نتیجه‌ی مشهود نمی‌رسند. این که سفارت چیست و پیشینه تاریخی آن چیست و دین مبین اسلام به آن چه نگاهی دارد؟ این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، سفارت و پیشینه تاریخی آن را به ویژه از نگرگاه اسلامی مورد بررسی قرار داده به این نتیجه رسیده است که سفارت پیشینه تاریخی به قدامت بشر دارد و شریعت و پیامبر اسلام ﷺ نیز در دوران اسلامی به سفارت ارج گذاشته اند و با پایه‌گذاری دولت اسلامی، با دیگر جهان رابطه دیپلماسی برقرار نموده و سفیران متعددی را با اهداف دیپلماسی نزد سران دولت‌ها و ملت‌ها فرستاده‌اند.

کلیدواژه:

سفير، سفارت، مشروعیت، پیشینه تاریخی و روابط دیپلماسی.

مقدمه:

الحمد لله رب العلمين، والصلاة والسلام علي محمد رحمة للعالمين وعلي آله وصحابه ومن إتبعهم إلي يوم الدين؛ و بعد:
دین مبین اسلام و آئین شرعی آن به حیث آخرین آئین الهی، در اوج قله‌ی بستر تکامل ادیان، به عنوان دین توحیدی و آئین فطرت، از هر نگاه متکامل-

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

ترین دین و شامل‌ترین آن به‌تمامی جنبه‌ها و زوایای زندگی بشر است. از یک‌سو دین جهانی برای همه انسان‌هاست و از سوی دیگر حلقه اتصال برای جهان بشریت است.

حسن روابط با انسان‌ها یکی از آموزه‌های تأکیدی و مواصفات عالی اخلاقی اسلام است. آئین اسلام از همان آغاز دولت اسلامی در مدینه توسط پیامبر اسلام ﷺ در فکر ساختن روابط میان انسان‌ها شد. همان‌گونه که روابط افراد استوار ساخت که نمونه بارز آن پیمان اخوت میان خود مسلمانان و پیروانش بود، رابطه‌ی بین گروه‌ها و اقوام و حتی ملت‌ها و دولت‌ها را نیز برقرار ساخت که نمونه بارز آن فرستادن نامه‌ها به رؤسای دولت‌ها و قدرت‌های جهان آن روز و تبادل سفیران در میان اقوام و ملت‌ها بود.

روابط میان ملت‌ها و دولت‌ها را به گونه‌ی روابط فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دیپلماسی و... و بر اساس رحمت، مودت، عدالت، وفا به عهد، احترام متقابل، برقرار و استوار ساخت که نمونه‌ی انسانی و معیارهای اخلاقی آن در جهان نظیر ندارد. در گام نخست برتری‌جویی جنسیتی، نژادی، رنگی را مردود دانست و همه انسان‌ها را در پیشگاه خدای ذوالجلال برابر قرار داد و سپس در تعامل انسانی آنان را همسان قرار داد تا اینکه همه بشر با روابط بشری و تعاون یکدیگر توان همگانی و تبادل افکار در این جهان پهناور بر اساس تعامل نیکو و روابط حسنه، از داشته‌های یکدیگر در فضای سکون و راحت و امنیت همگانی، استفاده کنند.

در میان گونه‌های روابط مطرح در آئین اسلامی، یکی رابطه «دیپلماسی» است. رابطه‌ی دیپلماسی به معنای هدایت روابط بین افراد، گروه‌ها و ملت‌ها از جمله کلمات سیاسی مورد استفاده در عرصه مناسبات بین‌المللی است. در گفتمان دیپلماسی بین ملت‌ها و کشورها در گذشته‌های تاریخ بشر، بیشتر روی موضوعات روابط شخصی و خانوادگی پادشاهان دو کشور و رؤسای

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

ملت‌ها با یکدیگر یا مسئله جنگ و صلح مطرح می‌شد، اسلام به‌عنوان آئین شامل تمام زندگی انسان‌ها، روابط دیپلماسی را عام کرد و آن را شامل آحاد ملت‌ها قرار داد؛ برای دیپلماتان و سفیران وظایفی را مشخص کرد و برای آنان حقوق، ویژگی‌ها و امتیازاتی را قائل شد.

پرسش این است که این رابطه دیپلماسی اسلام با دیگر ملت‌ها و کشورها چگونه است؟ و از چه زمانی در میان جامعه بشری مطرح است؟ اسلام به این رابطه چه جایگاهی قایل است؟

این تحقیق درصدد پاسخ به این پرسش‌هاست، به توفیق الهی در روشنی آیات قرآنی و روایات نبوی و اجتهادات فقهاء و اندیشمندان و اندیشه‌وران اسلامی، پاسخ‌های قناعت بخش در این زمینه ارائه خواهد کرد.

مبرمیت:

ضرورت و مبرمیت موضوع سفارت از منظر شریعت اسلامی به چند دلیل کلیدی بازمی‌گردد، از جمله: حفظ امنیت و حقوق مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی، ایجاد و تقویت روابط دیپلماتیک بین کشورها با همکاری‌های اقتصادی و سیاسی و موارد دیگر. سفارت در شریعت اسلامی نه‌تنها به‌عنوان یک نهاد دیپلماتیک؛ بلکه به‌عنوان یک ابزار برای تحقق اهداف اسلامی، ترویج صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز و حمایت از حقوق مسلمانان در سطح جهانی بسیار مهم است. با توجه به این دلایل، ضرورت و مبرمیت موضوع سفارت به وضوح مشخص می‌شود؛ چراکه این نهادها نقش اساسی در حمایت از مسلمانان، ترویج فرهنگ اسلامی و ایجاد روابط مثبت بین کشورها دارند. بنابراین، نیاز مبرم دیده می‌شود که مسئله فوق از نگاه شرعی و تاریخی مورد بررسی قرار گیرد تا مشروعیت و پیشینه تاریخ با تحقیق و تدقیق به اثبات رسیده و نتایج مطلوب تحقیق را به روی خوانندگان روشن کند.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

پیشینه تحقیق:

مسئله سفارت یکی از مسائل مهم دیپلماتیک است و پیشینه در تاریخ بشر دارد. از گذشته های دور سفارت در روابط بشر بکار رفته است. پیشینه سفارت در اسلام به دوران پیامبر اکرم ﷺ و پس از آن برمی گردد. پیامبر ﷺ به سفارت ارج گذاشته سفیرانی را به کشورهای مختلف، از جمله روم و ایران، فرستاد. اکنون سفارت‌ها به عنوان نهادهایی مهم در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل تبدیل شده اند و تلاش برای برقراری روابط با کشورهای دیگر افزایش یافته است. نویسندگان در لابه لای ابحاث اجتماعی و سیاسی شان از مسئله سفارت یاد کرده اند؛ ولی به این مسئله از منظر شریعت اسلامی و جنبه‌ی تاریخی تا کنون توجه نشده است، اکنون این نوشته بر آن است که این مسئله را مورد کنکاش قرار دهد.

اهداف مقاله:

این تحقیق، با توجه به اهمیت و پیشینه‌ی سفارت، اهداف زیر در دایره نکات آتی دنبال می کند:

۱. بررسی مشروعیت سفارت از منظر شریعت اسلامی.
۲. تحلیل چگونگی سفارت‌ها در دوران قدیم، قرون وسطی و دوران معاصر.
۳. ارج گذاری اسلام به سفارت و ترویج فرهنگ سفارت‌ها و تأثیر آن بر تصویر اسلام.
۴. بررسی پیشینه تاریخی سفارت از دوران قدیم تا به امروز و تحلیل تحولات آن در زمینه‌های مختلف.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

میتود مقاله:

این تحقیق با روش کتابخانه‌ای و به صورت تحقیقی-تحلیلی، مسئله سفارت را مورد بررسی قرار داده و آن را از منظر تاریخی و شریعت اسلامی تبیین کرده است.

۵. مفهوم شناسی

۱-۱. روابط

در لغت: روابط جمع رابطه به معنای علاقه است و به هر چیزی می‌گویند که بستگی به چیز دیگری داشته باشد.
در اصطلاح: ارتباط و پیوندی که در میان دو کس به واسطه دوستی و آشنایی پیدا شود.^(۱) ارتباط رفت‌وآمد، مراوده، معاشرت و آمیزش.^(۲)
منظور ما از رابطه در این نوشته ارتباط دیپلماسی و بستگی سیاسی میان دو دولت یا دولتهاست.

۱-۲. سفارت

سفارت به معنای نیابت و رسالت و پیام‌رسانی. ریشه اصلی به معنای اصلاح است. بر مکان و جایگاه سفیر نیز سفارت اطلاق می‌شود؛ یعنی خانه‌ی که در آن سفیر اقامت می‌کند. جمع آن سفارات است.^(۳)
سفیر بر وزن فعیل به معنای فاعل است؛ یعنی پیک، پیام‌رسان، رسول، فرستاده و میانجی. جمع آن سفراء است. میانجیگری و اصلاح‌کننده میان قوم را نیز سفیر می‌گویند.^(۱)

^۱- علی احمد دهخدا، فرهنگ دهخدا، ماده: رابطه.

^۲- علی احمد دهخدا، فرهنگ دهخدا، ماده: رابطه.

^۳- اسماعیل بن حمای جوهری، الصحاح فی اللغة، ج ۲ ص ۴۴۷؛ ابرهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، ج ۱ ص ۴۳۳.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

سفارت در اصطلاح فقهی: عبارت از فرستادن یک فرد مورد اعتماد برای انجام یک کار مشخص است.^(۲)

سفیر در اصطلاح فقهی: عبارت از شخص معتمدی است که از جانب حاکم برای انجام یک کار مهم و مشخص فرستاده می‌شود.^(۳) در کل منظور از سفارت و سفیر، پیام‌رسانی از یک دولت به دولت دیگر و میانجی بودن در علایق و ارتباطات میان حکومت‌ها و انجام کارهای مهم و مشخص دولت‌هاست.

۱-۳. دیپلماسی

دیپلماسی کلمه انگلیسی (Diplomacy) است، به معنای مذاکره بین کشورها؛ و دیپلمات کسی که مشغول به کارهای دیپلماسی باشد، همانند سفیر. به عبارت دیگر دیپلماسی عبارت از فرایندی است که از طریق آن کشورها روابط بیرونی خود را توسط افراد مورد اعتماد با بهترین صورت، برقرار و انجام می‌دهند. کلمه دیپلماسی برگرفته از لفظ یونانی «دیپلوما» است، به معنای وثیقه و سندی که پیچیده می‌شود. این سند در گذشته‌ها از سوی افراد با قدرت صادر می‌شد و حامل آن دارای امتیازات خاصی می‌بود. بعدها این کلمه از یونانی به لاتینی انتقال کرد و از لاتینی به زبان‌های اروپایی مانند انگلیسی و فرانسوی و از آنجا به زبان عربی درآمد.^(۴)

کلمه دیپلماسی در فرهنگ کشورها از میانه‌ی قرن هفدهم میلادی وارد شد و در طول قرن‌های پسین با به‌کارگیری آن پیشرفته شد تا این که مدلول آن در

^۱- اسماعیل بن حمای جوهری، الصحاح فی اللغة، ج ۲ ص ۴۴۷؛ ابرهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، ج ۱ ص ۴۳۳.

^۲- نک: مجلة البحوث الفقهیة المعاصرة. شماره (۹) ۱۴۱۱ ق. ص ۱۱۶-۱۱۷.

^۳- نک: مجلة البحوث الفقهیة المعاصرة. شماره (۹) ۱۴۱۱ ق. ص ۱۱۶-۱۱۷.

^۴- منیر بعلبکی، المورد، ص ۲۷۵.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

عصر حاضر برمی‌گردد به هنر مدیریت روابط خارجی کشورها و این مفهوم رایج کنونی آن است و علاوه بر آن، استعمالات مجازی نیز دارد. برای دیپلماسی تعریف‌های زیادی شده است و متخصصین حقوق سیاسی معانی مختلفی را بیان کرده‌اند. مارتن غریفیش و تیری اوکالاها دیپلماسی را چنین تعریف می‌کنند:

«الدبلوماسية في معناها الشامل هي العملية الكاملة التي تقيم عبرها الدول علاقاتها الخارجية؛ دیپلماسی در معنای جامع آن، فرایند کاملی است که از طریق آن دولت‌ها، روابط خارجی خود را برقرار می‌کنند.»^(۱)

۱-۴. کشورهای اسلامی

امت اسلامی در مرجعیت خویش، بر قوانین اسلامی استوار است. یکی از ویژگی‌های آن این است که این آئین به‌عنوان یک دین و شریعت کامل آمده است و شامل تمام جنبه‌های زندگی و مبانی سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی آن است و از جمله چیزهایی که در قوانین اسلامی گنجانیده شده است، پایه‌ها و چارچوب‌هایی است که شکل دولت را در اسلام تعیین می‌کند و مفهوم دولت اسلامی و ارکان چپستی آن را مشخص می‌سازد. با این طرز تفکر، مفهوم کشور اسلامی را می‌توان چنین تعریف کرد: «کشور اسلامی به دولتی گفته می‌شود که قوانین اسلامی را به‌عنوان منبع و مرجع اصلی در استخراج احکام و قوانین از آن، قرار دهد و اعتقاد و دین افراد ملت آن کشور، اسلام باشد و احکام اسلامی در آن اجرا شود.»^(۲)

^۱- مارتن غریفیش و تیری اوکالاها، المفاهیم الاساسية فی العلاقات الدولية، ص ۲۰۳

^۲- علاء الدین کاسانی، بدائع الصنائع، ج ۷ ص ۱۳۰؛ علاء الدین الحسکفی، الدرالمختار، ج ۴ ص ۱۷۵؛ ابن عابدین شامی، رد المحتار، ج ۴ ص ۱۷۵.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

۱-۵. کشورهای غیر اسلامی

کشور غیر اسلامی در مقابل کشور اسلامی قرار دارد که با نفی مواصفات کشور اسلامی، آن کشور، غیر اسلامی قرار می‌گیرد؛ بنابراین کشور غیر اسلامی را می‌توان چنین تعریف کرد: «کشوری که در آن قوانین اسلامی به‌عنوان منبع و مرجع اصلی نباشد؛ افراد و اعضای آن، اعتقاد به دین اسلام نداشته باشند و احکام کفر در آن اجرا شود».^(۱)

۱. مشروعیت سفارت

مشروعیت سفارت و فرستادن سفیران از قرآن کریم و سنت نبوی ثابت است. علاوه‌براین، ضرورت جامعه انسانی و نیازمندی‌های آن نیز بر این امر دلالت دارد و از این مجرا، بر این امر اجماع شده است.

۱-۲. دلالت قرآن کریم:

در فراز آیات قرآن کریم گونه‌های متعدد سفیران بیان شده است که دلالت بر مشروعیت آن می‌کند. از جمله از زبان ملکه سبأ هنگامی که سفیری را به‌سوی حضرت سلیمان علیه‌السلام فرستاد، چنین حکایت می‌کند: «وَإِنِّي مُرْسَلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ، فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ، ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَدْلَلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ».^(۲)

(و همانا من هدیه‌ای برای آن‌ها می‌فرستم، پس می‌بینم که فرستادگان چه جواب می‌آورند. چون (فرستادگان ملکه سبأ) نزد سلیمان آمد، سلیمان گفت: آیا می‌خواهید مرا با مال یاری کنید؟! آنچه خدای متعال به من داده، بهتر

^۱- علاء الدین کاسانی، بدائع الصنائع، ج ۷ ص ۱۳۰؛ علاء الدین الحسکفی، الدرالمختار، ج ۴ ص ۱۷۵؛ ابن عابدین شامی، رد المحتار، ج ۴ ص ۱۷۵.

^۲- نمل: ۳۵-۳۷؛ احمد بن مصطفی مراغی، تفسیر المراغی، ج ۱۹ ص ۱۳۸.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

است از آنچه به شما داده است. بلکه شما به هدایای تان شادمان هستید. اکنون به‌سوی آن‌ها بازگرد، پس با لشکریانی به‌سوی آن‌ها خواهیم آمد که قدر مقابله با آن را نداشته باشند و بی‌تردید آن‌ها را از آن سرزمین با ذلت و خواری بیرون می‌کنیم.)

هنگامی یک کافر حربی متقاضی امان و پناهندگی شد، تقاضای او پذیرفته می‌شود و به او پناه داده می‌شود و از پیمان پناهندگی حفاظت می‌شود تا اینکه دوباره به محل امنش برسد. اگر یکی از کفار به‌عنوان سفارت و پیام‌رسانی وارد کشور اسلامی می‌شود، مستحق پناهندگی است. خدای متعال در این مورد می‌فرماید: ﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ ابْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ﴾^(۱)

(و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پس او را پناه بده تا سخنان خدای متعال را بشنود، سپس او را به محل امنش برسان. این بدان سبب است که آن‌ها گروهی‌اند که نمی‌دانند.)

اگر کسانی از کفار به‌عنوان قاصد و پیام‌رسان وارد کشور اسلامی گردد، این پیام‌رسانی خود امان و پناهندگی است، طوری که امروزه نمایندگان کشورها امنیت جانی و مالی دارند. فخرالدین رازی رحمه‌الله در این مورد چنین می‌نویسد: «اگر کسانی از کفار به‌عنوان پیام‌آور، وارد سرزمین اسلامی گردند، این پیام‌آوری خود امان و پناهندگی است و اگر کسانی از ایشان به خاطر گرفتن مال وارد سرزمین اسلامی شوند، مال آنان در امان است و این امان مالی، وسیله‌ای امان جان آنان نیز می‌گردد.»^(۲)

^۱- توبة: ۶.

^۲- فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۵ ص ۵۳۱.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

۲-۲. دلالت سنت نبوی: در حوزه‌ای سنت پیامبر اکرم ﷺ روایات بسیاری دلالت بر مشروعیت سفارت می‌کند، چنان‌که شخص پیامبر اکرم ﷺ نیز از سفارت و سفیران عملاً بهره برده است و سفارت و سفیران دیگران را نیز پذیرفته است. در حدیثی ابو رافع رضی الله عنه روایت می‌کند که:

«بعثتني قريش إلى رسول الله ﷺ فلما رأيت رسول الله ﷺ ألقى في قلبي الإسلام، فقلت: يا رسول الله، إني والله لا أرجع إليهم أبداً، فقال رسول الله ﷺ: «إني لا أخيس بالعهد ولا أحبس البرد، ولكن ارجع فإن كان في نفسك الذي في نفسك الآن فارجع» قال: فذهبت، ثم أتيت النبي ﷺ فأسلمت؛

مرا قريش نزد رسول الله ﷺ فرستاد؛ چون پیامبر ﷺ را دیدم، در قلب من اسلام وارد شد. گفتم: ای رسول خدا! می دوباره هیچ‌گاهی بر نمی‌گردم. آنگاه پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «من نه عهد و پیمان را تحقیر و سبک می‌پندارم و نه پیک و نامه‌بر را نگه می‌دارم؛ ولی الآن برگرد، باز اگر در قلب خود همین چیزی که الان وجود دارد، وجود داشت، برگرد. ابورافع می‌گوید: برگشتم و رفتم. بعد برگشتم و نزد پیامبر اکرم ﷺ آمدم و اسلام آوردم.»^(۱)

این حدیث مشروعیت سفارت را بیان می‌دارد، ضمن اینکه پیامبر اکرم ﷺ به سفیران و سفارت احترام خاص قائل بودند.

سنت رفتاری پیامبر اکرم ﷺ نیز بیانگر به کارگیری آن حضرت ﷺ از سفیران است. چنانکه حوادث سیرت رسول کریم ﷺ مملو از این روش رفتاری است و آن حضرت سفیران بسیاری را با نامه‌های دعوت به اسلام، محضر پادشاهان کشورهای مختلف فرستاده‌اند؛ همان‌طوری که سفیر دیگری را خدمت نجاشی پادشاه حبشه فرستاد که دو نامه را حامل بود. یک نامه، نامه دعوت

^۱- ابوداود سیستانی، سنن أبي داود، ج ۴ ص ۳۸۷ ح ۲۷۵۸؛ احمد بن حنبل شیبانی، المسند، ج ۳۹ ص ۲۸۲ ح ۲۳۸۵۷؛ ابن حبان بستی، صحیح ابن حبان، ج ۱۱ ص ۲۳۳ ح ۴۸۷۷.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

به اسلام بود و نامه دیگر در مورد ازدواج ام حبیبیه رضی الله عنهما و فرستادن یارانش که در آنجا مهاجر بودند، بود.^(۱) علاوه براین، پیام‌رسانان کفار و سفیران آن‌ها را نیز پذیرفته و استقبال نموده است. از جمله پیام‌رسان مسیلمه کذاب، سفیران قریش در صلح حدیبیه، استقبال از وفد نصاری نجران، سفیر هرقل پادشاه روم در هنگام غزوه تبوک و دیگران که هرکدام از این مسائل و وقایع در سیرت آن حضرت ﷺ مشروح و تبیین شده است.

۲-۳. دلالت عقل و نیاز اجتماعی:

عقل و نیاز اجتماعی نیز دلالت بر مشروعیت سفارت می‌کنند؛ زیرا روابط بین مسلمانان و دیگران متقاضی سفارت و سفیران است؛ چه در هنگام صلح و امن باشد و چه در حالت‌های جنگ و جدال؛ زیرا امور صلح و امن و یا امور جنگ، بدون وجود سفیران و پیام‌رسانان به‌پیش نمی‌رود و بر این امر، اجماع مسلمانان منعقدشده است. شمس الاثمه سرخسی رحمه الله در این مورد چنین می‌نگارد: « فَإِذَا أُرْسِلَ أَمِيرُ الْعَسْكَرِ رَسُولًا إِلَى أَمِيرِ حِصْنٍ فِي حَاجَةٍ لَهُ، فَذَهَبَ الرَّسُولُ وَهُوَ مُسْلِمًا؛

چون امیر لشکر، فردی را به‌عنوان پیام‌رسان به‌سوی امیر قلعه به خاطر ضرورتی که دارد بفرستد، این پیام‌رسانی که می‌رود، در امان قرار دارد.»^(۲)

ابوعبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی رحمه الله می‌نویسد: « وَلَا خِلَافَ بَيْنَ كَافَّةِ الْعُلَمَاءِ أَنَّ أَمَانَ السُّلْطَانِ جَائِزٌ، لِأَنَّهُ مُقَدَّمٌ لِلنَّظَرِ وَالْمَصْلَحَةِ، نَائِبٌ عَنِ الْجَمِيعِ فِي جَلْبِ الْمَنَافِعِ وَدَفْعِ الْمَضَارِّ؛

^۱- ابن هشام انصاری، السيرة النبوية، ج ۲ ص ۶۰۶؛ ابن سعد، الطبقات، ج ۱ ص ۲۵۸؛ ابن قییم الجوزیه، زاد المعاد، ج ۳ ص ۶۸۸.

^۲- شمس الاثمه محمد بن أحمد سرخسی، شرح السیر الکبیر، ص ۴۷۱.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

همه علماء و دانشمندان اتفاق نظر دارند که پناه دهی حاکم مسلمان جواز دارد؛ زیرا این کار به دقت و مصلحت نیاز دارد و حاکم در جلب منافع و دفع مضرت‌ها نایب همه مردم است.^(۱)

۲. پیشینه تاریخی سفارت

روابط دیپلماسی و سفارت‌ها از قدیم در میان جامعه انسانی و توده‌های مردمی رایج بوده و باگذشت روزگار مردمی، توسعه‌یافته و پیشرفته شده است. منظور از دوره‌های قدیم، دوران قبل از کشف کتابت در میان بشر تا سقوط امپراتوری رومی در سال ۴۷۶ میلادی است. قوانین برخی از این مردم از روابط یکدیگر خبر می‌دهند. چنانکه در قانون ملت‌های آسیایی و افریقایی هنگام به وجود آمدن مدنیت‌های بزرگ، روابط کشوری وجود داشته است؛ مانند کشورهای مصر، سوریه، یونان، روم، بابل، آشور، چین و هند.^(۲)

۳-۱. سفارت در دوران قدیم:

سفارت و پیام‌رسانی در هند قدیم، رایج بوده و قوانینی که به نام «مانو» شهرت دارد، در جنبه‌های جنگ و صلح به فرستادن سفیران و پیام‌رسانان باور دارد. مصر باستان نیز در فرستادن سفیران و پیام‌رسان‌ها به نزد بابلی‌ها و دیگران معروف‌اند و وثایق آنان از خلال بعضی کشفیات در سال ۱۸۸۸ میلادی به دست رسیده است. چینی‌ها نیز از قدیم در بعضی از حالات از پیام‌رسانان و فرستاده‌ها استفاده می‌کرده‌اند که این روابط دیپلماسی و رواج سفارت در میان آنان، به قرن سوم قبل از میلاد برمی‌گردد.^(۳)

^۱- محمد بن احمد انصاری قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۸ ص ۷۶.

^۲- عثمان جمعه ضمیریه، العلاقات الدولية فی الإسلام، ص ۲۴.

^۳- حامد سلطان، القانون الدولي العام، ص ۱۲۲؛ عدنان بکری، العلاقات الدبلوماسية والتقنصیة، ص ۲۰.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

سفارت در یونان باستان نیز در میان واحدهای سیاسی مستقل آن رایج بود و در میانشان سفرا و فرستادگان ردوبدل می‌شد و آنان را به نام «رسل» یاد می‌کردند که بعدها این نام تغییر کرد و آنان را به‌عنوان «دیپلمات» نامیدند. رومی‌ها نظریه دیپلماسی را از یونانی‌ها آموخته‌اند و این پدیده در میان گروه‌های مختلف روم رواج داشته است؛ اما سفیران دیگران روز خوشی در کشور آنها نداشته و به چیزهای مختلف، مانند جاسوس و غیره متهم گردیده و حبس می‌گردیدند.^(۱)

۲-۳. سفارت در قرون وسطی:

سفارت و روابط دیپلماسی در قرون وسطی، بین سال‌های ۴۷۶ میلادی هم‌زمان با سقوط امپراتوری رومی غربی و سال ۱۴۵۳ م هم‌زمان با فتح قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح، در میان توده حاکم در اروپا رایج بوده است. هرچند اروپا دارای یک واحد رهبری داخلی و خارجی نبوده است و قوی بر ضعیف حکمرانی کرده است، اما باز هم در میان کشورهای مختلف اروپایی، یک سلسله روابط درونی وجود داشته است.^(۲)

۳-۳. سفارت در دوران معاصر

روابط و دیپلماسی بین کشورها در دوران معاصر به نشت دولت‌های اروپایی و استقلال آنها و به تحولات اقتصادی و سیاسی و فکری برمی‌گردد که در نیمه‌ی قرن ۱۷ میلادی پا به عرصه وجود گذاشت.^(۳) پس از پشت سر گذراندن جنگ‌های جهانی اول و دوم بر اساس نظریه حفاظت جهان از خانمان سوزی، «سازمان ملل متحد» به وجود آمد و قانون روابط کشورها را

^۱- عبدالعزیز سرحان، مبادئ القانون الدولي العام، ص ۲۳.

^۲- حامد سلطان، القانون الدولي وقت السلم، ص ۲۶.

^۳- محمد حافظ غانم، المسؤولية الدولية، ص ۵۵-۵۷.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

مطرح و تدوین کرد. چون در این قانون، مصالح کشورهای بزرگ در نظر گرفته شده بود و کشورهای متوسط و کوچک فراموش شده بود، مورد اعتراض بسیاری از کشورها قرار گرفت.^(۱)

قانون ملل متحد در عرصه روابط بین‌الملل، هرچند جهانی شمول، متنوع و معاصر است؛ اما چون برگرفته از تمدن غربی است، مبتنی بر مصلحت‌های شخصی و انانیت و خودخواهی است.^(۲)

۳-۴. سفارت از منظر اسلامی

دین مبین اسلام حاوی دو جنبه‌ای اساسی زندگی انسان است که دیگر تمامی جوانب زندگی از آن متفرع و خارج شده و به این دو جنبه برمی‌گردند: جنبه‌ی اولی اصول اعتقادی و مبانی نظری دین است که اساس بنای آن را تشکیل می‌دهد و انسان باورمند به این دین، از همین کانال تمامی حرکات و سکنات خود را ضبط نموده اعمال و سلوک خود را توجیه می‌کند. انسان با همین مبنا، طبیعت وجود و پیدایش و هدف نهایی خود را تفسیر نموده نقش خود را در زندگی ترسیم می‌نماید. به دانش این جنبه، «دانش عقیده» یا «اصول الدین» می‌گویند.

جنبه‌ی دوم، نظامی است که از این اصول اعتقادی و مبانی نظری بیرون می‌آید و صورت واقعی زندگی بشر را تمثیل می‌کند. کیفیت عمل مکلفین و روش اعمال صحیح آنان را تبیین می‌کند. راه و رفتار و کردار او را در نظام اجتماعی، نظام خانواده، معاملات مالی و ادبی و در دیگر گوشه‌های روابط زندگی انسانی تنظیم و ترتیب می‌نماید. به این بخش احکام مربوطه که

^۱- محمد حافظ غانم، المسؤولية الدولية، ص ۵۵-۵۷؛ قانون سازمان ملل متحد، ماده: ۲۷ فقره: ۳.

^۲- نک: عبدالعزيز سرحان، العودة لممارسة القانون الدولي الأروبی المسيحي؛ محمد عزيز شكري، المدخل الى القانون الدولي، ص ۳۱-۳۲

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

مسائل فرعی یا عملی است، «دانش فقه» یا «علم الشرائع والاحکام» می‌گویند.^(۱)

این احکام عملی به دو بخش عمده‌ی عبادات و معاملات تقسیم می‌شوند و سپس معاملات به چندگونه تقسیم می‌گردد که یک نوع آن «قانون عمومی بین‌الملل» است که در آن مسائل جهاد، روابط مسلمانان با دیگران در جنگ و صلح، بحث می‌شود.^(۲)

رعایت روابط میان کشورها و قانون آن، در نصوص شرعی و در سیرت نبی کریم ﷺ و سیرت و آثار خلفای راشدین در مباحث جهاد و مغازی آن حضرت آمده است. از این جهت بسیاری از دانشمندان اسلامی بر «قانون بین‌کشورها» نام «السییر» را اطلاق کرده‌اند.^(۳)

روایات نبی کریم ﷺ به این امر دلالت می‌کند. در حدیثی به روایت انس بن مالک رضی الله عنه می‌خوانیم که آن حضرت ﷺ فرمودند: «انطلقوا باسم الله وبالله وعلى ملة رسول الله، ولا تقتلوا شيخاً فانياً ولا طفلاً ولا صغيراً ولا امرأة، ولا تغلوا، وضموا غنائمكم، وأصلحوا وأحسنوا إن الله يحب المحسنين؛

به نام خدا جل جلاله و به کمک خدا جل جلاله و بر اساس دین رسول خدا ﷺ بروید. مردان پیر، اطفال و کودکان و زنان را نکشید. خیانت نکنید و غنیمت‌هایتان را با خود بگیرید و میان خودتان را اصلاح کنید و احسان و نیکی کنید، بی‌گمان خدای متعال نیکوکاران را دوست می‌دارد.»^(۴)

^۱- علاء الدین بخاری، کشف الاسرار، ج ۱ ص ۷-۱۳؛ ابن خلدون، المقدمة، ج ۲ ص ۷۸۰، ابن عابدین شامی، رد المحتار، ج ۱ ص ۷۹.

^۲- عبد الوهاب خلاف، أصول الفقه، ص ۳-۳۳؛ محمد خضری، تاریخ التشریح الاسلامی، ص ۳۳-۳۴.

^۳- محمد علی تهنوی، کشف اصطلاحات الفنون، ج ۱ ص ۱۷۰.

^۴- ابوداود سلیمان بن اشعث سیستانی، سنن أبي داود، ج ۳ ص ۳۷ ح ۲۶۱۴.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ به اکبر بن عبدالقیس نامه‌ی نوشت که در آن نامه آمده است: «این نامه از محمد رسول الله به اکبر بن عبدالقیس است. شما با امان خدای متعال و امان پیامبر او ﷺ در امان هستید از کارهای بیهوده‌ای که در دوران پیش از اسلام انجام می‌دادید. بر پیمان‌هایی که بسته‌اید، وفا کنید. برای شما این است که: راه «میره» به روی شما بسته نمی‌شود و از یدک کشی منع نمی‌شوید و از حاصلات میوه‌هایتان به هنگام میوه‌چینی، محروم نمی‌گردید. علاء بن الحضرمی بر زمین خشکه و دریا و حاضران و دسته‌های آن و آنچه از زمین بیرون می‌آید، امانت‌دار رسول الله ﷺ هست.»^(۱)

حضرت عمر فاروق رضی الله عنه در پاسخ به نامه‌ای انس بن حلیس یکی از سران لشکر چنین نوشت: «فإن الله جل وعلا أنزل في كل شيء رخصة في بعض الحالات إلا في أمرين: العدل في السيرة والذكر، فأما الذكر فلا رخصة فيه في حالة، ولم يرض منه إلا بالكثير، وأما العدل فلا رخصة فيه في قريب ولا بعيد، ولا في شدة ولا رخاء؛

خدای متعال در هر چیزی در بعضی از حالات رخصت عنایت کرده، مگر در دو چیز: یکی عدالت در سیرت و دیگر در ذکر گفتن. اما ذکر در هیچ حالتی رخصت ندارد؛ بلکه می‌بایست به کثرت گفته شود. اما عدالت در هیچ حالتی رخصت نیست؛ بلکه می‌بایست در خویشاوند و اجنبی و در حالت سختی و عادی، رعایت شود.»^(۲)

این همه نصوص و آثار می‌رساند که اسلام در دیپلماسی داخلی و خارجی خویش مبتنی بر عدالت و رفتار نیکو با دوست و دشمن در حالات مختلف

^۱- ابن سعد محمد بغدادی، الطبقات الكبرى؛ ج ۱ ص ۲۱۶.

^۲- ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل والملوک، ج ۳ ص ۵۸۵.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

عادی و مشکلات است و رابطه‌های نیکو را در هیچ حالتی فراموش نمی‌کند. حتی در حالات جنگ نیز به عدالت و رفتار نیکو دستور می‌دهد؛ از این جهت همواره دانشمندان اسلامی قانون روابط میان ملتها و کشورها را رعایت نموده و آن را در اوقات مختلف مطرح کرده‌اند.

برای نخستین بار اصطلاح «سیر» را بر «قانون میان کشورها» امام ابوحنیفه رحمه‌الله در قرن دوم هجری مطرح نموده و در درس‌هایی که از قوانین جنگ و صلح اسلام ارائه می‌کرد، از آن سخن گفته است. این قوانین مطرح کرده‌ی او را شاگرد رشیدش امام محمد بن حسن شیبانی در کتاب «السير الكبير» و «السير الصغير» نقل و به ما رسانده است. پس از این اصطلاح در میان اندیشمندان و فقیهان در عصرهای بعدی رایج و مورد استفاده قرار گرفت. امام محمد بن حسن شیبانی در این دو کتاب عنایت فراوان به روابط دیپلماسی اسلام و کشورهای اسلامی انجام داده که مایه‌ی تمامی تحقیقات نویسندگان است.^(۱)

جرسیوس که تقریباً از ۹ قرن تا حال، پدر قانون بین‌الملل شناخته می‌شود، خوشه‌چین امام محمد بن حسن شیبانی است؛ بلکه دیگر پدران قانون‌های بین‌المللی قبل از جرسیوس مانند بیبریلو، آیالا، فیتوریا و سواریز و دیگران نیز متأثر از فرهنگ اسلامی بودند؛ مگر این تأثر را از ترس رجال دینی مسیحیت و کلیسا پنهان می‌کردند.^(۲)

نتیجه‌گیری:

از تحقیق و بررسی‌ای که در مورد مسئله مشروعیت سفارت و دیپلماسی انجام شد، به نتایج زیر می‌رسیم:

^۱ - محمد حمیدالله، دولة الاسلام والعالم، ص ۲۳-۲۴.
^۲ - محمد کامل باقوت، الشخصية الدولية، ص ۲۷۱-۲۷۳؛ عثمان ضمیریه، أصول العلاقات الدولية فی فقه الإمام الشیبانی، ج ۲ ص ۱۳۱۵.

تبیان ————— مشروعیت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

۱. سفارت و دیپلماسی از منظر شریعت اسلامی، امر مشروع بوده و بر مشروعیت آن آیات قرآن، روایات گفتاری و رفتاری پیامبر اکرم ﷺ عقل و مصلحت اجتماع اسلامی دلالت می‌کند.
۲. پیشینه سفارت و دیپلماسی به دوره‌های قبل از اسلام برمی‌گردد.
۳. دین مبین اسلام نیز به سفارت ارج گذاشته و قوانین و امتیازات ویژه‌ای برای آن قائل شده است.
۴. اسلام برای سفیران و دیپلماتان برخی وظایف مشخص از قبیل دعوت به اسلام، نمایندگی دولت اسلامی، پیک و نامه‌رسانی، معلومات و اطلاع‌رسانی را مقرر نموده است.
۵. سفیران از منظر شریعت اسلامی مصونیت جانی و مالی دارند.

مآخذ

۱. القرآن الکریم
۲. إبراهيم مصطفى و دیگران، المعجم الوسيط، تحقیق: مجمع اللغة العربية، دار الدعوة، قاهره. بی‌تا.
۳. ابن حبان، ابوحاتم، محمد بن حبان بن أحمد تمیمی بستی، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق: شعيب ارنؤوط، مؤسسة الرسالة - بیروت، چ دوم، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳ م.
۴. ابن خدون، ولی‌الدین عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، مقدمة ابن خلدون، تحقیق: عبدالله محمد الدرویش، چ اول، داريعرب، سوریه، ۱۴۲۵ هـ - ۲۰۰۴ م.
۵. ابن سعد، ابوعبدالله محمد بن سعد هاشمی بصری، الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، چ اول، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۰ هـ - ۱۹۹۰ م.

تبيان ————— مشروعيت و پیشینه‌ی تاریخی سفارت.

٦. ابن عابدين شامی، محمدأمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين دمشقي حنفي، رد المحتار على الدر المختار، دار الفكر، بيروت، چ دوم، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م.
٧. ابن قيم، شمس الدين محمد بن ابى بكر جوزى، زاد المعاد في هدي خير العباد، چ بيست وهفتم، مؤسسة الرسالة، بيروت - مكتبة المنار الإسلامية، كويت، ١٤١٥ هـ / ١٩٩٤ م.
٨. ابن هشام، عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري المعافري أبو محمد، السيرة النبوية، تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد، دار الجيل، بيروت، ١٤١١ هـ
٩. إدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، مجلة البحوث الفقهية المعاصرة. شماره (٩) سعودي، ١٤١١ ق
١٠. اصبحى، مالك بن انس بن عامر ابوعبدالله مدنى، موطأ الامام مالك، تعليق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي، بيروت، لبنان، ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٥ م.
١١. بخارى، عبدالعزيز بن احمد، علاء الدين حنفى، كشف الاسرار شرح اصول البزدوى، چ اول، مطبعة الشركة الصحافية العثمانية - دارالكتاب العربى، بيروت، ١٣٠٨ ق
١٢. بعلبكي، منير، المورد (فرهنگ انگليسى عربى). دار العلم للملايين، بيروت، ١٩٩٥ م.
١٣. بكرى، عدنان، العلاقات الدبلوماسية والقنصلية، چ اول، المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع، بيروت. ١٤٠٦ ق.
١٤. تهانوى، محمد بن على بن محمد حامد فاروقى حنفى، كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، تحقيق: على دحروج، مراجعه: رفيق العجم، تعريب و ترجمه: عبدالله خالدى و جورج زينانى، چ اول، مكتبة لبنان ناشرون، بيروت، ١٩٩٦ م.

تبيان ————— مشروعيت و پيشينه‌ی تاريخی سفارت.

١٥. جوهري، ابونصر اسماعيل بن حماد فارابی، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار، چ چهارم، دار العلم للملايين، بيروت، ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م.
١٦. حامد سلطان، القانون الدولي وقت السلم، دار النهضة، قاهره، ١٩٧٦ م.
١٧. حصكفي، علاء الدين محمد بن علي بن محمد حِصْنِي حنفي، الدرالمختار شرح تنوير الأبصار وجامع البحار، تحقيق: عبد المنعم خليل إبراهيم، چ اول، دار الكتب العلمية، ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م
١٨. خضري، محمد. تاريخ التشريع الاسلامي. تعليق: محمد حسني عبدالرحمن. چ اول، دار التوزيع والنشر الاسلاميه، قاهره، ١٤٢٧ ق
١٩. خلاف، عبد الوهاب، علم اصول الفقه، تحقيق: علي بن نايف الشحود، چ هفتم، دار الحديث، قاهره، ٢٠٠٨ م
٢٠. دهخدا، علي اكبر، فرهنگ لغت دهخدا، چ اول، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ١٣٧٧ ش.
٢١. دياربكري، حسين بن محمد بن الحسن، تاريخ الخميس في أحوال أنفس النفيس، دار صادر - بيروت، بی تا.
٢٢. رازی، فخر الدين محمد بن عمر تميمي شافعي، مفاتيح الغيب، چ سوم، دار احياء التراث العربي، بيروت، ١٤٢٠ هـ
٢٣. سرحان عبدالعزيز، مبادئ القانون الدولي العام، دار النهضة، قاهره، ١٩٨٠ م.
٢٤. سرحان، عبدالعزيز، العودة لممارسة القانون الدولي الأروبي المسيحي؛ دار النهضة، مصر. ١٤١٦ ق.
٢٥. سرخسي، شمس الأئمة ابوبكر محمد بن أحمد بن أبي سهل، شرح السير الكبير. الشركة الشرقية للإعلانات. بی جا، ١٩٧١ م

تبيان ————— مشروعيت وپيشينهى تاريخى سفارت.

٢٦. سيستانى، ابوداؤود سليمان بن أشعث الازدى، سنن أبى داؤود، تحقيق: شعيب أرنؤوط - محمّد كامل قره بللي، چ اول، دار الرسالة العالمية، بيروت، ١٤٣٠ هـ ش- ٢٠٠٩ م
٢٧. شكرى، محمد عزيز، المدخل الى القانون الدولى وقت السلم، دارالفكر، دمشق. ١٩٧٣ م.
٢٨. شيبانى، احمد بن حنبل، المسند، تحقيق: أحمد محمد شاكر، چ اول، دار الحديث، قاهره، ١٤١٦ هـ - ١٩٩٥ م.
٢٩. ضميريه، عثمان جمعه، أصول العلاقات الدولية فى فقه الإمام محمد بن الحسن الشيبانى. دار المعالى، اردن. ١٤١٩ ق.
٣٠. ضميريه، عثمان جمعه، العلاقات الدولية فى الاسلام، چ اول، كلية الدراسات العليا والبحث العلمى، جامعة الشارقة، ١٤٢٨ ق- ٢٠٠٧ م.
٣١. طبري، ابوجعفر محمد بن جرير بن يزيد الاملي، جامع البيان فى تأويل القرآن، تحقيق: أحمد محمد شاكر، چ اول، مؤسسة الرسالة، ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م.
- غانم، محمد حافظ، المسئولية الدولية: دراسة لأحكام القانون الدولى ولتطبيقاتها التى تهتم الدول العربية. جامعة الدول العربية. معهد الدراسات العربية العالمية. ١٩٦٢ م.
٣٢. قانون سازمان ملل متحد، ماده: ٢٧ فقره: ٣.
٣٣. قرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبى بكر بن فرح الأنصارى الخزرجى شمس الدين، الجامع لأحكام القرآن، تحقيق: هشام سمير البخارى، دار عالم الكتب، الرياض، المملكة العربية السعودية- ١٤٢٣ هـ / ٢٠٠٣ م.
٣٤. كاسانى، علاء الدين أبو بكر بن مسعود حنفي، بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، چ دوم، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م.

تبيان ————— مشروعيت و پيشينهى تاريخى سفارت.

- ٣٥.مارتن غريفيش و تيرى اوكالاھان، المفاهيم الاساسية فى العلاقات الدولية، مركز الخليج للابحاث، چاپ اول. دبی، الامارات العربية المتحدة، ٢٠٠٨ م.
- ٣٦.محمد حميد الله، دولة الاسلام و العالم. سلسلة الثقافة الاسلامية، قاهره، ١٣٨٢ ق.
- ٣٧.مراغى، احمد بن مصطفى، تفسير المراغى، چ اول، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابى الحلبي وأولاده، مصر، ١٣٦٥ هـ - ١٩٤٦ م
- ٣٨.ياقوت، محمد كامل، الشخصية الدولية فى القانون الدولى والشريعة، عالم الكتب، بيروت. ١٤٠٥ ق.

مفتي محمد نبي الميداني

د حنفي مذهب مزايوي

ملخص البحث

فإن المذاهب الأربعة هي المذاهب التي تلقتها الأمة بالقبول جيلاً بعد جيلٍ، وكان عليها مدار الفتوى في عامة بلاد المسلمين، لاسيما المذهب الحنفي الذي يُعدُّ من أهم المذاهب وأقدمها، التي انتشرت خبرها في الآفاق، وأقبل الناس عليها من كل حذبٍ وصوبٍ؛ تعلُّماً وتفقهماً وتعبداً لله عز وجل، إذ جعل الله لها القبول والانتشار بين خلقه، في الوقت الذي اندثرت فيه كثير من المذاهب، وماتت بموت أصحابها. فالمذهب الحنفي أحد المذاهب التي كتب الله لها البقاء والاستقرار، بل هو أوسع المذاهب انتشاراً، وأكثرها أتباعاً، وهذا الانتشار والنمو يرجع بعد فضل الله ومنه إلى أسباب ومزايا التي أعطاه الله لهذا المذهب ولأصحابه، وفي هذا البحث حققنا الأسباب التي خصها الله تعالى لهذا المذهب، وذكرنا فيه المزايا التي أعطاه الله لهذا المذهب الشريف.

لنډيز

څلور مذهبونه له پېړيو پېړيو امت منلي دي او د مسلمانانو په عامو ښارونو كې د فتوى مدار گرځېدلي، په ځانگړې توگه حنفي مذهب بيا تر ټولو مخكيني او مهم مذهب دى چې خبر يې د نړۍ كونجونو ته رسېدلى او خلك د زده كړې، فقاھت او عبادت په موخه له هرې لورې او زورې پرې را مات شوي دي، ځكه چې الله جل جلاله قبوليت وركړى او په خلكو كې يې خپور كړى دى په

تبيان _____ د حنفي مذهب مزاي اوې.

داسې حال کې چې ډېر نور مذهبونه د مذهب خاوندانو په مړينې سره مړه شوي دي. حنفي مذهب يو له هغو مذهبونو څخه دی چې الله سبحانه و تعالی پايښت او ثبات ورکړی دی، بلکې د نورو مذاهبو په نسبت ډېر وسيع، په نړۍ کې خپور او ډېر پيروان لري؛ حنفي مذهب او حنفي مذهب علم اوو ته الله جل جلاله ډېرې ځانگړتياوې او مزاي اوې ورکړي دي چې په همدې مقاله کې خپرل شوي دي.

پيليزه:

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله وأصحابه أجمعين، وبعد:

په اهل السنه والجماعت کې څلور مشهور فقهي مذهبونه دي؛ د امام ابوحنيفه رحمه الله تعالى مذهب، د امام مالک رحمه الله مذهب، د امام شافعي رحمه الله مذهب او د امام أحمد بن حنبل رحمه الله مذهب، چې دا ټولو ته اهل السنه والجماعة ويل کېږي، البته په دې ټولو کې غوره، قوي او له احتياط نه ډک مذهب د امام ابوحنيفه رحمه الله تعالى مذهب دی. حنفي مذهب چې مور يې پيروان يو د نورو مذاهبو په منځ کې ډېرې ځانگړتياوې او خصوصيتونه لري چې په نورو مذاهبو کې نه ليدل کېږي؛ د هر مذهب جامعيت او فوقيت د هغه مذهب له مؤسس/ بنسټگر څخه ښه معلومېږي، حنفي مذهب ځکه هم په نورو مذاهبو برترت لري چې د دې مذهب مؤسس/ بنسټگر ستر او جليل القدر تابعي دی او د کوم مذهب امام چې تابعي وي نو هرو مرو به هغه مذهب له هر لوري غني، جامع او فوقيت لري، ځکه رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمايلي دي: غوره زمانه زما زمانه ده، بيا هغه چې دوی ته نږدې ده او بيا هغه چې هغوی ته نږدې ده^(۱).

(۱) صحيح مسلم، د حديث شمېره: ۲۱۰.

تبيان _____ د حنفي مذهب مزاي اوې.

خپرونکي وايي چې د نړۍ په مسلمانانو کې ۶۰٪ شپېته سلنه خلک د حنفي مذهب پيروان او منونکي دي، پاتې څلورېنځت سلنه خلک په نورو درې وارو مذهبونو باندې وپشل شوي دي. په شام کې په اکثره ښارونو کې خلک د حنفي مذهب پيروان دي او په عراق کې هم حنفي مذهب خپور، همداراز په ماوراء النهر کې پرته له حنفي مذهب څخه بل مذهب چا نه پېژانده او په ارمينيا، اذربيجان، او چين پورې خلک د حنفي مذهب پيروان و، په جنوبي اسيا هند، بنگلديش، اوسني پاکستان خلک د حنفي مذهب منونکي دي، په ترکيه، البانيا، بوسنه او هرسک، کوسوف، ترکستان، افغانستان، قفقاز او برازيل کې هم حنفي مذهب خپور دی، چې په حنفي مذهب باندې د زياتو خلکو عقیده او باور د حنفي مذهب د جامعيت او فوقيت ستر دليل دی.

دا چې په ذکر شويو او ځيني نورو هېوادونو کې تر ډېره بريده خلک د امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله تعالى عليه پر مذهب دي، بايد ټول په خپل مذهب ټينگ و اوسي، کلکه پيروي يې وکړي او په همدې مذهب فيصلې او فتواوې ورکړل شي، همدا حنفي مذهب زموږ لپاره بسنه کوي، البته نورو دريو مذاهبو ته به هم په احترام قائل وي، په دې ليکنه کې په همدې موضوع بحث او خپرنه شوې، ترڅو د يوې علاقې او يوه هېواد مسلمانان يوازې د يوه مذهب پيروي وکړي، نور مذاهب بد ونه گڼي، تعصب ونه کړي او يو بل ته په احترام باندې قائل شي.

اساسي ټکي:

امام اعظم، ابوحنيفه، مذهب، مزاي اوې او ځانگړتياوې.

د خپرنې ارزښت:

دا چې له يوې خوا مور د حنفي مذهب پيروان يو او له بلې خوا د دې مذهب د ارزښت په اړه ډېر معلومات نه لرو، بناءً نن سبا په هر چا باندې لازم دی چې په دې اړه د عامه پوهاوي لپاره خپرنې وکړي او ويناوال يې د خلکو غوږونو ته

تبيان _____ د حنفي مذهب مزاي اوې.

ورسوي، دا موضوع ځکه هم ارزښتناکه ده چې نن سبا اسلامي نظام حاکم دی او د حنفي مذهب رشد، ترقي، حقانيت او تنفيذ ډېر آسانه دی.

د څېړنې لامل:

دا چې له يوې خوا شل کاله (د اشغال دوران) په افغانستان کې پر خلکو دا پابندي نه وه چې يوازې د خپل مذهب پيروي وکړي، له بلې خوا بې مذهب او د مذهب لا ووالي خلکو ته هم ښه فرصت برابر شوی و چې خلکو ته د مذهب په اړه شکوک پيدا کړي او د مسلمانانو منځ کې يې اختلافاتو او پر هغوی د شرک ټاپې لگولو ته وهڅوي.

د څېړنې اهداف

۱. د حنفي مذهب د مزايوو/ ځانگړتياوو په اړه عامه پوهاوی؛
۲. د حنفي مذهب په نورو مذاهبو د ارجحيت او فوقيت دلائل څرگندول؛
۳. عامو خلکو ته د حنفي مذهب پيروي او په همدې مذهب کلک درېدلو لارښوونې.

اصلي پوښتنه:

آيا حنفي مذهب په نورو مذاهبو فوقيت او ارجحيت لري؟

فرعي پوښتنه:

د حنفي مذهب ځانگړتياوې کومې دي؟

د څېړنې منهج او تگلاره:

طبعي خبره ده چې دا بحث د تحليلي او توصيفي تگلارو پر مټ تر سره شوی دی چې په ترڅ کې يې کتابونو، کتابتونونو او د معلوماتو نورو منابعو ته مراجعه شوې، په ځانگړي توگه د دې موضوع اړوند ورستيو څېړنو او مقالو ته زياته پاملرنه شوې.

تبيان _____ د حنفي مذهب مزياوې.

د حنفي مذهب مزياوې: په اهل السنه والجماعت کې څلور مشهور مذاهب دي چې ټول په حقه دي، البته حنفي مذهب د نورو پرتله فوقيت، ارجحيت او غوره والی لري، د حنفي مذهب په غوره والي هېڅوک هم سترگې نه شي پټولی، دا چې ياد مذهب څه مزياوې لري؟ او د کومو دلائلو پر بنسټ غوره دی؟ دا ټول په راتلونکو پراگړاپونو کې په لاندې ډول بيانوو:

لومړی: د حنفي مذهب بنسټگر امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله جليل القدر تابعي و: د هر مذهب جامعيت او فوقيت د هغه مذهب له مؤسس/ بنسټگر څخه ښه معلومېږي، حنفي مذهب ځکه هم په نورو مذاهبو برترت لري چې د دې مذهب مؤسس/ بنسټگر ستر تابعي دی، په داسې حال کې چې د نورو مذاهبو امامان تابعيين نه دي او د کوم مذهب امام چې تابعي وي نو هرو مرو به هغه مذهب له هر لوري غني، جامع او فوقيت لري.

د حنفي مذهب مؤسس/ بنسټگر (امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله تعالى تابعي و او په دې وخت کې شپږ صحابه کرام ژوندي و چې د امام صيب رحمه الله ملاقات ورسره شوی و، ځينې معتبر تاريخ ليکونکي بيا ليکي چې پر دې مهال اوه صحابه کرام ژوندي و چې په هغو کې انس رضي الله عنه هم و چې امام صيب له هغه څخه روايت هم لري. د امام اعظم رحمه الله په وخت کې دغه صحابه کرام ژوندي و: انس بن مالک، عبدالله بن انس، عبدالله بن حارث بن جزء الزبيدي، عبدالله بن أبي أوفى، جابر بن عبدالله الأنصاري، واثلة بن الأسقع، عائشة بنت عجرد رضي الله عنهم اجمعين^(۱).

امام صميري، حافظ ابن مزي او حافظ ابن كثير رحمهم الله ليکي چې امام ابوحنيفه رحمه الله تعالى په شپاړس کلنۍ کې په (۹۶) هجري کال کې حضرت انس بن مالک رضي الله عنه ليدلی دی او امام صميري وايي چې امام

(۱) مغاني الأختيار في شرح أسامي رجال معاني الآثار للعيني (۳/ ۱۲۲).

تبيان _____ د حنفي مذهب مزاي اوې.

صيب رحمه الله تعالى د حضرت انس رضي الله عنه خخه دا دوه حديثونه نقل كړي دي: فسمعتَه يقول سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: من تفقه في دين الله كفاه الله همه ورزقه من حيث لا يحتسب^(١). په بل روايت كې امام صميري رحمه الله ليكي: عن بشر بن الوليد عن أبي يوسف عن أبي حنيفة قال: سمعتُ أنس بن مالك رضي الله عنه يقول: سمعتُ النبي الله صلى الله عليه وسلم يقول: **الدال على الخير كفاعله والله يحب إغاثة اللهفان**^(٢).

دوهم: حنفي مذهب په حقيقت كې د صحابه كرامو د فقهي او فتاواو ترتيب او تدوين دى:

د حنفي مذهب د مؤسس امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله استادان اكثره هغه خوك و چې فقه يې د حضرت عمر رضي الله عنه، علي بن أبي طالب رضي الله عنه، عبدالله بن مسعود رضي الله عنه، عبدالله بن عباس رضي الله عنهما او زيد بن ثابت رضي الله عنه خخه زده كړي و لكه نافع مولى ابن عمر، زيد بن علي بن الحسن، زيد بن أسلم مولى عمر بن الخطاب، جعفر بن محمد الصادق، محمد بن المنكدر، هشام بن عروة، ابراهيم نخعي، طاووس بن كيسان، عامر الشعبي، عبدالله بن دينار، عطاء بن أبي رباح، عطاء بن أبي السائب، عكرمة مولى ابن عباس، علقمة بن مرثد، عمرو بن دينار، عون بن عبدالله بن عقبة بن مسعود، عبدالله بن الحسن ابن الحسين بن علي بن أبي، عبدالله بن أبي نجيح، عبدالله بن نافع مولى ابن عمر، عبدالله بن حميد بن عبيد الأنصاري، عبدالله بن سعيد المقبري رحمهم الله تعالى او د صحابه كرامو فقه او فتاواگانې د دوى له لارې امام ابوحنيفه رحمه الله او نورو شاگردانو زده كړي دي چې د دغو اكابرو تابعينو خخه اخذ د نورو مذهبونو

(١) المرجع السابق.

(٢) أخبار أبي حنيفة وأصحابه للشمسيري الشافعي ص: ١٧-١٨.

تبیان _____ د حنفي مذهب مزایاوي.

امامانو په برخه شوی نه دی، مگر یوازې د ځینو څخه د امام مالک رحمه الله اخذ کړی دی او دا د دې خبرې لپاره قطعي دلیل دی چې حنفي مذهب په حقیقت کې د کتاب الله او د رسول الله صلی الله علیه وسلم د احادیثو څخه وروسته د مجتهدو صحابه کرامو د فقهې او فتاواگانو څخه ترتیب شوی دی. د دې څخه په ښکاره ډول معلومیږي چې د غه صحابه کرام د نورو صحابه کرامو په نسبت زیات فقیه، د علم، اجتهاد او پوهې څښتنان و، ځکه په صحابه کرامو کې هم فقهه او غیر فقهه موجود و، نو حنفي مذهب هغه مذهب دی چې د دې مذهب مسائل د فقهو صحابه کرامو پر فقهه بناء دي. امام مسروق رحمه الله تعالی چې د صحابه کرامو شاگرد و وایي: **عن مسروق قال: شاممت أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم فوجدت علمهم انتهى إلى ستة: إلى عمر، وعلي، وعبدالله، ومعاذ، وأبي الدرداء، وزيد بن ثابت فشاممت هؤلاء الستة فوجدت علمهم انتهى إلى علي وعبدالله^(۱).** (امام مسروق رحمه الله تعالی وایي: ما معلومات وکړل د رسول الله صلی الله علیه وسلم په صحابه کرامو کې؛ نو دا خبره مې پیدا کړه چې د ټولو صحابه کرامو علم او پوهه په شپږو کسانو کې را جمع شوې ده: په عمر، علي، عبد الله، ومعاذ، وأبي الدرداء، وزيد بن ثابت رضي الله عنهم کې، بیا مې د دې شپږو کسانو په اړه معلومات وکړ؛ نو دا خبره مې وموندله چې د دې شپږو کسانو علم او پوهه علي او عبدالله بن مسعود رضي الله عنهما ته را جمع شوې ده). د دې مطلب دا دی چې حنفي مذهب په جامعیت او فوقیت کې ساری نه لري؛ ځکه چې دا مذهب د هغه چا په فتواگانو او فقهه بناء دی چې د رسول الله صلی الله علیه وسلم د اصحابو علم هغوی را جمع کړی و او پر هغوی ختم شوی و.

(۱) طبقات الكبرى لابن سعد (۲/۲۶۷)، ط: دارالکتب العلمیة، بیروت لبنان.

تبیان _____ د حنفي مذهب مزایاوي.

ابوبکر خطیب بغدادی په خپل تاریخ کې ذکر کړې دي: قال أبوحنيفة رحمه الله: دخلتُ على علي بن جعفر أمير المؤمنين فقال لي: يا أباحنيفة عمن أخذت العلم؟ قال قلت: عن حماد عن إبراهيم عن عمر بن الخطاب وعلي بن أبي طالب و عبدالله بن مسعود وعبدالله بن عباس، قال: فقال أبو جعفر: بخ بخ استوثقت ما شئت يا أباحنيفة الطيبين الطاهرين المباركين صلوات الله عليهم^(١).

(امام ابوحنيفة رحمه الله تعالى وايي زه يو ځل اميرالمؤمنين ابوجعفر المنصور ته ورغلمو هغه راته وويل: اي ابوحنيفه! له چا څخه دې علم زده کړی دی؟ ما ورته وويل: له حماد څخه هغه له ابراهيم نخعي څخه هغه له عمر بن الخطاب او علي بن أبي طالب او عبدالله بن مسعود او عبدالله بن عباس رضي الله عنهم څخه زده کړی دی، ابوجعفر وويل: بخ بخ (واه واه) محکم کړی دې دی علم څومره چې دې خوښه شوې ده اي ابوحنيفه د سپېڅلو، پاکو او مبارکو خلکو څخه د الله تعالى درود دې وي پر هغوی).

له همدې امله فقهاء کرام د حنفي مذهب د جامعيت او فوقيت په اړه وايي: قال خلف بن أيوب: صار العلم من الله تعالى إلى محمد صلى الله عليه وسلم ثم صار إلى أصحابه، ثم صار إلى التابعين، ثم صار إلى أبي حنيفة وأصحابه، فمن شاء فليرض و من شاء فليسخط^(٢).

(خلف بن أيوب رحمه الله وايي: علم د الله تعالى له لوري حضرت محمد صلى الله عليه وسلم ته نقل شوی دی، بیا د هغه أصحاب کرامو ته ورکړل شوی دی، بیا تابعينو ته ورکړل شوی دی بیا امام ابوحنيفه رحمه الله تعالى او د هغه

(١) تاريخ بغداد (١٣/٣٣٤)، ط: دارالكتب العلمية، بيروت لبنان.

(٢) تاريخ بغداد (١٣/٣٣٦)، ط: دارالكتب العلمية، بيروت لبنان.

تبیان _____ د حنفي مذهب مزایاوي.

ملگرو ته ورکړل شوی دی، نو که د چا خوبنه وي خوشحاله دې شي او د چا خوبنه وي خپه دې شي).

درېيم: حنفي مذهب يو مشورتي مذهب دی:

حنفي مذهب د نورو مذاهبو په نسبت جامعيت او فوقيت لري؛ دا ځکه چې د دې مذهب مسائل د مجتهدينو له خوا په شورايي او مباحثوي شکل ترتيب او تدوين شوي دي چې د دې مذهب په جامعيت او فوقيت باندې دلالت کوي. د صحابه کرامو څخه را وروسته هغه مذهب چې فقهي مسائل يې د لومړي ځل لپاره د ابوبو او کتابونو په شکل کې تدوين شول هغه حنفي مذهب دی او دا خصوصيت او فوقيت يوازې حنفي مذهب ته حاصل دی. د کوفي بنار چې حضرت عمر رضي الله عنه آباد کړی و، په کوفه کې ډېر زيات صحابه کرام او تابعين فقهاء کرام اوسېدل لکه امام علقمه بن قيس نخعي، امام ابراهيم بن يزيد نخعي، امام اسود بن يزيد نخعي، امام مسروق بن الأجدع چې دغو ټولو د صحابه کرامو څخه احاديث او فقه روايت کړي دي او د دې څخه علاوه په کوفه کې زيات د علم قرائت امامان موجود و، د عربي لغت امامان موجود و، د نحوې، صرفو، بلاغت امامان موجود و، مؤرخين موجود و، بر سیره پر شرعي علومو د فلسفې او ساينسي علومو او د علم الجدل پوهان موجود و، د دې څخه علاوه په کوفه کې د نورو اديانو پيروان موجود و، امام ابن سيرين رحمه الله فرمايي: کوفي بنار ته راغلم او په کوفه کې مې څلور زره خلک وليدل چې ټولو د احاديثو زده کړه کوله تر څلور سوه پکې داسې علماوو شتون درلود چې فقهاء کرام و، ځينو مؤرخينو ليکلي دي چې په کوفه کې درې سوه صحابه کرام موجود و.

په داسې بنار کې چې د مختلفو فقهاء کرامو او علماوو مرکز و، په داسې بنار کې چې د امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله تعالى د فقهي او اجتهاد مدرسه

تبيان _____ د حنفي مذهب مزاي اوې.

موجوده وه او په دغه مدرسه کې د ده شاگردان هم موجود و او د امام صيب له شاگردانو علاوه نور رسېدلي مجتهدين هم د ده علمي حلقې ته ورتلل او د ده نظرياتو او اجتهاداتو ته به يې غور کېښوده او کله ناکله به يې ورسره مباحثه هم کوله.

خلورم: حنفي مذهب د يوه فرد توليد نه بلکې د قوي او سترې تحقيقاتي کمېټې له لوري رامنځته شوی:

امام ابوحنيفه رحمه الله تعالى تر ټولو لومړی شخص و چې د علماوو څلورېښت کسيزه تحقيقاتي کمېټه يې جوړه کړه ترڅو په يوه مسئله کې علماء ښه تحقيق وکړي، لومړی به يې يوه مسئله يادې کمېټې ته وړاندې کړه او بيا به يې د هغوی نظرونه اورېدل، کله به چې په ياده مسئله کې اتفاق ته سره ورسېدل بيا به يې بله مسئله ورته وړاندې کړه. امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله د حنفي مذهب د فقهيې د تدوين لپاره څلورېښت کسيزه کمېټه او فقهيې مجمع تاسيس کړه چې پر مفسرينو، محدثينو، لغويينو او مؤرخينو مشتمله وه؛ ترڅو فقهيې مسائل، موضوعات او احکام په کې له هر پلوه وڅېړي او له مناقشې او مباحثې څخه وروسته د مسئلې نهايي شکل او حکم تدوين کړي، چې له دې څخه د حنفي مذهب جامعيت او فوقيت پر نورو مذاهبو معلومېږي، ځکه چې نور مذاهب يوازې د هغه مذهب د امام نظريات او اجتهادات دي چې ورباندې د فقهاوو، مفسرينو، لغويينو او اصوليينو بحث نه دی کړی او يوازې د يو امام نظريه ده^(۱).

په دې فقهيې مجمع کې د امام ابويوسف رحمه الله چې په احاديثو او مغازيو کې امام و، امام محمد بن الحسن الشيباني رحمه الله تعالى چې په لغت کې

(۱) المدخل إلى دراسة المذاهب الفقهية، علي جمعة محمد عبدالوهاب ص: ۹۰.

تبيان _____ د حنفي مذهب مزاي اوې.

ستر امام و او امام زفر رحمه الله تعالى چې په قياس کې ماهر و په شان فقهاوو د دغې کمېټې عضويت درلود، چې هر يو مستقل فقيه او امام و، او امام اعظم ابوحنيفة رحمه الله تعالى هغه څوک و چې د اسلام په تاريخ کې د لومړي ځل لپاره يې د فقهې د څېړنې، تحقيق، تدقيق او تدوين لپاره د وخت برجسته علماوو او فقهاوو څخه څلورېشت کسيزه علمي او فقهې کميسون جوړ کړ او خپله يې د هغې فقهې کمېټې مشري کوله.

د يادې کمېټې په اړه امام ابويوسف رحمه الله تعالى داسې وايي: **كان أبوحنيفة: إذا وردت عليه المسألة قال: ما عندكم فيها من الآثار، فإذا رويها الآثار، وذكرنا، وذكر هو ما عنده نظر فإن كانت الآثار في أحد القولين أكثر أخذ بالأكثر، فإذا تقاربت وتكفأت نظر فاختار**^(۱).

(امام ابوحنيفة رحمه الله ته به چې کومه مسئله راوړل شوه نو هغه به وويل: هغه احاديث چې تاسو سره دي په دې برخه کې هغه راوړئ نو کله به چې موږ آثار ذکر کړل او هغه به هم هغه څه ذکر کړل چې له هغه سره به و، نو بيا به يې وکتل چې په دواړو اقوالو کې به چې آثار زيات وو په هغو زياتو آثارو به يې عمل کاوه، کله به چې دغه آثار سره نږدې و او يا به برابر و بيا به يې فکر پکې کاوه او له دې وروسته به يې غوره کاوه).

امام اشد بن فرات رحمه الله تعالى وايي: **كان أصحاب أبي حنيفة الذين دونوا الكتب أربعين رجلا وكان في العشرة المتقدمين أبو يوسف وزفر وداود الطائي وأسد بن عمرو، ويوسف بن خالد السمطي ويحيى بن زكريا بن أبي زائد وهو الذي كان يكتبها لهم ثلاثين سنة**^(۲).

(۱) المدخل إلى دراسة المذاهب الفقهية، علي جمعة محمد عبدالوهاب ص: ۹۰.

(۲) الجواهر المضيئة في طبقات الحنفية (۱/ ۱۴۰).

تبيان _____ د حنفي مذهب مزايایوې.

د امام ابوحنيفة رحمه الله تعالى ملگرو هغو کسانو چې د فقهي کتابونه يې تدوين کړل څلورېښت کسان و، چې په هغو لسو مخکښو کې ابويوسف رحمه الله، زفر، داود طائي، أسد بن عمرو، يوسف بن خالد السمطي، يحيى بن زكريا بن أبي زائد شامل و، يحيى بن زائد هغه کس و چې د احنافو لپاره به يې تر دېرشو کلونو پورې ليکل کول، امام عيني رحمه الله تعالى ورباندې درې کسان ورزيات کړي دي: عافية القاضي، مندل بن علي، حبان بن علي^(۱).

ابن عابدين شامي رحمه الله ليکي چې له امام ابوحنيفة رحمه الله سره پوره يو زر علماء و چې څلورېښت يې د اجتهاد درجې ته رسېدلي و، کله به چې کومه مسئله پېښه شوه امام ابوحنيفة رحمه الله به دوی ته وړاندې کړه څو هغوی خپل تحقيق پکې وکړي، امام صېب به مناظره او مناقشه ورسره کوله، تر دې چې کله نا کله به يوې مسئلې مياشتې ونيولي، عبارت په لاندې ډول دی:

ونقل عن مسند الخوارزمي أن الإمام اجتمع معه ألف من أصحابه أجلهم وأفضلهم أربعون قد بلغوا حد الاجتهاد، فقربهم وأدناهم وقال لهم: إنى ألجمت هذا الفقه وأسرجته لكم فأعينوني، فإن الناس قد جعلوني جسرا على النار، فإن المنتهى لغيري، واللعب على ظهري، فكان إذا وقعت واقعة شاوهم وناظرهم وحاوهم وسألهم فيسمع ما عندهم من الأخبار والآثار ويقول ما عنده ويناظرهم شهرا أو أكثر حتى يستقر آخر الأقوال فيثبته أبو يوسف^(۲).

د امام ابوحنيفة رحمه الله تعالى دا کړنه د دې خبرې دليل دی چې حنفي مذهب لره په نورو مذهبونو باندې جامعيت او فوقيت حاصل دی؛ ځکه چې د تدوين لپاره يې قوي کمېټه جوړه کړه او د نورو مذاهبو په شان يوازې امام

(۱) مغاني الأختيار (۳/۲۰۶).

(۲) الدر المختار وحاشية ابن عابدين (رد المحتار) (۱/۶۷).

تبيان _____ د حنفي مذهب مزاي او يې.

ابوحنيفه رحمه الله تعالى نه دی تدوين کړی بلکې د دې مذهب اساس په مشوره، مباحثه او مناقشه بناء دی او امام ابوحنيفه رحمه الله تعالى به د خپلو اصحابو او مجتهدينو سره په يوه يوه مسئله باندې مشوره کوله او د هغوی دلائل به يې اوربدل او په هغې به يې فکر کاوه او خپل دلائل به يې هم هغوی ته ويل تر څو حق ته ورسېږي، له زياتو اقوالو څخه به يې يو غوره کړ او هغه به په کتاب کې وليکل شو.

ځينې علماء ليکي چې امام ابوحنيفه رحمه الله تعالى په فقه کې شپېته زره مسائل وضع کړي دي او په بل روايت کې راځي چې درې سوه زره مسائل يې وضع کړي دي او ځينې نور يې بيا تر دولس لکه پورې نيسي^(۱).

پنځم: د حنفي مذهب جامعيت او فوقيت د دې مذهب تقديري فقه ده:
دا څرگنده خبره ده چې د ټولو واقع کېدونکو مسائلو، جزئياتو او نوازلو ذکر صراحة په قرآن کریم او نبوي احاديثو کې نشته؛ بلکې د واقع کېدونکو مسائلو او نوازلو حکم فقهاء کرام د کتاب الله، د رسول الله صلی الله عليه وسلم له احاديثو او د صحابه کرامو له اقوالو څخه استنباطوي. حنفي مذهب له دې امله هم د نورو مذاهبو په نسبت جامعيت او فوقيت لري چې تقديري فقه پکې شتون لري او نور مذاهب دا ځانگړتيا نه لري، تقديري او فرضي فقه دې ته ويل کېږي چې د هغو مسائلو او نوازلو لپاره مخکې له مخکې حکم بيان شي چې لا تر اوسه پورې واقع شوي نه وي او کله چې واقع شي ځواب لا د مخه په کتابونو کې موجود وي^(۲).

په حنفي مذهب کې د تقديري او فرضي فقهي شتون د دې مذهب له ځانگړتياوو څخه ده او همدا وجه ده چې فقهي کتابونو کې د هرې مسئلې

(۱) الفكر السامي في تاريخ الفقه الإسلامي (۱/۴۱۹).

(۲) فقه النوازل للأقليات المسلمة (۱/۴۷).

تبیان _____ د حنفي مذهب مزایاوي.

مسبق ځواب شته او فقهاء کرامو په دې امت باندې شفقت کړی دی، دا زیار یې وېستلی دی او د واقع کېدونکو مسئلو حل یې کړی دی چې دا کار د حنفي فقهي په وسعت او جامعیت باندې دلالت کوي. د تقدیري فقهي د گټو او فائدو په اړه یوځل امام ابوحنيفه رحمه الله تعالی د امام قتاده رحمه الله څخه پوښتنه وکړه: **قال قتادة: والله الذي لا إله إلا هو، ما يسألني اليوم أحد عن الحلال والحرام إلا أجبتة، فقام إليه أبوحنيفة فقال: يا أبا الخطاب! ما تقول في رجل غاب عن أهله أعواماً، فظنت امرأته أن زوجها مات، فتزوجت ثم رجع زوجها الأول، ما تقول في صداقها؟ فقال قتادة: ويحك أوقعت هذه المسألة؟ قال: لا، قال: فلم تسألني عما لم يقع؟ فقال أبوحنيفة: إنا نستعد للبلاء قبل نزوله، فإذا ما وقع عرفنا الدخول فيه والخروج منه^(۱).**

(امام قتاده رحمه الله تعالی وویل: قسم په هغه ذات چې له هغه پرته بل الله نشته، نن ورځ به له ما څخه یو کس د حلالو او حرامو په باره کې پوښتنه ونکړي مگر دا چې زه به یې ځواب ورکړم، امام ابوحنيفه رحمه الله تعالی ورپورته شو او ورته یې وویل: ای ابوخطابه! ته څه وايې په باره د هغه سړي کې چې د خپلې ښځې څخه څو کاله غائب شو، نو ښځې یې گمان وکړ چې خاوند یې مړ شوی دی نو له بل سړي سره یې نکاح وکړه، بیا یې خپل پخوانی خاوند راغی، ته د غې ښځې د مهر په باره کې څه وايې؟ امام قتاده رحمه الله په ځواب کې وویل: هلاک شي آیا دا مسئله واقع شوې ده؟ امام ابوحنيفه رحمه الله تعالی وویل: نه، قتاده رحمه الله وفرمايل: نو ته له ماڅخه د داسې مسئلې په باره کې ولې پوښتنه کوي چې تر اوسه لا نه ده واقع شوې؟ امام ابوحنيفه رحمه الله تعالی ورته وفرمايل: مور ځان بلاء او مصيبت ته چمتو کوو

(۱) تاريخ بغداد (۴۷۷/۱۵).

تبیان _____ د حنفي مذهب مزایاوي.

مخکې تر دې چې هغه واقع شي، کله چې بلاء واقع شي نو مور به په بلاء کې داخلېدل او له بلاء څخه وتل یاد کړي وي).

نن سبا په اسلامي نړۍ کې زیات مفتیان د حنفي مذهب د تقدیري فقهې د مسائلو څخه زیاته استفاده کوي او گټه ورڅخه اخلي.

شپږم: په قیاس او استحسان کې توسع:

د اسلام د مبارک دین څخه مخکې بغداد او کوفه د مختلفو ادیانو او غیر اسلامي مذاهبو ټاټوبی او مرکز و، کله چې بغداد د اسلامي حکومت برخه وگرځېده او اسلامي تعلیماتو رشد پکې وکړ، کوفه او بصره اسلامي او دیني مرکزونه شول، بیا هم د اسلام په جامه کې په عراق کې د منحرفو مفکورو خاوندان موجود و او د اسلامي عقائدو او احکامو په اړه به یې وخت په وخت اعتراضونه او سوالونه را پورته کول، عراق ته لکه د حجاز په څېر د رسول الله صلی الله علیه وسلم ټول احادیث او د صحابه کرامو فتواگانې نه وې رسېدلې، همدا راز د امام ابوحنیفه رحمه الله په زمانه کې د رسول الله صلی الله علیه وسلم په احادیثو کې وضع او درواغ ویل په عراق کې رائج شوي و او ځینو خلکو به له ځانه احادیث جوړول، له بلې خوا عراق د تمدنونو او ادیانو ځمکه وه او فقهاوو ته به داسې بېلابېل موضوعات راتلل چې د مکې مکرمې او مدینې منورې مجتهدین او فقهاء کرام به د هغو مسائلو او د هغو له ځوابونو نه خبرېدل. دا هرڅه د دې لامل شو چې امام ابوحنیفه رحمه الله تعالی من حیث د فقیه العراق په فقهې مسائلو کې توسع راوړي ترڅو د هر چا د سوال ځواب په کې وموندل شي او عام خلک چې په ورځني ژوند کې د مشکلاتو سره مخ دي د هغوی د معاملاتو لپاره شرعي او دیني توجیه پیدا شي. بنه امام ابوحنیفه رحمه الله تعالی قیاس او استحسان د فقهې اصولو په حیث زیات استعمال کړل او د ضرورت په اساس یې په استحسان کې زیاته توسعه رامنځته کړه چې په نورو مذاهبو کې نه وه او فقهاء کرامو له دې لارې وکولای

تبيان _____ د حنفي مذهب مزاي اوې.

شول چې د اولس شته ستونزې ورباندې حل کړي چې دا د حنفي مذهب په جامعيت او فوقيت باندې دلالت کوي. البته په قياس او استحسان کې توسع د هر چا د وسع او توان کار نه دی؛ دا د هغو فقهاوو کار دی چې په فطانت او ذکاوت کې انتها ته رسېدلي وي. هو! په حنفي مذهب کې ضعيف حديث د قياس څخه غوره دی؛ خو چې په مسئله کې ضعيف حديث هم شتون ونه لري نو قياس او استحسان ته رجوع کول د مجتهد د اعذارو څخه دي.

د امام ابوحنيفه رحمه الله تعالى په نزد فقهي اصول اوه دي:

۱. کتاب الله.

۲. سنت رسول الله صلى الله عليه وسلم.

۳. د صحابه کرامو اقوال.

۴. اجماع.

۵. قياس.

۶. استحسان.

۷. عرف^(۱).

په حنفي مذهب کې په قياس او استحسان کې توسع موجوده ده، د دې لپاره چې په قياس او استحسان کې مصالح العباد زيات دي او د امت مسائل پرته له ځوابه نه پاتې کېږي او بل په استحسان کې سهولت او آساني ده او د شريعت حکمتونه ډېرې په آساني بڼه دي چې دا ځانگړتيا په نورو مذاهبو کې کمه ده.

امام ابوحنيفه رحمه الله تعالى د فقهي مسائلو لپاره خپل اصول داسې بيان کړي دي: زه لومړی په کتاب الله عمل کوم، که چېرې ما په کتاب الله کې د موضوع حل پيدا نکړ، د هغې موضوع حل د رسول الله صلى الله عليه وسلم په سنتو کې لټوم او د ثقه راويانو په صحيحو روايتونو عمل کوم، که چېرې مې د

(۱) المذاهب الفقهية الأربعة (۲۷).

تبيان _____ د حنفي مذهب مزاي اوې.

موضوع حل په كتاب الله او د رسول الله صلى الله عليه وسلم په احاديثو کې پيدا نكړ، بيا د رسول الله صلى الله عليه وسلم اصحابو ته رجوع كوم د ځينو صحابه و نظر اخلم او د ځينو نورو نظر پرېږدم او د دوى له نظرونو څخه نه وځم او كله چې خبره امام ابراهيم نخعي، شعبي، حسن بصري، ابن سيرين او سعيد بن المسيب ته را ورسېږي هغوى اجتهاد كړى دى او زه هم اجتهاد كوم لكه څرنگه چې هغوى اجتهاد كړى دى^(۱).

امام موفق مكي رحمه الله فرمايي: د امام ابوحنيفه رحمه الله په كلام كې اخذ په ثقه دى او د قبچې څخه فرار دى او د خلكو معاملات په نظر كې ساتل دي او هغه څه په نظر كې ساتل دي چې خلك ورباندې ولاړ دي او د هغوى چارې ورباندې سمې دي، كارونه به په قياس مخ پر وړاندې ځي، كله چې قياس ناكاره و بيا به كارونه په استحسان مخكې ځي ترڅو چې كار سم وي، كله چې كارونه په استحسان نه سمېږي بيا به مجتهد هغه څه ته رجوع كوي چې خلك ورباندې تعامل لري^(۲).

ځينې خلكو حنفي مذهب په دې مشهور كړى دى چې د احاديثو خلاف ولاړ دى، امام ذهبي رحمه الله ليكي: **روى نوح الجامع أنه سمع أباحنيفة يقول: ما جاء عن رسول الله صلى الله عليه وسلم فعلى الرأس والعين، وقال وكيع: سمعت أباحنيفة يقول: البول في المسجد أحسن من بعض القياس، قال أبو محمد بن حزم: جميع الحنفية مُجمعون على أن مذهب أبي حنيفة أن ضعيف الحديث أولى عنده من القياس والرأي^(۳).**

(نوح الجامع روايت كوي چې ده د امام ابوحنيفه رحمه الله تعالى څخه اوربدي دي چې هغه به ويل: هغه څه چې د رسول الله صلى الله عليه وسلم

(۱) تاريخ التشريع الإسلامي (۳۳۱).

(۲) المدخل إلى دراسة المذاهب الفقهية، علي جمعة محمد عبدالوهاب ص: ۹۲.

(۳) تاريخ الإسلام للذهبي (۳/ ۹۹۴)، الوافي بالوفيات للصفدي (۷/ ۳۵۱).

تبيان _____ د حنفي مذهب مزاي اوې.

څخه راشي نو هغه په سر او سترگو قبلوم... وكيع بن جراح رحمه الله تعالى وايي: ما د امام ابوحنيفه رحمه الله تعالى څخه اوربدي دي چې په مسجد كې بول كول غوره دي د ځينې قياس څخه، امام ابن حزم رحمه الله وايي: ټول احناف په دې اجماع لري چې د امام ابوحنيفه رحمه الله تعالى دا مذهب و چې ضعيفه حديث د هغه په نزد اولی و د قياس او رأي څخه).

اووم: د نړۍ په اكثره اسلامي هېوادونو كې د حنفي مذهب د پيروانو د پروالی:

څېړونكي وايي چې د نړۍ په مسلمانانو كې %٦٠ شپېته سلنه خلك د حنفي مذهب پيروان او منونكي دي، پاتې څلوېښت سلنه خلك په نورو درې واړو مذهبونو باندې وپشل شوي دي.

د امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله تعالى د مذهب د مسائلو د زياتوالي له امله او د هغه د زياتو شاگردانو له امله چې په شرق او غرب، شمال او جنوب كې خپاره شول او په خپلو ځايونو كې يې مدرسې جوړې كړي او د هغه مذهب يې خلكو ته ورسولو، دا هر څه د دې لامل شو چې د نړۍ اكثره خلك حنفي مذهب ومني او د هغې پيروي اختيار كړي، په (١٧٠) هجري كې امام ابويوسف رحمه الله د عباسي خلافت كې قاضي القضاة و ټاكل شو او د عباسي خلافت چې د نړۍ په هر ځای كې حاكم و، د هغه ځای حكومت به په حنفي مذهب فيصلې كولې او چې كله د عثماني خلافت دور راغی نو د وخت خليفه رسماً اعلان وكړ چې حنفي مذهب به د عثماني خلافت رسمي مذهب وي، حنفي مذهب د عبدالله بن فروخ او د اسد بن فرات رحمهم الله تعالى او د هغوی د شاگردانو په وسيله شمالي افريقا ته لكه: ليبيا، تونس، جزائر، مغرب ته ورسېده او اندلس ته هم د كم وخت لپاره داخل شو، د خليفه مهدي په وخت كې حنفي مذهب په مصر كې خپور شو

تبيان _____ د حنفي مذهب مزياوې.

او تر ډېر وخت پورې قضايي چارې او احوال شخصي د حنفي مذهب موافق په وړاندې بيول کېدل.

شام لوري ته په اکثره هېوادونو کې خلک د حنفي مذهب پيروان دي او په عراق کې هم حنفي مذهب خپور و، همداراز په ماوراء النهر کې پرته له حنفي مذهب څخه بل مذهب چا نه پېژانده او په ارمينيا، اذربيجان، او چين پورې خلک د حنفي مذهب پيروان و، په جنوبي اسيا هند، بنگلديش، اوسني پاکستان خلک د حنفي مذهب منونکي و، په ترکيه، البانيا، بوسنه او هرسک، کوسوف، ترکستان، افغانستان، قفقاز او برازيل کې هم حنفي مذهب خپور دی، چې په حنفي مذهب باندې د زياتو خلکو عقیده او باور د حنفي مذهب د جامعيت او فوقيت ستر دليل دی.

اتم: د نقل او عقل ترمنځ د تطابق او په هره زمانه کې د تطبيق مذهب:
د حنفي مذهب بله ځانگړنه دا ده چې له عقل او نقل سره تطابق لري؛ يعنې ډېری مسائلو کې يې چې موږ فکر کوو نو هم له نقل سره مطابق وي او هم له عقل سره، همداراز حنفي مذهب داسې مسائل څېړلي او داسې اصول يې وضع کړي دي چې په هره زمانه کې د تطبيق وړ دي.
په دې اړه ډېر نور دلائل او ځانگړتياوې هم شتون لري چې د مقالې د اوږدوالي لامل کېږي له همدې امله په دې دلائلو بسنه کوو.

پايله

په دې څېړنه کې دې پايلې ته ورسېدم چې حنفي مذهب په ټولو مذاهبو کې غوره مذهب دی، لسگونه داسې ځانگړتياوې او مزياوې لري چې نور مذاهب يې نه لري، د ځينو يې په لاندې ډول يادونه کوو:

۱. د حنفي مذهب مؤسس او بنسټگر جليل القدر تابعي دی؛

تبيان _____ د حنفي مذهب مزاي اوې.

۲. حنفي مذهب په حقيقت کې د صحابه کرامو د فقهې او فتاواو ترتيب او تدوين دی؛

۳. حنفي مذهب په شورايي او اجماعي توگه د ابوابو او کتابونو په شکل کې تدوين شوي؛

۴. په اسلام کې لومړۍ تحقيقاتي کمېټه د حنفي مذهب د پياوړتيا لپاره د امام اعظم صېب له لوري رامنځته شوې، په دې سره ويلي شو چې حنفي مذهب يوازې د يوه فرد توليد نه بلکې د امت د ډېرې برخې د مجتهدينو توليد دی؛

۱. حنفي مذهب تقديري فقه رامنځته کړې؛

۲. په قياس او استحسان کې توسع لري؛

۳. په نړۍ کې د نورو مذاهبو په نسبت د حنفي مذهب پيروان ډېر دي؛

۴. له نقل او عقل سره بشپړ تطابق لري او په هره زمانه کې د تطبيق وړ دی.

وراندیزونه:

غواړو دپورتنۍ موضوع د بنسټيزولو او پياوړتيا په پار د اسلامي نظام چار سمبالو ته لاندې سپارښتنې وکړو:

۱. د اسلامي نظام له مشر تابه څخه مو دا هيله ده چې د مکتب، مدرسې، پوهنتون په نصاب کې د امام ابوحنيفه رحمه الله او حنفي مذهب اړوند کتابونه ځای پر ځای کړي.

۲. د ارشاد، حج او اوقافو محترم وزارت څخه مو په درنښت دا هيله ده چې په دې اړه امامانو او خطيبانو ته په دې اړه ځانگړې خطبې ورکړي خو يې عامو خلکو ته په خپلو ويناوو کې بيان کړي..

۳. ټولو تعليمي ادارو او اړوند جهتونو ته مو دا سپارښتنه ده چې د امام اعظم ابوحنيفه رحمه الله او حنفي مذهب د مزايوو په اړه سمینارونه او غونډې جوړې کړي او عامه پوهاوی رامنځته کړي.

تبيان _____ د حنفي مذهب مزايواي.

٤. د نظام له مقننه قوي څخه مو دا هيله ده چې په قوانينو جوړولو كې يوازې د حنفي مذهب رعايت وكړي او ټول قوانين د حنفي مذهب په رڼا كې نافذ شي.

مأخذونه

١. القشيري، مسلم بن الحجاج أبو الحسن النيسابوري، صحيح مسلم، ناشر: دار إحياء التراث العربي.
٢. يسري، الدكتور محمد إبراهيم، فقه النوازل للأقليات المسلمة «تأصيلاً وتطبيقاً»، الناشر: دار اليسر، القاهرة - جمهورية مصر العربية.
٣. العيني، محمود بن أحمد، بدر الدين الحنفي، مغاني الأختيار في شرح أسامي رجال معاني الآثار، ط: دارالكتب العلمية.
٤. الصيمري، الحسين بن علي، الحنفي، أخبار أبي حنيفة وأصحابه، ط: عالم الكتب، بيروت.
٥. الشامي، محمد امين ابن عابدين، الردالمحتار، الناشر: دارالفكر للطباعة والنشر.
٦. ابن سعد، أبو عبدالله محمد بن سعد البغدادي، طبقات الكبرى ط: دارالكتب العلمية، بيروت لبنان.
٧. البغدادي، أبوبكر أحمد بن علي، الخطيب، تاريخ بغداد، ط: دارالكتب العلمية، بيروت لبنان.
٨. القطان، مناع بن خليل القطان، تاريخ التشريع الإسلامي، الناشر: مكتبة وهبة.
٩. علي جمعه، محمد عبدالوهاب، المدخل إلى دراسة المذاهب الفقهية، الناشر: دارالسلام القاهرة.
١٠. الحنفي، محي الدين عبدالقادر بن محمد، الجواهر المضيئة في طبقات الحنفية، ناشر: ميرمحمد كتب خانه كراتشي.
١١. الفاسي، محمد بن الحسن الثعالبي، الفكر السامي في تاريخ الفقه الإسلامي، الناشر: دارالكتب العلمية.

تبيان _____ د حنفي مذهب مزايانوي.

١٢. السيوطي، جلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر، تبيض الصحيفة في مناقب الإمام أبي حنيفة، الناشر: مكتبة أهل السنة والجماعة.

١٣. الذهبي، شمس الدين، محمد بن أحمد، تاريخ الإسلام للذهبي، الناشر: دارالغرب الإسلامي.

١٤. الصفدي، صلاح الدين خليل بن أبيك، الوافي بالوفيات، الناشر: دارإحياء التراث العربي.

معاون محقق کمال نوری

بررسی شفافیت در دستگاه قضایی دوران خلافت علی بن ابی
طالب علیه السلام و الگوگیری از آن

ملخص البحث:

الشفافية هي أحد عناصر الحكم الرشيد في القرنين الأخيرين، و لكن الشفافية ليست خاصة في العصر الحديث، بل عمل النبي صلى الله عليه وسلم و خلفاء الراشدون رضي الله عنهم على ذلك في جميع المناسبات و مجال الحكومة، مثل مجال القضائي و الاقتصادي و الإجتماعي و الإداري و الحرب، وأثبت أن الشفافية في عهد خلافة سيدنا علي رضي الله عنه في مجال القضاء تختصر في الأمور التالية: استقلالية السلطة القضائية، سيادة القانون، إقامة المحاكمات بشكل العلني، تحقيق الأسباب و الأدلة، مشاورته مع أهل العلم والرأي والاعتدال في تعيين القضاة.

تعد هذه المبادي التي تطبق في عهد الخلافة سيدنا علي رضي الله عنه نموذجاً يمكن أن يُستفاد منه في العصر الحديث لتعزيز العدالة والشفافية في النظام القضائي المعاصر.

خلاصه:

شفافیت یکی از عناصر حکومتداری خوب طی دو قرن اخیر مطرح شده

تبیان ————— بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

است، و اما شفافیت مختص به عصر حاضر نبوده؛ بلکه پیامبر و خلفای راشدین در تمام عرصه های حکومتی به آن عمل می نمودند، مانند: عرصه قضائی، عرصه اقتصادی، عرصه اجتماعی، عرصه اداری و عرصه نظامی. شفافیت در دوران حکومتداری حضرت علی رضی الله عنه موارد ذیل را در بر می گیرد: استقلال قوه قضائیه، حاکمیت قانون، علنی کردن محاکم، بررسی دلایل، مشوره کردن با اهل علم و نظر و شایسته سالاری در گماشتن قضات. این اصول که در دوران خلافت حضرت علی رضی الله عنه کار گرفته می شپ، الگویی است که می توان از آن در دنیای امروز برای تقویت عدالت و شفافیت در سیستم های قضائی معاصر استفاده کرد.

مقدمه:

از جمله امور که سبب دوری مردم از دولت ها می شود، عدم ارتباط دولت با مردم، عدم گذارش دهی از عملکرد حکام به مردم، عدم اشتراک مردم در امور دولتی است، که در نتیجه مردم خود را در مقابل دولت، بیگانه احساس کرده و از دولت نارضایتی خود را اعلان می کنند، بناءً برای از بین بردن همین خلا، نظام های فعلی برای جبران این نقیصه در سدد آن شدند تا چگونه رضایت مردم را بدست آورند و فساد گسترده ای که در حوزه های حکومتی وجود دارد، از بین ببرند.

از همین جهت در قرون اخیر مسئله شفافیت در عملکرد حکام مطرح شد و هدف آن نزدیکی مردم به دولت و آشکار ساختن عملکرد حکام و اشتراک مردم در حکومت ها بود.

اما خوشبختانه مسلمانان و در رأس آن رسول الله صلی الله علیه وسلم و

تبیان _____ بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

خلفای راشدین چهارده صد سال پیش به آن عمل کرده بودند، و عناصر واضح و روشن را در این مورد بنیاد نهادند،

مبرمیت موضوع:

شفافیت در امور قضایی موضوعی است که سبب اعتماد مردم به حاکمیت قانون و قوه قضائیه شده و در نهایت سبب نزدیکی مردم به دولت میگردد، اما متأسفانه موضوعی شفافیت از سوی زمامداران همیشه نادیده گرفته شده و به آن عمل نمی کنند، در حالیکه در دوران حکومتداری خلفای راشدین تأکیدات فراوان جهت ارتباط حاکم با رعیت وجود دارد، بناء تحقیق روی موضوع شفافیت در دستگاه قضایی حکومتداری حضرت علی رضی الله عنه و الگوگیری از آن ضرورت به تحقیق دارد.

اول: سوالات تحقیق

سوال اصلی: چگونه می توان از شفافیت دستگاه قضائی دوران خلافت حضرت علی رضی الله عنه برای بهبود نظام قضائی امروز بهره گرفت؟

سوالات فرعی:

شفافیت در دستگاه قضائی حضرت علی رضی الله عنه چه اصول و ویژگی هایی داشت؟
چه راهکارهایی برای الگوگیری از شفافیت قضائی حضرت علی رضی الله عنه در نظام های قضائی امروزی وجود دارد؟

هدف تحقیق:

شناخت شفافیت در دستگاه قضائیه حکومتداری حضرت علی رضی الله عنه و الگوگیری از آن.

تبیان _____ بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

روش تحقیق:

در این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است.

تعریف قضاء:

قضاء در لغت: حکم کردن، فیصله کردن و از میان برداشتن را گویند، پس قاضی کسی است که در مورد مسایل اختلافی حکم و فیصله نموده و اختلاف را از میان برمی دارد(۱).

قضاء در اصطلاح: حکم نمودن میان طرفین توسط قانون اسلامی به کیفیت مخصوص آن را گویند، که دعوا به قاضی رفع گردد و قاضی از روشها و ضوابط جهت اجرای کار استفاده نموده و طرفین آنرا نیز هنگام رفع دعوی در نظر داشته باشند(۲).

اما شفافیت در عرصه عدلی و قضایی عبارت از: به کارگیری روش های مؤثر برای تطبیق عدالت و جلوگیری از فساد قضائی است که شامل: استقلال قوه قضائیه، علنی بودن محکمه، بررسی و نقد آرا و ادله اثبات جرم، مساوات در جلسه قضائی بین مدعی و مدعی علیه میباشد.

مطلب اول: شفافیت در دستگاه قضائی:

دستگاه قضائی در هر جامعه ای یکی از ارکان اصلی تأمین عدالت و برقراری نظم اجتماعی است. در تاریخ تمدن اسلامی، دورات خلافت حضرت علی رضی الله عنه به عنوان الگویی برجسته در برقراری عدالت و شفافیت قضایی

^۱ - محمد انور کوهستانی. نظام سیاسی، ج: ۱، ناشر: کتابخانه الکترونیکی امین، سال ۱۳۹۶ هـ ق- ۲۰۱۷ م، ص: ۳۷۷.

^۲ - همانجا.

تبیان _____ بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

شناخته می شود. حضرت علی رضی الله عنه نه تنها در اصول حکومتداری، بلکه در دستگاه قضایی، معیار هایی را بنا نهاد که همواره به عنوان نمونه ای از حکومتداری شفاف شناخته می شود.

شفافیت در دستگاه قضائی از حکومتداری حضرت علی رضی الله عنه به معنای روشن بودن فرآیند قضاوت، حفظ حقوق افراد، و پرهیز از هرگونه ابهام و فساد بوده است. ایشان با تأکید بر اصولی مانند استقلال محاکم، قضاوت بر اساس شریعت اسلامی، و علنی بودن محاکم، نظام قضایی را به الگوی برای جوامع بعد از خود تبدیل کرد.

در این راستا، بررسی شفافیت در دستگاه قضائی حضرت علی رضی الله عنه و تحلیل اصولی مانند استقلال قضاوت، مساوات میان طرفین و اجتناب از قضاوت عجولانه، می تواند راهنمایی برای نظام های قضائی امروز باشد. در ادامه به تفصیل این اصول پرداخته می شود.

۱. استقلال محاکم قضائی:

زمانکه در یک نظام حکومتی دستگاه قضائی اش مستقل بود، رئیس دولت و پایین ترین فرد جامعه، حق مداخله در فیصله های قضائی را نداشت، در این صورت گفته می توانیم که شفافیت در محاکم فوق وجود دارد؛ چون استقلال قوه قضائیه سبب می شود تا قاضی به طور عادلانه و بدون دخالت غیر؛ فیصله کند و حق را به صاحب اش برساند و با مطالعه دستگاه قضائی دوران حکومتداری خلفای راشدین دریافتیم که هیچ کس حق مداخله بر فیصله های محاکم را نداشت حتی خود خلیفه، اگر چه که فیصله برعلیه وی می بود.

تبیان ————— بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

چنانچه از قاضی شریح روایت است: آنگاه که علی رضی الله عنه در جنگ با معاویه زره اش را گم کرد و پس از جنگ زره را به دست فردی یهودی دید که در بازار برای فروش آورده بود، علی رضی الله عنه گفت: این زره مال من است که نه آن را فروخته ام و نه به کسی بخشیده ام. یهودی گفت: این زره در دست من و مال خودم است. علی رضی الله عنه گفت: برویم پیش قاضی. به این ترتیب نزد شریح آمدند، علی رضی الله عنه در کنار شریح و یهودی روبروی او نشست. شریح گفت: ای امیرمؤمنان جریان چیست؟ گفت: من می گویم این زره مال من است که در دست این یهودی است و من این را به کسی نفروخته ام و به کسی هم نبخشیده ام. شریح قاضی گفت: شاهدت کیست؟ گفت: قنبر (خدمتگار) و حسن و حسین شهادت می دهند که زره مال من است، قاضی گفت: گواهی پسر به نفع پدر جایز نیست، علی رضی الله عنه گفت: گواهی مردی از اهل بهشت جایز نیست و پذیرفته نمی شوند؟ شنیدم رسول الله می فرمود: «حسن و حسین سردار جوانان بهشت اند».

یهودی گفت: امیرمؤمنان از من به قاضی خود شکایت کرد و قاضی علیه او قضاوت کرد. گواهی می دهم که این دین حق است و گواهی می دهم که معبود بر حقی جز الله نیست و محمد رسول اوست و اعتراف می کنم که این زره مال توست. شبی که سوار بر شتر به طرف صفین می رفتی، افتاد و من برداشتم، علی گفت: حال که اعتراف کردی، زره مال تو و نیز اسبی به او داد، شریح گفت: همان یهودی را دیدم که به دفاع از علی با خوارج در نهروان جنگید^(۱).

^۱ - أبو نعیم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهانی. حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، ج: ۴، الناشر: السعادة - بجوار محافظة مصر، ۱۳۹۴ هـ - ۱۹۷۴ م، ص: ۱۴۰.

تبیان ————— بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

از این روایت استقلال قوه قضائیه در دوران حضرت علی رضی الله عنه به صراحت دانسته می شود وهمچنان حضور حضرت علی رضی الله عنه به رغم داشتن خلافت و قدرت در محکمه قاضی شریح ، تأکید بر استقلال و تسلط قاضی حتی بر خلیفه و قوه مجریه می کند.

۲. قضاوت بر اساس شریعت اسلامی:

یکی از اموری که منجر به تحقق شفافیت نظام ها میشود تطبیق قوانین وضع شده بالای جامعه است، و نظام اسلامی مبتنی بر قوانین اسلام بوده که واضع آن الله متعال است. پس زمانیکه قوانین یک مملکت اسلامی که بر مبانی شریعت اسلامی عمل کند، شفافیت در آن حکومت وجود داشته و در غیر این صورت فاقد شفافیت است، و نظام قضا در حکومتداری حضرت علی رضی الله عنه نیز استوار بر مبانی شریعت اسلامی بوده و اجرای قوانین و فیصله ها در تمام عرصه ها مبتنی بر شریعت اسلامی بود که به تمام افراد جامعه اعم از مسلمان و غیر مسلمان یکسان قابل تطبیق بوده، چنانچه در فیصله ای که قاضی شریح علیه خلیفه صادر کرد در حالی که مقابل دعوایش فرد یهودی بود و قاضی شریح بدون توجه به مقام و مرتبه خلیفه مطابق به احکام شریعت اسلامی فیصله صادر کرد. بنابر این مراجع قوانین در حکومتداری حضرت علی رضی الله عنه عبارت بود از قرآن و سنت. که حضرت علی رضی الله عنه در تمام فرامین و دستورات خود به آن عمل می نمود و دیگران را به عمل کردن به آن وادار کرده بود.

قرآن کریم اولین مرجع قوانین در نظام حکومتداری حضرت علی رضی الله عنه بود. چنانچه حضرت علی رضی الله عنه می فرماید: «بر دینتان پایدار بمانید و به راه و روش پیامبر پایبند باشید و از سنت پیامبرتان پیروی کنید و فهم آنچه از سنت

تبیان ————— بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

برایتان مشکل شد بر قرآن عرضه کنید. هر چه قرآن با آن موافق بود بپذیرید و به آن عمل کنید و آنچه با آن مخالف بود، رد کنید و نپذیرید^(۱).
دومین مرجع در حکومتداری حضرت علی رضی الله عنه سنت نبوی بود، که اصول، قوانین و دستورات اسلامی از سنت نبوی گرفته می شد علی رضی الله عنه می فرماید: به راه و روش پیامبرتان اقتدا کنید که برترین راه و روش هاست و به سنت پیامبر عمل کنید که بهترین و افضل ترین سنت هاست^(۲).

۳. علنی بودن محاکم:

در نظام قضائی، علنی بودن محکمه و محاکمات از جمله ساز و کار هایی است که به کارگیری آن به تحقق شفافیت در امور منتهی می گردد. علنی بودن محاکمات به معنای توانایی حضور مردم در جلسات محکمه، قرارگرفتن در جریان محاکمات و ارزیابی صحت و سقم محاکمات می باشد. نتیجه این امر، آگاهی مردم و روشن شدن افکار عمومی است. بناءً قاضی باید برای داوری بین متخاصمین محلی در وسط شهر را انتخاب نماید که آمد و شد به آنجا برای همه آسان باشد، و در سیره قضائی امیرالمومنین علی رضی الله عنه آمده است که قاضیان معمولاً در مساجد قضاوت می کردند و مکان به خصوصی برای این منظور وجود نداشت. چنانکه خلفای دوگانه حضرت عثمان و حضرت عمر رضی الله عنهما قبل از حضرت علی رضی الله عنه نیز؛ چنین عمل میکردند، و در بیرون

^۱ - عماد الدین اَبی الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی دمشقی. البدایة والنہایة، ج: ۱۰، تحقیق: عبدالله عبدالمحسن التركي بالتعاون مع مرکز البحوث والدراسات بدار هجر، چاپ اول، ناشر: هجر للطباعة والنشر- الجیزة، سال ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۷م، ص: ۴۴۳.

^۲ - همان، ص: ۶۳۹.

تبیان _____ بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

از مسجد در ملاً عام قصاص اجرا می شد. چنانچه روایت شده که علی رضی الله عنه به قاضی شریح فرمان داد که در مسجد بزرگ قضاوت کند تا رسیدن به او راحت و آسان باشد^(۱).

۴. مشاوره و رایزنی با اهل علم و نظر:

مشورت گرفتن یکی دیگر از اموری است که سبب ایجاد شفافیت در فیصله قضایی می شود و برای قاضیان لازم است تا با اهل نظر و علما مشورت داشته باشد تا حق را به خوبی درک کرده و از اشتباه دوری جوید، حضرت علی رضی الله عنه در دوران حکومتداری خلفای پیش از خود یکی از اعضای هیئت مشاوره بود، که خلفای راشدین رضی الله عنهم در موقع پیش آمد مشکل بر مشورت با او حریص بودند.

الخصاف در (ادب القاضی) روایت کرده که وقتی دو طرف دعوا نزد عثمان بن عفان رضی الله عنه می آمدند، به یکی می گفت علی رضی الله عنه را بیاور و دیگری را می گفت طلحه و زبیر و شماری از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله را فرا بخوان، وقتی آنها نزد او می آمدند به طرفین می گفت: سخن بگوئید؟ وقتی طرفین حرفهای شان را می زدند، عثمان رضی الله عنه رو به صحابه می کرد و می گفت: چه می گوئید؟ اگر آنها سخنی موافق با قول او می گفتند، با همان قضاوت می کرد. همچنان حضرت علی رضی الله عنه نیز در باب قضا همیشه برای قاضیان خود توصیه مینمود تا با اهل نظر مشورت نمایند، چنانچه قول مشهور ایشان است: قاضی باید پنج خصلت داشته باشد: پاکدامن، برده بار، به آنچه قبل از او اعمال شده، آگاه

^۱ - محمد رواس قلعه جی. موسوعة فقه علي بن ابي طالب، چاپ اول، ناشر: دار الفکر، سال: ۱۴۰۳ هـ ق - ۱۹۸۳ م، ص ۵۱۸.

تبیان _____ بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

باشد و با خردمندان مشاوره نماید و در راه الله متعال از ملامت هیچ ملامت کننده‌ای نهراسد^(۱).

از سخن حضرت علی رضی الله عنه چنین به دست می آید: قاضی باید از رایزنی و مشاوره با اهل علم و خرد ناراحت نشود چون چنین مشاوره و رایزنی او را از خطا در صدور احکام دور می نماید و قاضی باید در گفتن حق جرأت داشته باشد و در به زبان آوردن کلمه حق درنگ نکند، حتی اگر حق، سبب خشمگین شدن صاحب قدرت و حاکم گردد.

۵. مساوات در میان دو طرف دعوی:

یکی دیگر از اموری که موجب اثبات شفافیت در عرصه قضائی میشود همانا عدم تبعیض در محاکم است و این عنصر در دوران خلافت حضرت علی رضی الله عنه در محاکم طوری بود که تمام طبقات و افراد جامعه، فارغ از رنگ و نژاد و حرفه و قبیله، در مقابل قانون و محکمه مساوی بودند، چنانچه نقل شده که شخصی چند روزی مهمان علی رضی الله عنه شد، سپس دعوایی را مطرح کرد، علی رضی الله عنه به او گفت: آیا تو طرف دعوا هستی؟ گفت: بله، گفت: از پیش ما برو، چون ما از این نهی شده ایم که طرفی را بدون حضور طرف دعوایش بپذیریم^(۲).

حضرت علی رضی الله عنه در تمام عرصه ها به مساوات میان رعیت خود تأکید می کرد، حتی اگر دشمن آنحضرت طرف دعوا قرار می گرفت باز هم مطابق به

^۱ - موسوعة فقه علي بن ابي طالب، ص: ۵۳۲.

^۲ - علاء الدين علي بن حسام الدين المتقي الهندي البرهان فوري. كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، المحقق: بكري حياي - صفة السقا، الطبعة: چاپ پنجم، ج: ۵، الناشر: مؤسسة الرسالة، سال ۱۴۰۱ هـ ق ۱۹۸۱م، ص: ۵۰۸.

تبیان ————— بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

حق فیصله میکرد، چنانچه جعده بن هبیره نزد علی بن ابی طالب رضی الله عنه آمد و گفت: ای امیر المؤمنین! دو نفر نزد تو می آیند که یکی شما را از خودش بیشتر دوست دارد و دیگری چنان با شما دشمنی دارد که اگر می توانست شما را نابود می کرد، آیا شما به نفع دوست قضاوت می کنید؟ علی رضی الله عنه گفت: قضاوت چیزی است که اگر در اختیار خودم می بود، چنین می کردم اما قضاوت از آن الله متعال و برای اوست^(۱). بناءً طبق این فیصله حضرت علی رضی الله عنه قاضی باید به هیچکدام از عوامل و انگیزه های ترجیح یکی از طرفین را بر دیگری پاسخ ندهد، خواه عامل ترجیح او خویشاوندی باشد یا مال یا نفرت و... باشد.

از همین جهت حضرت علی رضی الله عنه به خاطر عدم مراعات کردن مساوات بین طرفین دعوا بعضی از قاضیان خود را عزل نمودند، از جمله ابوالاسود دوئلی که ابتداء او را به عنوان قاضی منصوب کرد، سپس او را عزل نمود، او گفت: چرا مرا عزل کردی در حالیکه من نه خیانت کرده ام و نه جنایت؟ فرمود: تو را دیدم که بر طرفین دعوا فریاد می زنی^(۲).

۶. پرهیز از قضاوت های عجولانه:

یکی دیگر از اموری که به تحقق شفافیت در عرصه قضایی منجر می شود، همانا بررسی همه جوانب دعوی و پرهیز از قضاوت های عجولانه است، زیرا این کار شک و شبهه را از بین برده و فیصله عادلانه را به بار می آورد. بناءً قضیه ی

^۱ - موسوعة فقه علی بن ابی طالب، ص: ۵۲۰.

^۲ - عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسی أبو محمد، المغنی، ج: ۱۰، چاپ اول، ناشر: دار الفکر - بیروت، سال ۱۴۰۵، ۴۸۰.

تبیان _____ بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

عرضه شده را نباید قبل از پایان تحقیق و بررسی شتابزده مورد داوری قرار دهد، وقسمیکه حضرت علی علیه السلام به خاطر تحقق همین عنصر به قاضی شریح گفت: زبانت تا وقتی سخن نگفته ای برده‌ی تو است، اما وقتی سخن گفتی دیگر تو بنده و برده‌ی زبانت هستی، پس نگاه کن که چه قضاوت می‌نمایی و در چه موردی قضاوت می‌کنی و چگونه قضاوت می‌کنی؟^(۱).

مطلب دوم: الگوگیری از شفافیت در دستگاه قضایی

شخصیت عظیم اسوه‌های دینی در همه زمینه‌های زندگی الگو و اسوه است. به گونه‌ای که اگر همه انسانها از آن سرمشق بگیرند به طور قطع سعادت در دو جهان را به دست خواهند آورد. و الگوگیری در جهت حکومتداری از حکام عادل و مؤسس دولت اسلام همچون حضرت علی علیه السلام یک امر ضروری پنداشته می‌شود، اما آنچه که در این مقاله در جستجوی آن هستیم این است که چگونه با شفافیت در حکومتداری حضرت علی علیه السلام در عرصه عدلی و قضایی حکومتداری اش، خود را همانند سازی نماییم، و با توجه به شرایط موجود چگونه الگوسازی و الگوگیری نماییم. به ویژه حکام و زمامداران و منسوبین حکومت چگونه از حکومتداری حضرت علی علیه السلام الگوگیری نموده و بتوانند با آن همانندسازی کنند.

چون دستگاه قضایی یکی از عرصه‌های مهم حکومتداری است که شفافیت در این عرصه از اولویات امور در حکومتداری محسوب می‌گردد تا حکومت‌ها بتوانند با تکیه بر شفافیت در عرصه عدلی و قضایی پایه‌های شان را

^۱ - کنز العمال في سنن الأفعال والأفعال، ج: ۵، ص: ۵۰۸.

تبیان _____ بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

مستحکم نموده و رفاه اجتماعی را بیار آورند، که الگوگیری در این عرصه از حکومتداری حضرت علی رضی الله عنه برای ما این امکان را می دهد تا زمینه های شفافیت را الگو برداری نموده آنرا در حکومتداری خود تطبیق نماییم.

استقلال قوه قضائیه:

اولین موردی که می توان از حکومتداری خلفای راشدین خاصتاً از حکومتداری حضرت علی رضی الله عنه در عرصه امور قضایی الگوگیری نمود، موضوع استقلال قوه قضائیه است. استقلال قوه قضائیه در عصر حاضر یک موضوع مهم می باشد، چون خواهشات و امیال حکام بر تقوای شان حاکم بوده و اکثراً مطابق به خواهشات شان عمل می نمایند، لذا الگوگیری از حکومتداری خلیفه چهارم می تواند در استحکام نظام و قضاوت عادلانه مثمر باشد؛ زیرا استقلال قوه قضائیه یکی از راه هایی است که منجر به قضاوت عادلانه می گردد. بنابر همین علت استقلال قوه قضائیه در حکومتداری خلیفه چهارم مورد توجه آنحضرت قرار داشت، چنانچه ادعای وی بر علیه فرد یهودی، مبنی بر مالکیت زره، از آنجا که آنحضرت شاهد نداشت، قاضی شریح به نفع شخص یهودی فیصله کرد و خلیفه هم جز از پذیرفتن چاره ای نداشت، این امر دلالت واضح بر استقلال قوه قضائیه میکند.

الگوی بررسی دلایل:

یکی دیگر از زمینه هایی که می توان از حکومتداری خلیفه چهارم الگوگیری نمود، بررسی دلایل و براهین طرفین دعوی و اصدار حکم در پرتو آن می باشد. به این مفهوم که قاضی باید در صدور حکم از عجله کار نگرفته و اسناد و مدارک ارائه شده را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده در زمینه دعوی بصورت

تبیان ————— بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

همه جانبه تحصیل معلومات نموده بعد از آن اصدار حکم نماید. حضرت علی رضی الله عنه به خاطر تحقق همین عنصر به قاضی شریح گفت: زبانت تا وقتی سخن نگفته‌ای برده‌ی تو است، اما وقتی سخن گفتی دیگر تو بنده و برده‌ی زبانت هستی، پس نگاه کن که چه قضاوت می‌نمایی و در چه موردی قضاوت می‌کنی و چگونه قضاوت می‌کنی؟^(۱). و نامه‌ی^(۲) ایشان به اشتر نخعی که از سوی علی رضی الله عنه فرماندار مصر بود، نشانگر این واقعیت است. او در این نامه می‌گوید: «بهترین فرد رعیت خویش را برای قضاوت انتخاب کن که نزد تو از همه برتر و بهتر است و در حل امور درمانده نمی‌شود و بیش از همه به دلیل و برهان استناد می‌نماید و کمتر از مراجعه دعوایگران خسته می‌شود و تا روشن شدن امور از همه بردبارتر و صبورتر است»^(۳).

بررسی دلایل جهت فهم و درک بهتر موضوع، اصدار حکم عادلانه و صحیح برای قاضی کمک نموده و از انحراف باز می‌دارد.

الگوی مشورت:

یکی دیگر از زمینه‌هایی که میتوان از حکومتداری حضرت علی رضی الله عنه الگوگیری نمود، همانا بکارگیری نظام شوری در امر قضاوت است، چون انسان مسلمان مکلف به شوری حتی در امور عادی بوده چه رسد به امر قضاوت، از این جهت باید قاضی به همراه خود مشاورینی نیز داشته باشد تا

۱- کنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، ج: ۵، : ۵۰۸.

۲- علي محمد محمد الصلابي، علي بن أبي طالب (رضي الله عنه) شخصيته وعصره، چاپ اول، سال: ۱۴۲۶هـ - ۲۰۰۵م، ص: ۴۳۹.

۳- همانجا.

تبیان _____ بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

در باره مسائل از آنها مشورت بگیرد، چنان حضرت علی رضی الله عنه برای قاضیان خود دستور داده بود که با خردمندان مشورت نمایند^(۱). مشورت با خردمندان باعث میشود تا قاضی بسوی عدالت رهنمون گردیده از ظلم و بی عدالتی باز داشته شود. و در فیصله دقیقتر باشد.

الگوی مساوات:

رعایت مساوات بین طرف های مخاصمه، بر قاضی واجب است اگر چه آنها در شرف و پایین بودن شان متفاوت باشند. لذا بر قاضی واجب است تا در سلام و جواب آن، نشانیدن آنها، نگاه و کلام و ساکت نمودن آنها، گشاده رویی و سایر آداب و انواع اکرام و عدالت در حکم نمودن، باید مساوات بین طرفین را رعایت نماید. حضرت علی رضی الله عنه مساوات را در دستگاه قضایی حتی بین کافر و مسلمان، بیگانه و خویشاوندان ضروری می دانست. چنانچه جعده بن هبیره نزد علی بن ابی طالب رضی الله عنه آمد و گفت: ای امیر المؤمنین دو نفر نزد تو می آیند که یکی شما را از خودش بیشتر دوست دارد و دیگری چنان با شما دشمنی دارد که اگر می توانست شما را نابود می کرد، آیا شما به نفع دوستت قضاوت می کنید؟ علی رضی الله عنه گفت: قضاوت چیزی است که اگر در اختیار خودم می بود، چنین می کردم اما قضاوت از آن الله متعال و برای اوست^(۲). رعایت مساوات بین متخاصمین باعث می شود که هر دو به عدالت قاضی باورمند شده قوی از طمع خود و ضعیف از ترس خود کاسته هر دو منتظر فیصله عادلانه شوند.

^۱ - موسوعة فقه علي بن ابی طالب، ص: ۵۲۰.

^۲ - موسوعة فقه علي بن ابی طالب، ص: ۵۲۰.

تبیان _____ بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

علنی کردن محاکمات:

یکی دیگر از مواردی که در عرصه قضائی حکومتداری خلیفه چهارم می توان الگوگیری نمود، دایر نمودن علنی مجالس محاکمه است، علنی بودن محکمه دارای فواید زیاد می باشد، از جمله تحقیق بیشتر روی موضوع محکمه؛ زیرا زمانیکه محکمه علنی باشد و قاضی بداند که هزاران نفر قضاوت او و دفاع متهم و وکیل متهم را می بینند، قطعاً سعی می کند در قضاوت خود از منطق استحکام سخن و ادبیات بهتری استفاده کند. و همچنان برگزاری محکمه علنی و شنیدن و دیدن صحبت های مطرح شده در آن سبب افزایش آگاهی و آموزش مردم می شود، در نتیجه مردم از قوانین آگاهی یافته مطابق به آن حرکت نموده از تخلفات پرهیز نموده در مسیر حق در حرکت می شوند. به همین علت بوده که در دوران حکومتداری خلفای راشدین قضاوت ها در مساجد صورت می گرفت و هر کس می توانست که در آن مجلس اشتراک کنند^(۱).

حاکمیت قانون:

یکی دیگر از مواردی که می توان از آن الگوگیری نمود، تطبیق یکسان قانون بر همگی است، چون تطبیق یکسان قانون باعث ایجاد همبستگی بین رعیت و حکومت می گردد؛ لذا قانون باید برای همه یکسان قابل تطبیق باشد قطع نظر از رنگ، نژاد، مقام و مرتبه و تطبیق یکسان قوانین یکی از حقوق اتباع کشور است که در اجرای محاکمه همه اتباع کشور یکسان بوده و در اجرای قوانین نباید بر اساس رنگ، نژاد، قومیت، زبان، فرهنگ، دین، مذهب، طبقه

^۱ - همان، ص: ۵۱۸.

تبیان ————— بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

اجتماعی، جنسیت یا دیگر مشخصات مدنظر گرفته شده بی عدالتی ترویج گردیده قانون اهمال و متروک گردد؛ بلکه قانون باید بر همگی شریف و ضعیف خورد و بزرگ یکسان تطبیق گردد. چنانچه حضرت علی علیه السلام در دوران حکومتداری خود به این موضوع عمل کرده و تمام رعیت در مقابل قانون یکسان بود و آنحضرت علیه السلام راه را برای هر شکایتی که بر علیه یکی از فرماندارانش تقدیم می شد باز گذاشته بود و اگر شکایتی از فرمانداران به او می رسید می گفت: بار خدایا! من به آنان فرمان نداده ام که بر بندگان ستم کنند یا حق تو را رها کنند^(۱). هنگامی که از یکی از فرماندارانش شکایت کردند و اتهام ثابت گردید، او را با تازیانه زد، زندانی نمود و تأدیب کرد ادب. چنانچه نقل شده که یکی از دهقانان نزد علی علیه السلام آمد و از فرماندار او شکایت کرد، علی علیه السلام به آن فرماندار نوشت: «دهقانان شهر تو از سخت گیری و درشت خویی تو شکایت کرده اند»، با آنان رفتاری میانه داشته باش، سختی را با نرم خویی و مهربانی آمیخته کن، نه آنان را کاملاً از خود دور کن و نه بیش از حد آنان را به خود نزدیک نما، چون مشرک هستند و صلاحیت نزدیکی به تو را ندارند و از سویی چون عهد و پیمان صلح بسته اند، نباید رانده شوند و مورد ستم قرار گیرند^(۲).

^۱ - عمری، اکرم ضیاء. عصر الخلافة الراشدة، چاپ اول، ناشر: مكتبة العلوم والحكم، مدینه منوره، سال ۱۴۱۴ هـ ق - ۱۹۹۴ م، ص: ۱۴۲.

^۲ - علي بن أبي طالب (رضي الله عنه) شخصيته وعصره، ج: ۲، ص: ۶۲.

تبیان _____ بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

نتیجه:

در نتیجه بحث گفته می‌توانیم که شفافیت قضائی سبب امور ذیل می‌گردد:

۱. افزایش اعتماد عمومی: شفافیت در فرآیند قضایی می‌تواند اعتماد عمومی به نظام قضایی را افزایش دهد. وقوع تصمیمات قضایی در چشمان عموم می‌تواند اطمینان بخش باشد و مردم را به اعتماد به قضات و دستگاه قضایی تشویق کند.

۲. افزایش نظارت عمومی: شفافیت در فرآیند قضایی می‌تواند باعث افزایش نظارت عمومی بر فعالیت‌های دستگاه قضایی شود. وقوع تصمیمات قضایی در چشمان عموم می‌تواند به مردم اجازه دهد تا به طور مستقیم فعالیت‌های دستگاه قضایی را نظارت کنند و در صورت وقوع فساد گزارش دهند.

۳. کاهش فساد: شفافیت می‌تواند از رشوه و فساد در دستگاه قضایی جلوگیری کند، زیرا وجود نظارت عمومی می‌تواند فساد را کاهش دهد.

از همین جهت حضرت علی علیه السلام در دوران حکومتداری خود برای افزایش اعتماد عمومی، افزایش نظارت عمومی، کاهش فساد و فیصله عادلانه، جلسات قضائی را در مساجد برگزار می‌کرد، تا مردم تمام تصمیمات قضائی را دیده و قاضیان را نیز تحت نظارت خود داشته باشند و در صورت ارتکاب عمل خلاف، به اصلاح آنها اقدام کنند.

پیشنهادات:

برای وزارت محترم عدلیه پیشنهاد می‌گردد: تا مانع اشتراک عامه مردم از جلسات قضایی نشوند و چون اشتراک همه مردم در جلسات قضایی ناممکن

تبيان ————— بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

است، بناءً اطلاعات قضایی را از طریق رسانه های صوتی و تصویری به سمع مردم برساند.

مآخذ

قرآن کریم.

۱. أبو الفداء، إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی البصری ثم الدمشقی. البداية والنهاية، ج: ۱۰، تحقیق: عبدالله عبدالمحسن التركي بالتعاون مع مركز البحوث والدراسات بدار هجر، چاپ اول، ناشر: هجر للطباعة والنشر- الجيزة، سال ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۷م، ص: ۴۴۳.

۲. الأصبهاني، أبو نعيم أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران. حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، ج: ۴، الناشر: السعادة - بجوار محافظة مصر، ۱۳۹۴هـ - ۱۹۷۴م، ص: ۱۴۰.

۳. الصلابي، علي محمد محمد. علي بن أبي طالب (رضي الله عنه) شخصيته وعصره، چاپ اول، سال: ۱۴۲۶هـ - ۲۰۰۵م، ص: ۴۳۹.

۴. عمري، اكرم ضياء. عصر الخلافة الراشدة. چاپ اول، ناشر: مكتبة العلوم و الحكم، مدينه منوره، سال ۱۴۱۴هـ ق - ۱۹۹۴م، ص: ۱۴۲.

۵. فوري، علاء الدين علي بن حسام الدين المتقي الهندي البرهان. كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، المحقق: بكري حيانى - صفوة السقا، الطبعة: چاپ پنجم، ج: ۵، الناشر: مؤسسة الرسالة، سال ۱۴۰۱هـ ق / ۱۹۸۱م، ص: ۵۰۸.

۶. قلعه جى، محمد رواس. موسوعة فقه علي بن ابي طالب، چاپ اول، ناشر: دار الفكر، سال: ۱۴۰۳هـ ق - ۱۹۸۳م، ص ۵۱۸.

تبیان ————— بررسی شفافیت در دستگاه قضایی...

۷. کوهستانی، محمد انور. نظام سیاسی اسلام، ج: ۱، ناشر: کتابخانه الکترونیکی امین، سال ۱۳۹۶ هـ ق- ۲۰۱۷ م، ص: ۳۷۷.
۸. المقدسی، عبد الله بن أحمد بن قدامة. المغني، ج: ۱۰، چاپ اول، ناشر: دار الفکر - بیروت، سال ۱۴۰۵، ۴۸۰.

خېړنوال محمد حسن منگل

د طلاق مادي اغېزې

ملخص البحث

إن الطلاق ليس مجرد انفصال عاطفي، بل له عديد من الآثار المالية. ومن أهم الآثار المادية المترتبة على الطلاق مايلي:

في عديد من الثقافات، يعتبر المهر التزاماً مالياً من الرجل إلى المرأة. في حالة الطلاق، يمكن للزوجة أن تطلب تأجيل المهر. إذا اعتبرت المرأة مستحقة للنفقة من زوجها السابق أثناء فترة العدة فإن الطلاق يترتب عليه آثار مادية على الزوج والزوجة والأسرة. نحن هنا نناقش و نبحث في الآثار المادية فقط، وبالتالي فإن تحديد الآثار المادية يعتمد على أنواع الطلاق التي تم التحقيق فيها في نص المقال.

لنډيز

طلاق يوازې يو احساساتي جلاوالی نه دی، بلکې گڼ شمېر مالي او اقتصادي پايلې هم لري. د طلاق ځينې مهمې مادي اغېزې په لاندې ډول دي:

په ډېرو کلتورونو کې، جهېز د سړي له خوا يوې بڼې ته يو مالي مکلفيت دی. د طلاق په صورت کې بڼه کولی شي د مهر مؤجل غوښتنه وکړي.

که چېرې يوه بڼه د خپل پخواني له مېړه څخه د نفقې مستحقه گڼل کېږي طلاقه شوې بڼه په عدت کې وي، نو د طلاق له امله پر مېړه، مېرمن او

تبيان _____ د طلاق مادي اغېزې.

کورنۍ مادي آثار پرېوځي. دلته مور يوازې د مادي آثارو په اړه بحث او څېړنه کوو، نو د مادي آثارو پېژندنه د طلاق په ډولونو پورې تړلې ده چې د مقالې په متن کې ورباندې څېړنه شوې ده.

سريزه

الحمد لله رب العلمين والصلاة والسلام على خيرخلقه محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

څرنگه چې د شرعي نکاح له امله د نکاح ټول آثار لکه د مېرمنې نفقه د ميراث حقوق د نسب ثبوت او د مصاهرت حرمت ثابتېږي، دغه شان کله چې مېړه خپلې مېرمنې ته طلاق ورکړي، نو د طلاق په وجه په مېړه، مېرمن او کورنۍ ځينې مادي او معنوي آثار پرېوځي، خو زه د ذکرشوو آثارو څخه يوازې مادي آثار ستاسې په خدمت کې وړاندې کوم، ترڅو هر سړی په دې پوه شي چې له طلاق وروسته پر مېړه، مېرمنې او کورنۍ کوم مادي آثار پرېوځي او د هغو له امله د کورنۍ پر غړيو د شريعت کوم احکام تطبيقيږي.

د څېړنې مبرميت

د طلاق په صورت کې پر مېړه، مېرمنې او کورنۍ ځينې مادي او معنوي آثار پرېوځي چې د هغو له امله د شريعت ځانگړي احکام مېړه، مېرمنې او کورنۍ ته متوجه کېږي، له دغو احکامو څخه ځان خبرول ضروري دي، پکار ده چې په دې اړه يوه لنډه څېړنه وشي چې همدغه د موضوع مبرميت جوتوي.

تبیان _____ د طلاق مادي اغېزې.

د څېړنې هدف

کله چې د طلاق په واسطه د مېړه او مېرمنې ترمنځ بېلتون رامنځ ته شي، نو د طلاق له امله یو سلسله مادي او معنوي آثار رامنځ ته کیږي چې د هغو په نتیجه کې بېلابېل احکام مېړه او مېرمنې ته متوجه کیږي، نو زه په دې مقاله کې یوازې د طلاق مادي آثار او د هغو احکام بیانول غواړم چې همدغه د دې مقالې عمده هدف دی.

د څېړنې تگلاره:

په دغه څېړنه کې د څېړنې توصیفي او تحلیلي میتود څخه کار اخیستل شوی دی.

د تحقیق سوالونه:

اصلي سوال: د طلاق مادي اغېزې څه دي؟

فرعي سوالونه:

- ۱- مېرمن د خپل مېړه په متروکه مال کې د میراث حق لري؟
- ۲- په طلاق کې د زوجیت رابطه څه مهال ختمیږي؟
- ۳- له خلوت صحیحه نه مخکې د مطلقې مېرمنې مهر؟
- ۴- د مطلقې مېرمنې نفقه او سکني د چا په غاړه ده؟
- ۵- مېړه څه مهال د وراثت مستحق گرځي؟
- ۶- مېړه د خپلې مېرمنې پر مهر څه مهال مکلف دی؟
- ۷- د ماشوم کورنۍ به څه مهال د ماشوم مور ته اجرت ورکوي؟

تبيان _____ د طلاق مادي اغېزې.

د طلاق لنډ تعريف:

د طلاق ريښه (ماده) دا ده (ط، ل، ق) طَلَّقَ يَطْلُقُ باب نَصَرَ يَنْصُرُ، معنی يې دا ده: خلاصېدل، آزادېدل او له قيد څخه خلاصون^(۱).

د عربو دا دستور و چې كله به د اوينې پښې د رسي له تړلو نه پرانيستل شوې، نو دوى به ويل: طلقت الناقه^(۲). اوبنه آزاده شوه، يعنې د اوينې پښې د رسي له تړلو څخه پرانيستل شوې، د بنديز او محدوديت څخه آزاده او خپلواکه شوه.

دغه راز علامه شمس الأئمة السرخسي ليكي: **الطَّلَاقُ فِي اللُّغَةِ عِبَارَةٌ عَنِ إِزَالَةِ الْقَيْدِ. وَفِي الشَّرْعِ إِزَالَةُ مَلِكِ النِّكَاحِ.**^(۳)

طلاق په لغت کې له قيد او محدوديت څخه خلاصون او د شريعت له مخې: د نكاح له قيد څخه آزادېدلو ته وايي. دغه راز د عقد معنی ده: يو شی غوټه كول، نو طلاق د عقد په مقابل کې د غوټې پرانيستلو ته وايي.

اول د مېرمنې په اړه د طلاق مادي اغېزې:

دا چې د رجعي طلاق په وجه د زوجيت رابطه تر هغې پورې له منځه نه ځي ترڅو چې د مېرمنې عدت ختم شوی نه وي او كله چې د مېرمنې عدت پوره شي، نو د زوجيت رابطه ختمېږي. ۱- كه مېرې خپلې مېرمنې ته د مرض الموت

^۱- ابن منظور جمال الدين، الكتاب: لسان العرب، ج ۸، دار إحياء التراث، بيروت، ص ۱۱۵. دوهم ماخذ: المؤلف: أبو بكر محمد بن القاسم الأنباري، الكتاب: الزاهر في معاني كلمات الناس، ج ۲/ص ۱۳۷، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲.

- پخوانی ماخذ^۲

^۳- المؤلف: محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي، الكتاب: المبسوط، ج ۷/ص ۱۲۷. مولانا عبد الحی، حاشیه هدایه کتاب الطلاق، ج ۲، قدیمی کتب خانه کال ۱۹۶۱ م، ص ۳۳۳.

تبیان _____ د طلاق مادي اغېزې.

په حالت کې رجعي طلاق ورکړي او د عدت په موده کې مېړه وفات شي، نو په دې صورت کې ميرمن له خپل مېړه څخه ميراث وړی شي. **بَانَ طَلَّقَهَا فِي حَالَةِ الْمَرَضِ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِيَ الْعِدَّةَ فَوَرِثَتْ** (۱)

په صريحو او څرگندو الفاظو کې چې له طلاق څخه علاوه بل مطلب نه اخیستل کېږي، يو يا دوه طلاق ورکړل شي، نو دې ته رجعي طلاق وايي.

۲- که مېړه خپلې ميرمنې ته رجعي طلاق ورکړي او د عدت له تېرېدلو نه مخکې مېړه د عدت په موده کې وفات شي او مېړه اولاد هم ولري په دې صورت کې مېرمن اتمه برخه د مېړه له متروکه مال څخه وړی شي او که مېړه اولاد نه درلود، نو بيا مېرمن د مېړه په متروکه مال کې څلورمه برخه حق لري په دې اړه الله تعالی فرمايي: **﴿وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ﴾** (۲).

(او نبځې به ستاسې له ترکې څخه، که تاسې بې اولاده ياست، د څلورمې برخې حقدارې دي او که ستاسې او لاد موجود وو، نو بيا ستاسې له ترکې څخه د هغوی اتمه برخه ده).

۳- که نبځه د باين صغری په واسطه طلاقه شوي وي او د هغې مېړه په داسې وخت کې مړ شي چې د نبځې عدت تېر شوی وي يا تېر شوی نه وي، نو نبځه د خپل مېړه په متروکه مال کې د ميراث حق نه لري، ځکه د مېړه او مېرمنې په منځ کې نکاح ختمه شوې ده (۳).

۱- ابوبکر بن مسعود، الکاساني علاءالدين، کتاب: بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۷/ص ۴۱۷.

۲- النساء: ۱۲.

۳- بدائع الصنائع، ج ۴/ص ۴۲۹.

تبيان _____ د طلاق مادي اغېزې.

دغه راز که مېړه خپله مېرمن د باين صغری په واسطه طلاقه کړي، نو د هغې خو صورتونه دي:

الف - يا د ښځې په غوښتنه طلاق ورکړل شي.

ب- يا ښځه له ميراث څخه د محرومولو په خاطر د مرض الموت وخت کې طلاق ورکړل شي.

په لومړي صورت کې ښځه د وراثت حق داره نه ده، ځکه په دې صورت کې ښځې په خپله د طلاق غوښتنه کړې ده، په دوهم صورت کې ښځه د وراثت مستحقه گرځي، البته که مېړه د گرځېدو را گرځېدو قدرت ولري او په ظاهره د مرگ آثار موجود نه وي، نو په دې صورت کې طلاق ورکوونکي، نه فار (تښتېدونکي) گڼل کېږي او نه دغه مرض ته مرض الموت ويل کېږي. په دې اړه شامي ليکي: «فَلَوْ قَدَرَ عَلَى إِقَامَةِ مَصَالِحِهِ فِي الْبَيْتِ كَالْوُضُوءِ وَالْقِيَامِ إِلَى الْخَلَاءِ لَا يَكُونُ فَارًا وَفَسْرَهُ فِي الْهَدَايَةِ بَأَنْ يَكُونَ صَاحِبَ فَرَّاشٍ».^(۱)

که مېړه په کور کې د خپلو اړتياوو په سنبالولو کې وتوانېږي لکه اودس او سراگشت ته تگ، نو بيا هغه تښتېدونکي نه گڼل کېږي.

د يادونې وړ ده که ښځه د مېړه د مرض په حالت کې د رجعي طلاق مطالبه وکړي او مېړه طلاق ورکړي او بيا د عدت په وخت کې مېړه وفات شي، نو مېرمن د وراثت مستحقه ده او که مېرمن د باين صغری مطالبه وکړي او مېړه د باين صغری طلاق ورکړي، نو په دې صورت کې مېرمن د ميراث مستحقه نه گرځي،

^۱- ابن عابدين، محمد أمين بن عمر، الكتاب: رد المحتار على الدر المختار، ج ۱۱/ص ۴۲۲.

تبيان _____ د طلاق مادي اغېزې.

ځکه چې په دې صورت کې مېرمنې خپل حق په خپل لاس باطل کړ. په دې اړه شامي ليکي: «وکذا ترث طالبة رجعية بخلاف ما لو طلبت البائن»^(۱).

(د رجعي طلاق غوښتونکې ښځې مسئله جدا ده).

که مېړه په مرض الموت کې خپله مېرمن د وراثت له حق څخه د محرومولو په خاطر باين صغری يا مغلظه طلاق ورکړي وروسته مېړه د عدت په موده کې وفات شي، نو په دې صورت کې مېرمن له وراثت څخه نه محروميږي.

علامه زين العابدين په خپل کتاب الاشباه والنظائر کې يوه اصولي خبره بيان کړې ده ليکي: «لو طَلَّقَهَا ثَلَاثًا بِلِ رِضَاهَا قَاصِدًا حِرْمَانَهَا مِنَ الْإِرْثِ فِي مَرَضٍ مُوتِهِ فَإِنَّهَا تَرِثُهُ»^(۲).

که چيرې مېړه خپله مېرمن د هغې له رضایت پرته درې ځله طلاق ورکړي او د خپلې وروستۍ ناروغۍ په جريان کې له ميراث څخه د محرومولو اراده يې ولري، نو مېرمن د وراثت له حق څخه نه محروميږي.

۴- که د مېړه او مېرمنې ترمنځ بېلتون د باين کبري طلاق په واسطه راغلی وي او مېړه د عدت په موده کې وفات شوی وي او يا له هغه وروسته، نو مېرمن د مېړه په متروکه مال کې د ميراث حق نه لري.

^۱ - الحصکفي، محمد علاء الدين بن علي، الكتاب: الدر المختار شرح تنوير الأبصار في فقه مذهب الإمام أبي حنيفة، ج ۳/ص ۳۸۸، الناشر: دار الفكر، سنة النشر: ۱۳۸۶.

^۲ - الشَّيْخُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ بْنِ إِبرَاهِيمَ بْنِ نُجَيْمٍ، الكتاب: الْأَشْبَاهُ وَالنَّظَائِرُ عَلَى مَذْهَبِ أَبِي حَنِيفَةَ النُّعْمَانِ، ج ۱/ص ۱۵۹، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان، الطبعة: ۱۴۰۰هـ = ۱۹۸۰م، عدد الأجزاء: ۱، القسم: اصول الفقه والقواعد الفقهية.

تبیان _____ د طلاق مادي اغېزې.

۵- که مېړه له خلوت صحیحته نه مخکې خپلې مېرمنې ته طلاق ورکړي، نو مېرمن د نیم مهر مستحقه ده، الله تعالی فرمایي: ﴿وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عَقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾^(۱). (که تاسې له لاس وړ وړلو مخکې طلاق ورکړی وي، خو مهر مو ټاکلی وي، نو په دې صورت کې به نیمایي مهر ورکول کېږي، دا بېله خبره ده چې ښځه نرمه وضعه وکړي (او مهر واخلي) یا هغه څوک چې د نکاح د عقد واکمن دی له نرمې څخه کار واخلي (او پوره مهر ورکړي) او تاسې (یعنې نارینه) که ښه وضعه وکړئ نو دا له پرهېزگاري سره ډېره ښايي. په خپل منځي چارو کې مروت مه هېروئ، الله تعالی ستاسې عملونه ویني).

۶- که مېړه خپلې مېرمنې ته له دخول نه مخکې طلاق ورکړي، خو مهر يې نه وي مسمی کړی په دې صورت کې به مېرمنې ته د مهر عوض (متعه طلاق) ورکوي په دې اړه الله تعالی فرمایي: ﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفَرِّضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرُهُ مَتَّعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ﴾^(۲).

(پر تاسې هېڅ گناه نشته، که خپلو ښځو ته مخکې له هغه طلاق ورکړئ چې لاس مو نه وي وړی او مهر مو نه وي ټاکلی، په دې صورت کې هغوی

^۱- البقره: ۲۳۷.

^۲- البقره: ۲۳۶.

تبيان _____ د طلاق مادي اغېزې.

ته څه ناڅه ورکول ضروري دي، وس لرونکی دې له خپلې وسې او بېوزله دې له خپلې وسې په اندازه په ښه توګه څه ورکړي، دا پر ښکېانو حق دی). همدارنګه د احزاب په سورت کې فرمايي: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَخُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا﴾^(۱).

اې مؤمنانو! کله چې تاسې له مؤمنو ښځو سره نکاح وکړئ او بيا هغوی ته له لاس وړلو مخکې طلاق ورکړئ، نو ستاسې لخوا پر هغوی څه عدت لازم نه دی چې د هغه د پوره کولو تاسې غوښتنه وکولای شئ، له دې کبله هغوی ته څه مال ورکړئ او په ښه توګه يې رخصت کړئ.

د دې آيت په اړه: ﴿وَالْمُطَلَّاتُ مَتَّعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾^(۲).

(او د طلاق شوو ښځو لپاره، مناسب مهر دی (چې د مېړه لخوا ورکول کېږي) واجب دی. دا په متقيانو نارینه وو باندې حق دی). په دې اړه تفسير مظهري ليکي: د پورتنی آيت له نزول نه واضحه شوه چې طلاق متعه يوازې د هغو ښځو لپاره ثابتېږي چې د لاس له لګېدو او د مهر له مقررې دو مخکې طلاقې شوي وي^(۳).

۷- که مېړه خپله مېرمن د رجعي، باين صغری او يا د باين کبری طلاق په واسطه طلاقه کړي ترڅو چې د ښځې د عدت موده پوره شوې نه وي د هغې نفقه او سکني د مېړه پر غاړه ده، کله چې عدت يې ختم شي خوا که دغه

۱- الاحزاب: ۴۹.

۲- البقره ۲۴۱.

۳- المظهري، محمد ثناء الله عثمانی، تفسير مظهري، ۲۴۱.

تبيان _____ د طلاق مادي اغېزې.

عدت د حمل د وضع په صورت کې وي، د درې حيضونو په صورت کې وي او يا د درې مياشتو په صورت کې وي، نو بيا د مېرمنې نفقه د مېرې له ذمې څخه ساقطېږي او مېرمن بېگانه گرځي او د مېرې له کور څخه به وځي. په دې اړه الله تعالى فرمايي: **﴿أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجُوهِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولِي حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ﴾**^(۱). (هغوی ته (د عدت په وخت کې) په همغه ځای کې استوگنه ورکړئ، چيرې چې تاسې اوسېږئ، هر راز ځای چې تاسې ته میسر وي، او (د ځای يا نفقې) د تنگولو په خاطر هغوی مه ځوروی او که هغوی حاملې وي، نو ترهغه وخته لگښت پرې وکړئ ترڅو چې لنگېږي) (اولاد زيروي)

دغه راز په بداية المبتدي کې راځي: **«وإذا طلق الرجل امرأته فلها النفقة والسكنى في عدتها رجعيًا كان أو بائنا ولا نفقة للمتوفى عنها زوجها»**^(۲). (که مېرې خپلې مېرمنې ته طلاق ورکړي، نو په عدت کې د ښځې نفقه او د اوسېدنې ځای د سړي په غاړه دی ځواکه دا رجعي طلاق وي يا باين او په مېرې باندې د وفات د عدت نفقه نشته). دغه راز په دې خبره چې د معتدې ښځې نفقه پر مېرې باندې لازمه ده په دې اړه فقهاوو صراحت کړی دی لکه چې وايي: **«وإذا طلق الرجل امرأته فلها النفقة والسكنى في عدتها رجعيًا كان أو بائنا»**^(۳).

^۱- الطلاق: ۶.

^۲- المرغيناني، علي بن أبي بكر بن عبد الجليل، أبو الحسن برهان الدين، الكتاب: بداية المبتدي في فقه الإمام أبي حنيفة، ج ۱/ص ۸۹. الناشر: مكتبة ومطبعة محمد علي صبح - القاهرة.

^۳- البارتي، محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدين أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ جمال الدين الرومي، الكتاب: العناية شرح الهداية، ج ۴/ص ۴۰۳، الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ.

تبیان _____ د طلاق مادي اغېزې.

که ښځه په رجعي طلاق او یا د باين کبری په طلاق سره طلاقه شوي وي، نو پر مېړه يې نفقه واجب ده.

همدارنگه الله تعالی فرمايي: **«وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ»**(^۱). (او که هغوی حاملې وي، نو تر هغه وخته لگښت پرې وکړئ، تر څو چې خپل حمل وزېږوي).

۹- له طلاق نه وروسته که مطلقه ښځه خپل ماشوم ته شیدې ورکوي، نو هغه د اجرت مستحقه ده. په دې اړه الله تعالی فرمايي **«فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ»**(^۲).

بيا که هغوی ستاسې لپاره (ما شوم ته) تې ورکوي، نو هغوی ته به أجوره ورکوي.

دوهم د طلاق مادي آثار د مېړه په اړه

څرنگه چې د ښځې په اړوند مو مادي آثار ذکر کړل، نو اوس د طلاق مادي اثرات د مېړه په اړه ذکر کوو.

۱- څرنگه چې په رجعي طلاق کې مېرمن د وراثت مستحقه ده، مېړه هم مستحق دی، يعنې که مېړه خپلې مېرمنې ته رجعي طلاق ورکړي، خوا د مېرمنې په مطالبه يا بې له مطالبې، وروسته د عدت په موده کې مېرمن وفات شي، نو مېړه د وراثت مستحق گرځي، ځکه چې مېړه خپلې مېرمنې ته رجعي طلاق ورکړی دی او په رجعي طلاق کې مېرمن د زوجیت له قید څخه نه وزي، ترڅو چې د هغې عدت تیر شوی نه وي، په دې اړه عالمگیری ليکي: **«الرجل**

^۱- طلاق: ۶.

^۲- طلاق: ۶.

تبيان _____ د طلاق مادي اغېزې.

إذا طلق امرأته طلاقاً رجعيًّا في حال صحَّته أو في حال مرضه برضاها أو بغير رضاها ثمَّ مات وهي في العدة فإنَّهما يتوارثان بالإجماع»^(١).

٢- (که مېړه خپلې مېرمنې ته رجعي طلاق ورکړي، خوا د صحت په حالت کې یا د مرض په حالت کې، خوا د مېرمنې په غوښتنه یا بې له غوښتنې، وروسته د عدت په موده کې مېړه وفات شي، نو بې له اختلافه دواړه له یو بل څخه د وراثت مستحق دي). آغاز نوشتن

همدارنگه علامه ابن عابدين هم دغه مسئله ډیره ښه واضحه کړې ده، موصوف ليکي: فأيهما مات وهي في العدة يرثه الآخر.^(٢)
(د عدت په زمانه کې له مېړه او مېرمنې نه چې یو تن وفات شي نو بل تن وارث گرځي).

دغه راز قاضي خان هم په دې اړه ليکي: «و کذا لو ماتت المرأة في العدة ورثها الزوج».^(٣)
(په همدې توگه که مېرمن هم د عدت پر مهال وفات شي، نو مېړه وارث گرځي).

٢- که د مطلقې مېرمنې د عدت موده تېره شوې وي، نو مېړه د مېرمنې په متروکه مال کې د ميراث حق نه لري.^(٤)

١- لجنة علماء برئاسة نظام الدين البلخي، الكتاب: الفتاوى الهندية [حنفي] ج ١٠/ص ٩٠، القسم: الفتاوى.

٢- رد المحتار على الدر المختار: شرح تنوير الابصار، ج ١١/ص ٤٣١.

٣- لجنة علماء برئاسة نظام الدين البلخي، الكتاب: الفتاوى الهندية، ج ٩/ص ٨٦.

٤- المؤلف: ابن عابد محمد علاء الدين أفندي، الكتاب: حاشية رد المختار على الدر المختار، ج ٣/ص ٣٧٢، الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر، سنة النشر: ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م.

تبيان _____ د طلاق مادي اغېزې.

۳- که مېړه خپله مېرمن په ثلاثه طلاق سره طلاقه کړي، نو د مېړه او مېرمنې ترمنځ توارث منع کېږي که مېرمن مړه شوه مېړه ورڅخه ميراث نشي ترلاسه کولی. (۱)

۴- که مېړه په دې نيت خپلې مېرمنې ته طلاق ورکړي چې له مېراث څخه محرومه شي، نو مېرمن په دې صورت کې له خپل مېړه څخه ميراث اخيستی شي، ځکه چې هغه د دې لپاره خپلې مېرمنې ته طلاق ورکوي ترڅو له ميراث څخه محرومه شي. (۲)

۵- کله چې د مطلقې مېرمنې د عدت موده پوره شي او له هغې سره يې صحيحه خلوت کړی وي يايې جماع کړې وي، نو ټول مسمی مهر به ورکوي، که مهر يې تعين کړی نه وي نو مهر مثل به ورکوي، که مېړه خپله مېرمن مخکې له دې چې له هغې سره خلوت صحيحه وکړي، طلاق ورکړي نو بيا د مسمی نيمايي مهر به ورکوي او مېرمن له ټولو هغو حقوقو څخه چې پر خاوند يې لري خلاصېږي لکه نفقه، لباس، اوسېدلو ځای او داسې نور. (۳)

۶- ترڅو چې د مطلقې مېرمنې د عدت موده ختمه شوې نه وي د هغې نفقه پر مېړه لازمه ده، کله چې د هغې د عدت موده پوره شي نو بيا پر مېړه هيڅ نه لازميږي. (۴)

۱- وَهَبَةُ الرَّحِيلِي، الكتاب: الفقه الإسلامي وأدلته، ج ۳۶۳/۹، الناشر: دار الفكر - سوریه - دمشق.

۲- الفقه الإسلامي وأدلته، ج ۹/ص ۳۹۶.

۳- الهداية في شرح بداية المبتدي، الناشر: دار احياء التراث العربي - بيروت - لبنان، ج ۲/ص ۸۴.

۴- الهداية في شرح بداية المبتدي، ج ۲/ص ۸۵.

تبيان _____ د طلاق مادي اغېزې.

په اولادونو د طلاق اغېزې

خرنگه چې د طلاق مادي اثار مو د مېړه او مېرمنې په اړه بيان كړل، دغه راز د طلاق مادي اثار د كورنۍ په اړه هم رامنځته كيږي چې په لاندې ډول ذكر كيږي:

- ۱- كله چې د مېړه او مېرمنې ترمنځ د طلاق په وجه بېلتون راشي، نو طلاقه شوې مېرمن له خپل لمسي څخه ميراث وړې شي كه څه هم د بل چا په نكاح كې وي، په دې اړه د فقهاوو په كتابونو كې راځي: «إلا أم الأب فإنها ترث مع الجد لأنها ليست من قبله»^(۱) (يعني مگر د پلار مور د نيکه په وجه نه محروميږي، ځکه د هغه خپلوي د نيکه په وجه نه ده، بلکې د پلار له خوا ده).
- ۲- که له مطلقې ښځې نه داسې اولاد پاتې شي چې د هغوی پالنې او حضانت ته اړتيا وي که طلاقه شوې ښځه د هغوی پالنه په خپله غاړه واخلي، نو د ماشوم کورنۍ به هغې ته اجرت ورکوي، ځکه چې ښځه حق لري چې له هغوی څخه اجرت واخلي، که اجرت ورنه کړي، نو ښځه د هغوی له حضانت څخه منع راوړي شي په دې اړه علامه علاؤ الدين ابی بکر کاساني رحمت الله ليکي: ښځه د ماشوم له حضانت او پالنې په خاطر د اجرت حق لري چې په باين طلاق سره طلاقه شوې وي، که څه هم عدت يې پاتې وي، خو د رجعي

^۱ - المؤلف: ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقي الحنفي، الكتاب: رد المحتار على الدر المختار، ج ۶/ص ۷۸۲، الناشر: دار الفكر-بيروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۲هـ - ۱۹۹۲م.

تبيان _____ د طلاق مادي اغېزې.

طلاق په عدت کې د اجرت حق نه لري. (۱) همدارنگه الله تعالى فرمايي: ﴿فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ﴾ (۲)

۳- (که هغوی ستاسې لپاره (ماشوم ته) تې ورکوي، نو هغوی ته به اجوره ورکوي).

د فقهاوو له پورتنې ذکر شوي متن څخه دا څرگنديږي چې له عدت څخه وروسته بې له شکه مطلقه ښځه د حضانت د اجرت حق لري او په دې اړه کوم اختلاف نشته.

۳- د ماشوم کورنۍ مطلقه ښځه د ماشوم په روزنې او پالنې نشي مجبورولی. په دې اړه په هدايه کې راځي: «وَلَا تُجْبَرُ الْأُمُّ عَلَيْهِ لِأَنَّهَا عَسَتْ تَعْجِزُ عَنِ الْحِضَانَةِ». (۳)

(د ماشوم پر پالنه او روزنه، مور مجبوره نه ده امکان لري چې هغه د پالنې څخه معذوره وي).

۴- که ښځه په خپله خوښه د خپل اولاد پالنه بې له کوم اجرت څخه کوله، نو دا د هغې خپل حق دی چې ورڅخه استفاده کوي.

۵- کله چې د ښځې د طلاق عدت تېر شي، نو د هغې نفقه او سکني پر نژدې محرم لزميږي. (۴)

۱- بدائع الصنائع فی ترتيب الشرائع، ج ۲/ص ۲۳۲.

۲- طلاق: ۶.

۳- علي بن أبي بكر بن عبد الجليل الفرغاني المرغيناني، أبو الحسن برهان الدين، الكتاب: الهداية في شرح بداية المبتدي، ج ۲/ص ۲۸۳، الناشر: دار احياء التراث العربي - بيروت - لبنان.

۴- بدائع الصنائع فی ترتيب الشرائع، ج ۲/ص ۲۶۶.

تبيان _____ د طلاق مادي اغېزې.

۶- که ماشوم د شخصي شتمنی خاوند وي نو د حضانت اجوره د هغه له شتمنی څخه به ورکول کېږي مگر دا چې پلار يې په شرعي توگه ورکړي.^(۱)

پاييلې:

۱- دا چې اسلام تر آخري حده د عائلي نظام محافظ او د طلاق او بېلتون مخالف دی، ځکه چې طلاق بې شمېره انفرادي، اجتماعي، اخلاقي او اقتصادي زيانونه لري

۲- د طلاق له امله پر مېړه، مېرمن، اولاد حتی ځينې وخت د کورنيو ترمنځ هم ناوړه اغېزې رامنځته کېږي، نو له داسې خيز څخه د مخنيوي لپاره پکار ده چې مېړه او مېرمن د شريعت په دايره کې يو بل ته د هغو حقوقو په برخه کې ژمن پاتې شي، چې اسلامي شريعت دوی ته ورکړي دي.

۳- په عادي حالاتو کې او بې له شرعي عذره مېړه او مېرمنې ته جائز نه دي، چې مېړه خپلې مېرمنې ته طلاق ورکړي او يا مېرمن له خپل مېړه څخه د خلع مطالبه وکړي، ځکه چې اسلامي شريعت يوازې په هغه صورت کې طلاق جائز بولي چې زوجين د نکاح له حقيقي موخې څخه محروم او په خپل منځ کې د محبت او صله رحمې پر ځای د کرکې او کينې لامل وگرځي.

۴- کله چې د مېړه او مېرمنې ترمنځ د جوړجاړي او اصلاح ټول صورتونه نا کام ثابت شي، نو اسلامي شريعت په دې صورت کې د طلاق او بېلتون لاره غوره کول جائز او روا بولي، ترڅو مېړه او مېرمن په جدا اوسېدو ډاډه شي او پُر امن ژوند تېر کړي

^۱ - مدني قانون، ج ۱، ۶۸.

تبيان _____ د طلاق مادي اغېزې.

وړاندیزونه

د دې لپاره چې د طلاق له وړاندوونکو اغیزو څخه د کورنۍ وگړي وژغورل شي، نو د تېرې څېړنې په پای کې مسئولینو، عامو مسلمانانو او کورنیو ته لاندې وړاندیزونه کوم .

۱- عامو مسلمانانو ته وړاندیز دی چې هر سړی دې له نکاح څخه مخکې د ژوند د شریک په انتخاب کې له دقت، جدیت او ځېرکتیا څخه کار واخلي، همدارنگه باید هر څوک له داسې شخص سره نکاح وکړي چې گف یې وي او یا په اسلامي اوصافو متصف وي، ترڅو په آینده کې زوجین خلع او طلاق ورکولو ته مجبور نه شي.

۲- د ارشاد، حج او اوقافو وزارت ته وړاندیز دی چې د خطیبانو او امامانو په مرسته په جوماتونو کې د طلاق ناوړه اغیزې عامو مسلمانانو ته بیان کړي.

۳- د اطلاعاتو او کلتور وزارت ته وړاندیز دی چې په راديو گانو او تلویزیونونو کې مبتدل وارداتي کلتور پر ځای داسې پروگرامونه جوړ او وړاندې شي چې د اسلام د دین په رڼا کې د کورني نظام ښکلا انځور کړي.

ماخذونه:

۱- ابن منظور جمال الدين، الكتاب: لسان العرب، ج ۸، دار إحياء التراث، بيروت، ص ۱۱۵. دوهم ماخذ: المؤلف: أبو بكر محمد بن القاسم الأنباري، الكتاب: الزاهر في معاني كلمات الناس، ج ۲/ص ۱۳۷، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲.

تبيان _____ د طلاق مادي اغبزي.

٢. محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي، الكتاب: المبسوط، ج٧/ص١٢٧. مولانا عبد الحى، حاشيه هدايه كتاب الطلاق، ج٢، قديمى كتب خانه كال ١٩٦١م، ص ٣٣٣.
٣. ابوبكر بن مسعود، الكاساني علاء الدين، كتاب: بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج٧/ص٤١٧.
٤. بدائع الصنائع، ج٤/ص٢٢٩.
٥. ابن عابدين، محمد أمين بن عمر، الكتاب: رد المحتار على " الدر المختار"، ج١١/ص٤٢٢.
٦. الحصكفي، محمد علاء الدين بن علي، الكتاب: الدر المختار شرح تنوير الأبصار في فقه مذهب الإمام أبي حنيفة، ج٣/ص٣٨٨، الناشر: دار الفكر، سنة النشر: ١٣٨٦.
٧. الشَّيْخُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نُجَيْمٍ، الكتاب: الْأَشْبَاهُ وَالنَّظَائِرُ عَلَى مَذْهَبِ أَبِي حَنِيفَةَ النُّعْمَانِ، ج١/ص١٥٩، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان، الطبعة: ١٤٠٠هـ = ١٩٨٠م، عدد الأجزاء: ١، القسم: اصول الفقه والقواعد الفقهية.
٨. مدني قانون، ج١/ص٣٠.
٩. المظهري، محمد ثناء الله عثمانى، تفسير مظهري، ٢٤١.
١٠. المرغيناني، علي بن أبي بكر بن عبد الجليل، أبو الحسن برهان الدين، الكتاب: بداية المبتدي في فقه الإمام أبي حنيفة، ج١/ص٨٩. الناشر: مكتبة ومطبعة محمد علي صبح - القاهرة.
١١. البابر تي، محمد بن محمد بن محمود، أكمل الدين أبو عبد الله ابن الشيخ شمس الدين ابن الشيخ جمال الدين الرومي، الكتاب: العناية شرح الهداية، ج٤/ص٤٠٣، الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ.

تبيان _____ د طلاق مادي اغبزي.

١٢. لجنة علماء برئاسة نظام الدين البلخي، الكتاب: الفتاوى الهندية [حنفي] ج ١٠/ص ٩٠، القسم: الفتاوى.
١٣. رد المحتار على "الدر المختار: شرح تنوير الابصار"، ج ١١ ص ٤٣١.
١٤. لجنة علماء برئاسة نظام الدين البلخي، الكتاب: الفتاوى الهندية، ج ٩/ص ٨٦.
١٥. ابن عابد محمد علاء الدين أفندي، الكتاب: حاشية رد المختار على الدر المختار، ج ٣/ص ٣٧٢، الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر، سنة النشر: ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م.
١٦. وَهْبَةُ الرَّحَيْلِيِّ، الكتاب: الفِقهُ الإسلاميُّ وأدلَّتُهُ، ج ٣٦٣/٩، الناشر: دار الفكر - سورِيَّة - دمشق.
١٧. الفِقهُ الإسلاميُّ وأدلَّتُهُ، ج ٩/ص ٣٩٦.
١٨. الهداية في شرح بداية المبتدي، الناشر: دار احياء التراث العربي - بيروت - لبنان، ج ٢/ص ٨٤.
١٩. الهداية في شرح بداية المبتدي، ج ٨٥/٢.
٢٠. ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقي الحنفي، الكتاب: رد المحتار على الدر المختار، ج ٦/ص ٧٨٢، الناشر: دار الفكر-بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م.
٢١. بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ٢/ص ٢٣٢.
٢٢. علي بن أبي بكر بن عبد الجليل الفرغاني المرغيناني، أبو الحسن برهان الدين، الكتاب: الهداية في شرح بداية المبتدي، ج ٢/ص ٢٨٣، الناشر: دار احياء التراث العربي - بيروت - لبنان.
٢٣. بدائع الصنائع في ترتيب اشرائع، ج ٢/ص ٢٦٦.

نبوی ارشاد

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا كَانَ
أَمْرًاؤُكُمْ خِيَارُكُمْ وَأَغْنِيَاؤُكُمْ سُمَحَاءُكُمْ وَأُمُورُكُمْ سُورَى بَيْنِكُمْ
فَظَهَرُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِهَا» رواه الترمذی

(کله چې ستاسو مشران ستاسې غوره خلک وي، ستاسو شتمن
کسان ستاسو سخیان وي او ستاسو چارې په مشوره ترسره کېږي،
نو د ځمکې پر مخ اوسېدل ستاسو لپاره د ځمکې له داخل بڼه
دي).

Published: Academy of science of Afghanistan
Editor in chief: Professor Abdul Raouf Hajrat
Assistant: Research fellow Esmatullah Rahmatzay

Editorial Board:

Professor Abdul Wali Basirat
Professor Said Habib Shaker
Professor Abdul Rahman Hkimzad
Ehsannllah Sadeqi
Ahmadullah Sabiri
Mohmmad Nabi AL Maidani

Composed & Designed By:

Abdul Raouf Hajrat

Annual Subscription:

Kabul: ۳۲۰ AF

Province: ۴۸۰ AF

Foreign Countries: ۲۰\$

Price of each issue in Kabul: ۸۰ AF

- For Professors, Teachers and members of Academy of science of Afghanistan: ۷۰ AF
- For the disciples and students of schools: ۴۰ AF
- For other Departments and offices: ۸۰ AF